

حلقه وصل مرجعيت
محتوايي جبهه فرهنگي رابه
دست گيرد

شکارجي تابين دندان مسلح
در مرغداری در بسته!

حلقه وصل پناهگاه فعالان
فرهنگي است

حلقه وصل،
محل اتصال جاده و بزرگراه

چاپتان مستدام!

آيا حلقه وصل نشریه خوبی است؟

■ همراه با اطلاع نگاشت

از صد شماره نشریه

پرونده ویژه
صدمین نشریه حلقه وصل

صد شماره
همراهی

■ با آثار و گفتاری

دکتر محمد صادق کوشکی

دکتر محمد مهدی تلوری

حسن عباسی

سید احمد عبودتیان

نعمت اله سعیدی

حجت الاسلام محسن شفیعی

و

همکاران حلقه وصل



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



اهدای کتاب اهدای دانایی

با اهدای کتاب به کتابخانه های عمومی سراسر کشور
کتاب را همنشین خانواده های ایرانی نماییم.

سه خصلت است که در هر کس باشد آتشش به خود او بازمی گردد:

ظلم کردن،

فریب دادن

و تخلف از وعده

پیامبر حجت
عج الصالحین ۳۳



صاحب امتیاز: مجید کهنوجی
مدیرمسئول و سردبیر: صادق یزدانی
زیر نظر شورای سیاست گذاری
مدیر داخلی: حمیدرضا محمدی

دبیر ویژه نامه: محمدرضا انبسی آرانی
هیأت تحریریه: محمد علی جعفری، محمد حسن
استرحام، جمال یزدانی، مهدی سلیمان نژاد،
زهرا فرقانی

صفحه آرایی و طراحی جلد: جلیل یزدانی
عکس: حمید محمودی
ویراستار: حسین حسن نژاد
حروف چینی: زهرا سلمانی، الهه عبا یاف ها
بخش اشتراک: ایمان اتابکی

باهمکاری: پوریا جهان تیغی (سیستان و بلوچستان)، احسان دانی
(آذربایجان شرقی)، پیام آریا فرد، رحمان بشگری (خراسان جنوبی)،
حمیدرضا فتاحی (کرمانشاه)، احمدرضا پیرسا (گیلان)، امید زندی
(تهران)، محمد میرابی (ایلام)، حسن نجمی (مرکزی)، سید ابراهیم
هاشمی (خراسان شمالی)، حمیدرضا علی زاد (همدان)، علی
سخاوت (خوزستان)، محمد امین حق نجات (بوشهر)، محمد امین
بهاروند (لرستان)، امیررضا شریفیان (کردستان)، علی قزوینی (تهران
شرق)، سید مجتبی میرمحمدی (تهران جنوب شرق)، محمدرضا
بلندکردار (تهران جنوب غرب)، افخمی (هرمزگان)، محمدرضا
مسایلی (اصفهان)، سعید یوسفی (کهگیلویه و بویراحمد)، سجاد
رمضان پور (اردبیل)، محدثه عباسی (سمنان)، مهدی صفدرزاده
(خراسان رضوی)، فاروق حقیقی (چهارمحال و بختیاری)، سعید
اسلام (یزد) پیام آریا فرد (قزوین)، حمید قانع (فارس)، سعید امینی
(مازندران)، روح الله احمدآبادی (قم)

کد پستی: ۱۴۱۶۶۷۴۴۱۳

سندوق پستی: ۱۴۴ - ۱۵۷۱۵

آدرس الکترونیکی:

halgheh.vasl@gmail.com

آدرس تارنما: www.hvasl.ir

شماره تماس و فکس: ۰۲۱۸۸۳۹۵۳۲۴ - ۰۲۱۸۸۳۹۵۳۴۰

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خیابان فلسطین، بن بست

سعیدی، پلاک ۲، واحد ۲

چاپخانه: چاپ هنر سرزمین سبز، شادآباد، خیابان ۱۷

شهریور غربی، کوچه شمشاد، پلاک ۲۱

نشریه در تلخیص و ویرایش مطالب آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه با ذکر منبع مجاز است.
چاپ مطالب به منزله تأیید کامل محتوا نیست.

فهرست

۴ سرمقاله

۴/ صد شماره همراهی



صفحه ۱۴



صفحه ۱۰



صفحه ۶

۵ حلقه ذکر

گفتگو با دکتر محمدصادق کوشکی:

۶/ مخاطبان خود را در برابر سیل ابتذال قوی کنید

گفتگو با محمد مهدی تلوری:

۱۰/ مراقب باشید به تله دفاع از وضع موجود گرفتار نشوید

گفتگو با سید احمد عبودتیان

۱۴/ حلقه وصل مرجعیت محتوایی جبهه فرهنگی راه دست گیرد

گفتگو با دکتر حسن عباسی:

۱۷/ حلقه وصل تی وی راه بیاندازید!

یادداشتی از نعمت الله سعیدی:

۱۸/ شکارچی تاین دندان مسلح در مرغداری در بسته!

۱۹ حلقه زر

۲۰/ حلقه وصل تقویت کننده نور امید در دل فعالان فرهنگی است

۲۲/ فعالان فرهنگی کتاب خوان نیستند

۲۴/ از رسانه ها دلگیریم

۲۵/ ماهمه یک جبهه ایم

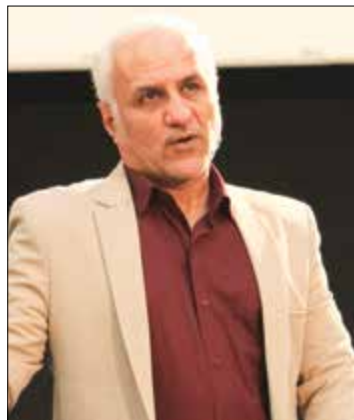
۲۶/ حلقه وصل پناهگاه فعالان فرهنگی است

۲۷/ حلقه وصل به دنبال الگوهای کلان فرهنگی باشد

۲۸/ حلقه وصل دل ها را هم سو کند



طرح جلد:
صد شماره پس از
پیش شماره نشریه



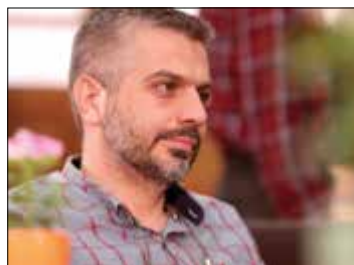
صفحه ۱۷



صفحه ۱۸



صفحه ۲۲



صفحه ۲۵

۲۹ حلقه یاران

- ۳۰/ استاد تبلیغات جنگ فرهنگی را جدی تر بگیریم
- ۳۱/ با دغدغه‌های مردم چه نسبتی داریم؟
- ۳۲/ آب و هوای تازه برای «حلقه وصل»
- ۳۳/ حلقه وصل در امتداد زمان
- ۳۴/ حلقه وصل در زمینی بکر و دست نخورده
- ۳۵/ محل رجوع و دلگرمی فعالان فرهنگی
- ۳۵/ حلقه وصل و دزگران بهایی که کمیاب است
- ۳۶/ نقطه وصل
- ۳۶/ خودانتقادی متعهدانه، کارویژه دهه دوم حلقه وصل
- ۳۷/ مردمی‌ترین نشریه فرهنگی
- ۳۷/ متفاوت‌ترین گفت‌وگوها
- ۳۸/ حلقه وصل در آموزش فعالان فرهنگی قوی‌تر کار کند
- ۳۸/ توقع من از حلقه وصل: روشننگری با افق دید گسترده‌تر
- ۳۹/ عامل استمرار حلقه وصل چیست؟
- ۴۰/ قوی در تولید، ضعیف در توزیع
- ۴۱/ جای خالی چاقوی برنده طنز در جعبه ابزار حلقه وصل
- ۴۲/ آینه انعکاس تلاش‌های آتش به اختیار
- ۴۳/ تحلیل‌گران جدید معرفی کنید و نخبگی تهران زده را در هم بشکنید
- ۴۵/ از امروز برای شش ماه آینده برنامه بریزیم
- ۴۶/ آیا حلقه وصل نشریه خوبی است؟
- ۴۷/ حلقه وصل پالایشگاه محتوای خبری شود
- ۴۸/ بستری برای معرفی چهره‌های جوان انقلابی فراهم شود
- ۴۹/ جبهه شدن تفکرات، مهم‌تر از جبهه شدن افراد
- ۵۰/ چاپتان مستدام!
- ۵۲/ حلقه وصل می‌تواند به دایره‌المعارف مسائل فرهنگی تبدیل شود
- ۵۲/ نشریه روایتگر
- ۵۳/ حلقه وصل، محل اتصال جاده و بزرگراه

۵۵ حلقه در حلقه

- ۵۶/ اطلاع نگاشت: هر آنچه در حلقه وصل خوانده‌ایم
- ۵۷/ اطلاع نگاشت: صد شماره در یک نگاه
- ۵۸/ اطلاع نگاشت: یک دنیا خاطره



صادق یزدانی

yazdanitv@gmail.com

صد شماره همراهی

معمولا مرسوم است که در چنین مواردی می نویسند: «شاید هیچ کس - حتی خود موسسان نشریه هم - باورش نمی شد که یک نشریه مکتوب که مخاطب خاص دارد و روی گیشه هم موفقیتی ندارد و در وضعیت نابسامان اقتصادی کشور و گرانی کاغذ، یکصد شماره دوام بیاورد و جشن شماره صدم بگیرد اما...»

اما این عبارت هر چند درباره مخاطبان حلقه وصل درست است ولی برای همه افراد درگیر با نشریه خیلی مصداق ندارد. از همان روز اول که نشریه متولد شد، هم قسم شده بودیم که این مسیر دشوار را باید به سرانجام برسانیم و این سرانجام یعنی تا زمانی که جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی هست، حلقه وصل فعالان و موسسات و گروه های مردمی باشیم.

تهیه محتوا و سر و کله زدن با تحریریه و ویراستار و نمونه خوان و گزارشگر و فروشنده کاغذ و چاپخانه و توزیع کننده و اداره پست و هزار و یک جای دیگر، کار ساده ای نیست. دو سه سالی است وضعیت کاغذ به حالت بغرنجی رسیده و مانند دلار، روزانه قیمتش بالا می رود و مانند داروهای خاص، پیدا نمی شود و باید در راسته مافیای کاغذ دنبالش بگردی. برای هر شماره به چندین فروشنده زنگ بزنی و آنها هم با کلی منت، به اندازه یک شماره آماده کنند و برایت بفرستند آن هم به قیمت های نجومی. ارشاد هم به راحتی چشمانش را بسته و هیچ تلاشی برای بر هم زدن این بازی کثیف نمی کند؛ تازه با افتخار می گوید اگر چاپ نکردید، مجوزتان را باطل نمی کنیم!!

وضعیت توزیع هم قصه دردآور و گریه داری است که کم از اوضاع کاغذ ندارد. اداره پست هیچ مسئولیتی در قبال رساندن بسته مطبوعه ندارد و تازه همین مطبوعه بی صاحب را هم بعد از مدتی از گردونه خارج کرد و سالی دو بار هزینه ارسال را افزایش می دهد. علاوه بر اینکه نشریات تا مدت ها پس از تحویل در اداره پست می ماند و بعد که احیانا روزی از آنجا رد می شوی متوجه خواهی شد که دوستان فراموش کرده اند، آنها را ارسال کنند. در حوزه تولید محتوا هم چندان وضعیت روبه راه نیست.

جماعت فعال فرهنگی به دشواری دست به قلم می شود و حوصله و فرصت نوشتن ندارد. باید بارها سفارش و التماس و درخواست انجام شود و بارها بدقولی صورت بگیرد و ناراحتی رخ دهد تا شاید چندجمله ای از این میان استخراج شود. وضعیت مصاحبه هم بهتر از این نیست. همین جماعت فعال، برای دوری از ریا، حاضر به دیده شدن هم نیست و به همین دلیل جلوی میکروفن نمی نشیند. اگر بعد از مدت ها گفت وگو بالاخره مقابل میکروفن نشست، حاضر نیست جلوی دوربین برود و عکس بگیرد یا از خودش عکسی بفرستد. از کارها و فعالیت های موسسه اش هم عکسی ندارد که ارسال کند و قس علیهذا.

همه این حرف ها به کنار، وجود فضای مجازی و شنیدن مطالبی از این دست که دیگر عصر رسانه های چاپی به پایان رسیده و باید وارد دنیای الکترونیک شد و نشریه دیجیتال منتشر کرد و انتشار نشریات کاغذی کاری بیهوده است، بر خستگی کار می افزاید. بی حوصلگی برخی مخاطبان از خواندن مطالب مفصل و دچار شدن به آسیب ساندویچی خوانی و توثیت زدگی هم مزید بر علت می شود.

همه این تصاویر در کنار هم تصور درستی از انتشار یک نشریه برای شما ایجاد می کند تا بدانید از تولید یک شماره نشریه تا توزیع آن و رسیدن به خواننده چه وضعیت دشواری وجود دارد، چه برسد به اینکه صد شماره منتشر شود و هر ماه، همین مسیر را باید رفت. اما چرا حلقه وصل ادامه دار شد و شیرینی این مسیر در چیست که انرژی مضاعف می دهد؟!

حمایت خوانندگان قدیمی و وفادار: همیشه میان خوانندگان، افرادی هستند که بمب انرژی و روحیه اند و اینها در طول یک مسیر ۹ ساله مشخص می شوند؛ همراهانی که تعدادشان کم نیست. ممکن است در تولید محتوا و فرآیند چاپ و توزیع کمکی نکنند اما با نظرات و نکات و نگاه ها و اندیشه هایشان، گره هایی ناگشودنی باز می کنند. ایرادهایشان بخشی از کار را اصلاح می کند و در عین حال، ناامید نمی سازد.

۲ ایجاد آینه ای برای دیده شدن گروه ها و مجموعه های مختلف مردمی: حلقه وصل در طول این سال ها تلاش کرده است تا علاوه بر معرفی و شناساندن مجموعه های توانمند و برتر که می توانند الگویی برای دیگران باشند، به دورترین نقاط و کوچکترین موسسات و فعالیت های اثرگذار اما کم بازنتاب در سراسر کشور هم توجه کند و تلاش های آنها را هم انعکاس دهد. همین چرخه اتصال و ارتباط میان گروه های مردمی نمونه و موفق و ملی با مجموعه های کوچک و تازه کار منطقه ای و شهری، توانسته است عاملی برای رشد مجموعه های کوچک باشد. این مساله در سفرهای مختلف و بازخوردهای ارتباطی نزدیک، قابل درک و لمس است. آینه بودن و انعکاس تلاش های مردمی خاصیتی است که حلقه وصل به آن می بالد.

۳ ارائه الگوهای ناب و تازه از فعالیت های فرهنگی کشور: یکی از مهم ترین کارهای حلقه وصل، رصد فعالیت های فرهنگی در کشور و ارائه الگوهای موفق به مخاطبان است. چه بسیار فعالیت های خودجوش و ارزشمندی که کسی خبر چندانی از آنها ندارد و اگر از طریق یک رسانه مطرح شود می تواند هم بازخوردی شایسته پیدا کند و هم قابل استفاده برای کسانی باشد که به دنبال ایده تازه برای یک فعالیت فرهنگی می گردند. خود این اقدام، بخشی از فرآیند توانمندسازی مجموعه های فرهنگی است.

حلقه وصل، در طول همه این سال ها تلاش کرده است تا آینه ای باشد برای انعکاس فعالیت هایی به گستره یک کشور و تلاش کرده است تا راوی حقیقی و صادقی برای زحمات پیشران های جبهه فرهنگی باشد. مهم ترین قضاوت کننده، شما مخاطبانی هستید که صد شماره با حلقه وصل همراه بوده اید؛ قضاوتی از سر اخلاص و دلسوزی برای نشریه ای که بیش از «نام و اعتبار» برای خود، به دنبال تثبیت «نشان» جبهه فرهنگی بر قلب های مخاطبانش بوده است که حضرت حافظ می فرماید:

هر دل که ز عشق توست خالی
از حلقه وصل تو برون باد!

پی نوشت:

- تولد صدمین شماره نشریه مبارک! با حمایت و محبت شما زنده ایم.

حلقه ذکر

کلام بزرگان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی،
بهترین معیار برای سنجش حلقه وصل است؛
نشریه‌ای که به دهمین سال عمر خود قدم
گذاشته و برای دهه دوم فعالیتش، باید
افق‌هایی نو را هدف بگیرد.

مخاطبان خود را در برابر سیل ابتذال قوی کنید



محمد انیسی آرانی

از دکتر محمدصادق کوشکی، حداقل در ۱۰ شماره حلقه وصل به صورت گفتگو یا یادداشت، مطالبی آمده که اکثر آن، به فعالیت‌های تشکیلاتی و کادرسازی مربوط بوده است. در این گفت‌وگو که در دفتر حلقه وصل انجام شد، نقش رسانه در فعالیت‌های فرهنگی و باید‌های جریان‌سازی رسانه‌ای بررسی شده است. در ادامه دکتر کوشکی که خود را یکی از مخاطبان قدیمی حلقه وصل معرفی می‌کند، درباره نسبت این مجموعه و جریان‌سازی فرهنگی سخن گفته و در نهایت به کاستی‌های حلقه وصل در دوران فعالیت خود و چالش‌های پیش روی آن در دهه دوم پرداخته است.





۴۴

من بارها گفته‌ام همین که یک فعال فرهنگی که در یک روستا یا شهر کوچک فعالیت می‌کند و ارتباط چندانی با شهرهای بزرگ ندارد، بداند که تنها نیست و موسسات و گروه‌های زیادی مثل او وجود دارند که با دست خالی و بضاعت محدود به فعالیت فرهنگی مشغولند، برای وی دلگرمی و انگیزه است.

ببینید! جریان‌سازی نیازمند تفکر و مهارت است؛ در حال حاضر چندین رسانه عریض و طویل داریم با هزینه‌های میلیاردی، ولی جریان‌سازی رخ نداده است، چون این رسانه‌ها تفکری را که ظاهر از آن دفاع می‌کنند، نشناخته‌اند و فقط به دنبال هیاهو رفته‌اند! البته نه اینکه اصلاً جریان‌سازی رخ نداده است! یک نمونه برای شما مثال بزنم: جشنواره عمار و تشکیلات جبهه مردمی انقلاب اسلامی با تمام ضعف‌هایی که دارد، حاصل یک جریان است که وحید جلیلی از همان زمان که در نشریه سوره سازمان تبلیغات اسلامی کار می‌کرد، آن را به وجود آورد. بعدها هم در موسسه راه آن را ادامه داد و در نهایت منشاء تاثیر شد. نمونه‌های منفی هم زیاد است، نمونه‌هایی که متأسفانه بعضی از بچه حزب‌اللهی‌هایی را که سرشان به کار خودشان بود و با دل و جان کار می‌کردند، با تزریق پول‌های فراوان، به افرادی بی‌دغدغه و پول‌پرست تبدیل کردند.

متأسفانه مدیران فرهنگی ما از تفکر و تخصص تهی هستند، آن قدر تهی که هنگام معرفی‌شان چیزی برای گفتن نداریم، یک عنوان «فعال فرهنگی» به آخر اسم‌شان می‌چسبانیم تا مشکل حل شود!

به نظر می‌رسد گروه‌های دیگر خیلی بیشتر از گروه‌های انقلابی از رسانه و ظرفیت‌های آن استفاده کرده‌اند. آیا به نظر شما این تلقی درست است؟ اگر تأیید می‌کنید عامل و دلیل آن چیست؟

بله موافقم! رسانه به فکر نیاز دارد. در ایران چه گروهی بیش از همه در جریان‌سازی موفق بوده‌اند؟ مارکسیست‌ها! دلیلش هم برمی‌گردد به کسانی که مسئولیت جریان‌سازی را بر عهده داشتند؛ در ادبیات، در هنرهای نمایشی، در دانشگاه و کلا در دیگر زمینه‌های فکری، مارکسیست‌ها توانستند به موفقیت برسند به این خاطر که متفکران آن‌ها مدیران رده بالایی حزبی و تشکیلاتی بودند. از قضا دوم خردادی‌ها هم به همین دلیل توانستند قوی عمل کنند و نسلی بسازند که بعد از گذشت چندین سال، از بی‌بی‌سی فارسی تا برخی رسانه‌های اصلاح طلب را پر از نیرو کرده است.

متأسفانه این طرف قصه، قضیه زمین تا آسمان تفاوت دارد؛ کسانی مسئول و متولی امور فرهنگی هستند که متفکر نیستند؛ کسانی که حوصله و حال فکر کردن ندارند!

همه جریان‌های سیاسی و فرهنگی در طول تاریخ معاصر، ارگان‌ها و بازوهای مطبوعاتی و رسانه‌ای برای خود ایجاد کرده‌اند. آیا جریان فرهنگی انقلاب اسلامی هم توانسته است در بعد رسانه‌ای بازوانی قوی و کارآمد داشته باشد؟

«خیر! این که نشریه‌ای ادعا کند که من ارگان جریان انقلابی هستم، به نظر من صحیح نیست. البته بسیاری این ادعا را مطرح کرده‌اند، ولی مورد قبول همگانی نبوده است، آن‌ها هم بعد از مدتی خودشان پی برده‌اند در این اندازه‌ها نیستند. هیچ نشریه‌ای را هم به یاد ندارم (و بعید می‌دانم چنین چیزی وجود داشته باشد) که خود را رابط فعالان انقلابی معرفی کند. من همان اوایل که این نشریه را دیدم و با ایده آن آشنا شدم، به مدیران آن گفتم کار خوبی است و باید با قدرت ادامه پیدا کند. همین که بسیاری از فعالان فرهنگی که در گوشه‌گوشه کشور فعالیت می‌کنند، راهی پیدا کنند که از فعالیت یکدیگر، از حال یکدیگر، با خبر شوند، اتفاق بسیار مهمی است. من بارها گفته‌ام همین که یک فعال فرهنگی که در یک روستا یا شهر کوچک فعالیت می‌کند و ارتباط چندانی با شهرهای بزرگ ندارد، بداند که تنها نیست و موسسات و گروه‌های زیادی مثل او وجود دارند که با دست خالی و بضاعت محدود به فعالیت فرهنگی مشغولند، برای وی دلگرمی و انگیزه است.

آن زمان، یعنی بیش از ۹ سال پیش، نشریه یک رسانه به‌روز بود و در جامعه نشریات زیادی از جریان‌های مختلف توزیع می‌شد. ادعان می‌کنم از آن زمان تا حالا هم شبیه حلقه وصل را ندیده‌ام.

با وجود این همه رسانه فعال، چطور ادعا می‌کنید که شبیه حلقه وصل وجود ندارد؟

«حلقه وصل دقیقاً کاری را انجام می‌دهد که بسیار لازم بود و جای خالی اش حس می‌شد؛ مرتبط کردن فعالان فرهنگی که در موضوعات مختلف فرهنگی و اجتماعی کار تشکیلاتی می‌کنند. از این نظر من همین مطالبی را که در قالب خبر یا معرفی در نشریه به چاپ می‌رسد، بسیار می‌پسندم و دنبال می‌کنم. مطالب دیگر بعضاً تکراری یا کلی و بی‌نتیجه بوده است، گاهی حتی کسانی که از نظر تئوریک وزنی ندارند حرف‌هایی گفته‌اند که از قد و قامت‌شان بزرگ‌تر بوده و قاعدتاً نتیجه‌ای هم در بر نداشته است.

در کل به نظرم این قسمت‌های «حلقه وصلی» نشریه مفید و کارآمد است. مثلاً همین خبر که در شهرکرد یا یزد و خراسان شمالی کسی متناسب با شرایط روزگار و جغرافیای خود، با بضاعت محدود خود کاری کرده، جذاب است. من به عنوان مخاطب احساس می‌کنم در این قسمت‌ها، با تجربه‌های اصیل مواجهم، احساس می‌کنم نشریه با من صادق است و اظهار فضل نمی‌کند.

حلقه وصل از ابتدا به دنبال جریان‌سازی بوده است، خصوصاً در زمینه انتقال تجربیات فرهنگی و معرفی فعالانی که به تعبیر شما با بضاعت محدود فعالیت می‌کنند. به نظر شما این جریان‌سازی به خوبی رخ داده است؟

«من جریان‌سازی را وابسته می‌دانم به این که گروهی، از تفکری اصیل و درست برخوردار باشند و نسبت به این تفکر خود، شناخت داشته باشند تا بتوانند آن را معرفی و برای آن هوادار پیدا کنند؛ هوادارانی که آن تفکر را بشناسند و در مسیر آن حرکت کنند. با این اوصاف من نه در حلقه وصل و نه در سایر رسانه‌هایی که خود را انقلابی می‌دانند، تقریباً نمونه‌ای از جریان‌سازی ندیده‌ام.

خروجی هایی را که از خاطرات شهدا ارائه می دهد، بالا ببرد. چرا ما به شلوغ کاری گرایش داریم ولی جریان های چپ، از مارکسیسم گرفته تا اصلاح طلب، به کادرسازی توجه دارند؟

❖ پاسخ من به مذاق خیلی ها خوش نمی آید؛ واقعیت این است که جبهه انقلاب متولیان سبک سر و بی بنیاد دارد که از انسان های متفکر خوششان نمی آید، به همین خاطر زمام کار را به آنان نمی دهند. این متولیان چون پول و بودجه دستشان هست، خیال می کنند صاحب همه چیز شده اند و دنبال کسانی می گردند که از خودشان پایین تر باشند.

مشکل از کجاست؟ پول های بی حساب یا افراد سبک وزن که توان و تفکر مدیریتی ندارند؟

❖ زمانی در این کشور جریان اصلاحات در راس کار بودند، کل بودجه مملکت هم در دست آنان بود، ولی در وزارت ارشاد جریانی شکل گرفت که امروز نتیجه اش را در فیلم های مبتدلی می بینیم که هر کدام پس از دیگری رکورد فروش را جابه جا می کند. بنابراین، به قول شما، پول بی حساب منشاء مشکل نیست! جریان ها به افراد وابسته اند، نه اینکه فردگرا باشند و با جابجایی مدیر، از بین بروند. همین جریان وزارت ارشاد دوره اصلاحات طوری چیده شد که افراد و مدیران آن دوره رفته بودند، ولی مدیرانی که بعدا سر کار آمدند و حتی سابقه و فکر حزب الهی هم داشتند، نتوانستند از مسیر آن خارج شوند.

نکته این است که این جریان اصلاحات یا سایر جریاناتی که مدنظر شماست، با فکر و محصولات فرهنگ غربی حمایت می شوند، پس کار آن ها بسیار آسان تر است. ولی ما انگار خلاف جهت آب شنا می کنیم...

❖ من قبول ندارم! خدا با کدام جریان است؟ خدا به کدام جریان کمک می کند و به کارشان برکت می دهد؟ فطرت انسان به کدام جهت گرایش دارد؟! زورهای بود بیشتر است یا خدا و فطرت؟! پس نباید کم کاری خودمان را کتمان کنیم، نباید فرافکنی کنیم. خود انقلاب اسلامی نماینده همین موضوع است: امام (ره) می توانست به جای اینکه دست به مبارزه و انقلاب بزند، در گوشه ای بنشیند و بگوید غرب بر ما چیره می شود و کاری از دست ما بر نمی آید، ولی در مسیر الهی حرکت کرد و با فطرت بشری و امداد های غیبی حمایت شد.

بگردیم به موضوع اصلی بحث که «حلقه وصل» است: در دوران امروز رسانه های مجازی رشد فراوانی داشته اند. به نظر شما وجود یک نشریه چاپی در این عصر کارایی لازم را دارد؟

❖ رسانه های مجازی در کشورهای غربی متولد شدند، ولی باز هم می بینیم شمارگان برخی روزنامه ها در این کشورها، به چندین میلیون نسخه می رسد. این نشان می دهد همان ها که تولیدکننده و گسترش دهنده این رسانه ها هستند، می دانند هر کدام از رسانه ها جای خودش را دارد و رسانه مجازی هرگز جای روزنامه و ماهنامه چاپی را نمی گیرد. اینکه بعد از رو آمدن گوشی های هوشمند، کتاب و رسانه چاپی رونق خود را از دست داده، به خاطر کمبود و ضعف ماست، نه ماهیت آن ها!

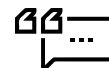
البته بعضی ها باز خورد هایی منفی به رسانه چاپی ارائه می دهند، مثلا آن را از مد افتاده و نشانه عقب ماندگی می دانند، حتی می گویند در این شرایط کمبود کاغذ، چاپ نشریه اتلاف منابع است، ولی همان ها به مصرف این همه کارتن و مقوا برای بسته بندی پیتزا و خوراکی هایی که هر هفته مصرف می کنند، اعتراضی ندارند. این حرف ها واقعا قابل اعتنا نیست! نقش و کارویژه یک نشریه چاپی اساسا با



متفکران کجا هستند؟!

❖ این سوال شما مرا به یاد شعاری انداخت که اوایل انقلاب سر می دادند: «آزادگان زندانند/ یا کشته در میدانند». متفکران انقلابی هم همیشه به انزوا کشانده شده اند و هرگز از ظرفیت آن ها استفاده نشده است. در بین ما طوری جا افتاده است که انگار باید کسانی را ارج بگذاریم که شلوغ هستند، در حالی که تفکر با شلوغ کاری یک جا جمع نمی شود؛ البته جریان انقلابی هیاهویسند و هیاهومحور نیست، اشتباه نکنید! می بینید که هر جا افراد صاحب فکر به جریان انقلابی متصل شده اند، خروجی های خوب و قابل قبولی داشته است. برای شما وحید جلیلی را مثال زدم؛ او حرف خود را می فهمد، درباره هر مسأله ای که در حوزه فکری او مطرح می شود، حرف حساب دارد، کارش هم منشاء تاثیر می شود. من بسیاری را می شناسم که هم زمان در ده ها موسسه و مجموعه فرهنگی و غیر فرهنگی، عضو هیأت مدیره و هیأت امنا هستند. هر کس هم از ما مذهبی ها بپرسد بزرگ و مراد فکری شما کیست، به همان افراد اشاره می کنیم، چون شلوغ بودن را نشانه بزرگی می دانیم! اما این فردی که در این همه مجموعه مسئول است، از نظر فکری کدام را تغذیه می کند؟ هیچ کدام! این رفتارها فقط باعث شده که از بیرون، جریان حزب الهی را جریانی ریاکار، باندباز و لابی گر تصویر کنند. حرف من این است که این افراد باید فقط یک جا فعالیت کنند و از همان فعالیت خود، خروجی ارائه دهند!

از آن طرف هم برای شما یک مثال بزنم: در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی، بسیاری گروه ها را دیده ایم که با افراد مختلف گفت و گو ترتیب داده و کتاب چاپ کرده اند. ولی آیا می توانیم ادعا کنیم در این حوزه جریان سازی صورت گرفته یا متفکر تربیت شده است؟ در مقابل کسانی هستند که عمری صرف مطالعه تاریخ انقلاب کرده اند، مقام معظم رهبری هم آنان را تایید کرده است، ولی چون اهل شلوغ کاری نیستند، هیچ کس سراغ آنان نمی رود تا کار یاد بگیرد و کیفیت



حلقه وصل دقیقا کاری را انجام می دهد که بسیار لازم بود و جای خالی اش حس می شد: مرتبط کردن فعالان فرهنگی که در موضوعات مختلف فرهنگی و اجتماعی کار تشکیلاتی می کنند. از این نظر من همین مطالبی را که در قالب خبر یا معرفی در نشریه به چاپ می رسد، بسیار می پسندم و دنبال می کنم. مطالب دیگر بعضا تکراری یا کلی و بی نتیجه بوده است، گاهی حتی کسانی که از نظر تئوریک وزنی ندارند حرف هایی گفته اند که از قد و قامت شان بزرگ تر بوده و قاعدتا نتیجه ای هم در بر نداشته است.



رسانه‌های مجازی تفاوت دارد. درست است که تمام محتوا و ظاهر هر متن چاپی را می‌توان به صورت الکترونیکی ارائه داد، ولی اثر آن فرق دارد. در واقع هر ظرفی برای منظرفی خاص درست شده است، همان طور که مثلاً ظرف پلاستیکی برای غذای گرم مناسب نیست، رسانه دیجیتال هم برای هر محتوایی مناسب نیست.

مجله یک ظرف است، تاریخ مصرف آن هم منقضی نشده است. گوشی‌های هوشمند، اغلب برای کوتاه‌خوانی کاربرد دارند، مطالب مختصر چند خطی. ولی یک مطلب بلند چند هزار کلمه‌ای را نمی‌شود در گوشی خواند، جای آن در مجله است، همان طور که یک متن ۲۰۰ صفحه‌ای را هم باید در کتاب چاپ کرد، نه در مجله! نظر من این است که برای پیام و محتوایی که حلقه وصل ارائه می‌دهد، مجله بهترین قالب است.

به عنوان یک مخاطب گلایه شما از حلقه وصل چیست؟ حلقه وصل چگونه می‌تواند پیشرفت کند؟

«من به عنوان یک مخاطب، از اینکه مطالبی با کارویژه «غیر حلقه وصلی» روزبه‌روز بیشتر می‌شوند، خشنود نیستم و به نظرم اگر روزی صد درصد نشریه به همین مطالب اختصاص پیدا کند، پیشرفت کامل حاصل شده است. من به وسیله همین خبرها و معرفی‌هایی که از فعالان و مجموعه‌های فرهنگی کار می‌کنید، نشریه را به افراد زیادی معرفی کرده‌ام. آن ماه‌های اول شروع کار نشریه، از دوستان خواهش کرده بودم هر شماره چند نسخه به من بدهند. همان طور که گفتم، آن زمان دوره اوج نشریات چاپی بود، من هم هر جا می‌رفتم حلقه وصل را با خودم می‌بردم و به همه معرفی می‌کردم. البته پیش آمده است که یک شماره از یک نشریه خاص را تبلیغ کنم، ولی حلقه وصل را دو سه سال به همین شکل همراه داشتم و همه جا ترویج می‌کردم. به همه کسانی هم که قصد انجام کار فرهنگی داشتند می‌گفتم به جای آنکه پول خرج کنید، همین نشریه را مشترک شوید و مطالعه کنید تا جواب سوال‌های خودتان را بیابید!

چرا الان این کار را ادامه نمی‌دهید؟

«الان حس می‌کنم نشریه تحلیل رفته است. یک دلیلش همان بود که گفتم، دلایل دیگری هم ممکن است داشته باشد: من مثل گذشته نمی‌توانم با نشریه ارتباط برقرار کنم. حس می‌کنم آن اوایل نشریه نزد مسئولان آن، جایگاه بالایی داشت، ذوق و شوق داشتند، از افراد مختلف مشورت می‌گرفتند و کسانی که در نشریه کار می‌کردند، با انگیزه‌تر بودند، الان ولی چاپ نشریه به یک کار روتین تبدیل شده و آن شوق از بین رفته است.»

در مورد ساختار و نیروسازی حلقه وصل چه نظری دارید؟ آیا قابلیت پیاده شدن آن نکاتی که درباره جریان‌سازی گفتید، در این ساختار وجود دارد؟

«من بعید می‌دانم! بعد از ۹ سال، حلقه وصل می‌توانست یک جوان خام ۲۲ ساله را تحویل بگیرد و یک نویسنده پخته ۳۲ ساله تحویل دهد، ولی متأسفانه نیروسازی مطلوب صورت نگرفته است. شاید عده‌ای در طول این سال‌ها آمده باشند و کارهایی یاد گرفته باشند، ولی کادرسازی رخ نداده، زیرا اساساً با این منظور به این نشریه نگاه نشده است. حالا ممکن است کمبودهای مختلف را، مثلاً در زمینه‌های مالی، به عنوان علت این موضوع بیان کنید، ولی به عقیده من مشکل از جای دیگر است؛ مدیران باید به این موضوع اهتمام داشته باشند.»

به عقیده شما در سال‌های آینده چه چالش‌هایی پیش روی فرهنگ و جامعه خواهد بود که می‌توان به عنوان چالش‌های دهه دوم حلقه وصل هم به آن‌ها اشاره کرد؟

«مهم‌ترین مشکل امروز این است که خواندن منسوخ شده است و نسل کسانی که به خواندن علاقه دارند، رو به انقراض می‌رود. جامعه با سرعت به سوی سطحی شدن پیش می‌رود. در مقابل این چالش باید هر چه بیشتر به غنی شدن گرایش پیدا کرد. اگر حتی حلقه وصل در تمام کشور فقط ۱۰۰ خواننده دارد، باید آن قدر قوی باشد که این ۱۰۰ نفر را قوی کند تا آنان سدهایی شوند در برابر سیل ابتذال.»

در سراسر کشور ممکن است صدها نفر باشند که حاضرند برای این نشریه، خیلی بیشتر از قیمتش پول بدهند، به شرط آنکه مطالب غنی باشد و به دردشان بخورد. این مجله یک دانشگاه است، شما یک دانشگاه را اداره می‌کنید که می‌تواند چند هزار مخاطب داشته باشد و هر بار از معارف انقلاب اسلامی مطالبی به آنان آموزش دهد.

من اعتقاد دارم مجله باید از مخاطب بالاتر باشد تا بتواند دست آنان را بگیرد و بالا ببرد. با این حال حس می‌کنم حلقه وصل به شدت با مخاطبان خود هم‌وزن است و نمی‌تواند آنان را رشد دهد. باید اصرار داشته باشیم از کسانی استفاده کنیم که حرف برای گفتن داشته باشند، یا از نظر نظری یا از نظر فعالیت‌هایی که انجام داده‌اند. نباید کسانی به عنوان نظریه‌پرداز حلقه وصل مطرح شوند که افتخارشان همین مصاحبه باشد! ما اعتقاد داریم امام زمان خواهد آمد و باید نیروهایی داشته باشد که پرورش پیدا کرده باشند. این طور باید فکر کنیم که این مجله یکی از ابزارهای این نیروسازی است؛ این مجله به دست جوانی در یک شهر کوچک یا یک روستا می‌رسد که با خواندنش به سمت تبدیل شدن به سرباز حضرت (عج) تبدیل می‌شود؛ اگر این نگاه حاکم باشد، شیوه کار عوض می‌شود. □



بعد از ۹ سال، حلقه وصل می‌توانست یک جوان خام ۲۲ ساله را تحویل بگیرد و یک نویسنده پخته ۳۲ ساله تحویل دهد، ولی متأسفانه نیروسازی مطلوب صورت نگرفته است. شاید عده‌ای در طول این سال‌ها آمده باشند و کارهایی یاد گرفته باشند، ولی کادرسازی رخ نداده، زیرا اساساً با این منظور به این نشریه نگاه نشده است.

رسیدن به صدمین شماره، برای هر ماهنامه‌ای نشانه‌ای از بلوغ آن است. نظر شما درباره جایگاه امروز حلقه وصل و دلایلی که این نشریه را در رسیدن به این جایگاه کمک کرده، چیست؟

« یک واقعیت را خدمت شما عرض کنم: آن اوایل، زمانی که گفت‌وگویی درباره یک موضوع مرتبط با فعالیت‌های تشکیلاتی با من انجام داده بودید، هرگز فکر نمی‌کردم حلقه وصل به صدمین شماره برسد. این استقامت و صبوری که در فعالیت حلقه وصل و انتشار پیوسته آن به چشم می‌خورد، واقعا تحسین برانگیز است و جای تبریک دارد. این پیوستگی نشان می‌دهد در ورای این حرکت، افراد پرتلاشی وجود دارند که انگیزه خود را حفظ کرده‌اند و همه رویدادهایی که در ۹ سال اخیر می‌توانست موجب ناامیدی آن‌ها شود، نه تنها موجبات خلل در اراده آنان را به وجود نیآورده، بلکه عزم‌شان را راسخ‌تر هم کرده است. مجموعه‌ای که با این همه مشکل توانسته به ۱۰ سالگی برسد، یقینا می‌تواند در آینده هم با صبر و تدبیر، حیات خود را ادامه دهد. آنان که چند سال پیش کار را شروع کرده‌اند، امروز پخته‌تر و مجرب‌تر شده و صحنه کار مطبوعاتی و تشکیلاتی را به خوبی درک کرده‌اند. بعد از ۱۰ شماره، بازخوردهای فراوانی به نشریه رسیده است که استفاده از آن می‌تواند حلقه وصل را در پوشش ضعف جریان انقلابی در حوزه نشر و دفاع از عملکرد انقلاب کمک کند.

هر تشکیلاتی اگر بخواهد زنده بماند و حیات علمی و معنوی خود را به صورت تاثیرگذار ادامه دهد، نیازمند سنجش دمامد خود است. درست است که رسیدن به صدمین شماره می‌تواند فرصت مغتنمی برای این ارزیابی باشد، ولی یقین دارم این سنجش دمامد در طول این سال‌ها صورت گرفته است و چه بسا پس از چاپ هر شماره انجام شده باشد. هر چند رسیدن به برخی عددها، در ذهن برخی مخاطبان سوال ایجاد می‌کند؛ مثلا در چهلمین سال پیروزی انقلاب می‌پرسند در این چهل سال چه کرده‌ایم و امروز در کجا هستیم؟! صدمین شماره برای حلقه وصل هم چنین جایگاهی می‌تواند داشته باشد، همان‌طور که خود مجموعه تصمیم گرفته این شماره را به بررسی شرایط و وضعیت خود اختصاص دهد.

به نظر شما حلقه وصل توانسته مفید و جریان‌ساز باشد؟

« افرادی همچون بنده که به تمام جوانب و جزئیات جبهه فرهنگی احاطه ندارند، نمی‌توانند درباره میزان موفقیت نشریه در جریان‌سازی اظهارنظر کنند. البته اگر جریان‌سازی رخ داده باشد، به قدری قوی نبوده که تمام فعالان فرهنگی جبهه را متاثر کرده باشد، زیرا اگر جریان موفقیتی ساخته شود باید همه از آن تاثیر بپذیرند و با آن همراه شوند.

ولی در مورد اینکه حلقه وصل مفید بوده، یقینا پاسخ مثبت است؛ ایده و فکر تشکیل چنین مجموعه‌ای مفید است، چه رسد به عملی شدن

مراقب باشید به تله دفاع از وضع موجود گرفتار نشوید



حمید محمودی

« محمد مهدی تلوری چند دهه در زمینه‌های مختلف کار تشکیلاتی فعالیت و پژوهش کرده است. به خاطر همین زمینه فعالیت، وی قربانت فراوانی با حلقه وصل داشته است، به طوری که در پیش‌شماره به عنوان یکی از کارشناسان با وی گفتگویی صورت گرفته و در طول ۱۰۰ شماره، بارها در موضوعات مختلف محل رجوع حلقه وصل بوده است. در این گفت‌وگو نیز تلوری به حلقه وصل، بیشتر از جنبه تشکیلاتی توجه کرده است.





و پایدار ماندن آن! البته به دلیل آنکه همه تاثیرات حلقه وصل آشکار نیست و برخی تاثیرات پنهانی هم از طرف حلقه وصل بر فضای فرهنگی کشور به جا مانده است، شاید در نگاه اول همه فوایدی که از این مجموعه منتشر شده است، به چشم نیاید.

حلقه وصل همواره آموزش و معرفی فعالیت‌های تشکیلاتی را وظیفه خود دانسته است. اما آیا عملکرد حلقه وصل به عنوان یک تشکیلات مطلوب بوده است؟

بهبترین کسی که می‌تواند حلقه وصل را بررسی کند، خود حلقه وصل است؛ هیچ کس به اندازه خود شما این مجموعه را نمی‌شناسد و نمی‌تواند درباره آن قضاوت کند. نگاه‌های بیرونی هم گاهی غیرمنصفانه است، زیرا دچار آگاهی ناقص است. من هم به همین دلیل قضاوتی درباره حلقه وصل ارائه نمی‌دهم، زیرا نه درباره بضاعت مالی و امکانات آن اطلاع دارم، نه می‌توانم نسبت آن را با جریان‌ها و رویدادهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی پرشماری که در این همه سال رخ داده است، بسنجم. این نکته را هم توجه داشته باشید که در حسن و عیب، در مجموع امری نسبی است؛ بنابراین من با ادبیاتی دیگر درباره این موضوع صحبت می‌کنم که فعالان فرهنگی به عنوان مخاطبان نشریه هم می‌توانند با استفاده از آن به نقد خود بپردازند: در مقام ارزیابی نخستین کار، مقایسه عملکرد با چشم‌انداز است. اگر مجموعه‌ای فرهنگی چشم‌اندازی برای خود ترسیم نکرده باشد، با بزرگ‌ترین نقد ممکن روبروست! چشم‌انداز و ماموریت ناظر به آرمان‌هاست و در طول مسیر فعالیت‌های مجموعه را هدایت می‌کند. من از چشم‌اندازی که برای حلقه وصل ترسیم شده، خبر ندارم، ولی کسانی که در بدو حرکت، آن را نوشته‌اند، امروز باید مجموعه را بررسی کنند و جایگاه خود را بسنجند.

مثل هر رسانه دیگر، حلقه وصل هم از بُعد رسانه‌ای می‌تواند موضوع نقد قرار گیرد، هم از بعد تشکیلاتی. البته حلقه وصل به عنوان یک رسانه، به کاری بدیع دست زد و تلاش کرد به مباحث تشکیلاتی بپردازد. پیش از حلقه وصل و حتی بعد از آن، نشریه‌ای نداشته‌ایم که به صورت تخصصی به آموزش و تشریح موضوعات تشکیلاتی بپردازد. انتخاب این موضوع هم به شناخت بنیان‌گذاران نشریه از محیط فرهنگی کشور برمی‌گردد، شناختی که احتمالاً خلاءهای فراوان این حوزه را نمایان کرده است. بنابراین موردی مشابه حلقه وصل وجود ندارد که بتوان عملکرد نشریه را با آن مقایسه کرد و سنجید، همان‌طور سنجش افکار عمومی و مخاطبان هم راهگشا نیست، زیرا حلقه وصل یک متغیر تاثیرگذار بر این دو و این شیوه ارزیابی واجد خطاست. از این رو چشم‌انداز و ماموریتی که تعیین شده، بهترین ملاک سنجش است.

یکی از اجزای ماموریت، تعیین مخاطبان است. شاید پاسخ این سوال ساده به نظر آید، ولی شناخت مخاطب بسیار پیچیده است: آیا وزرا و معاونان آنان یا دولتمردان و ائمه جمعه به عنوان عناصر اثرگذار فرهنگی، مخاطب نشریه بوده‌اند؟ نسبت شما با بسیج دانشجویی و بسیج دانش‌آموزی یا سایر اقشار بسیج چیست؟ اصلاً به دنبال جذب فعالان حقیقی بوده‌اید یا مخاطبان حقوقی هم مورد نظر شما بوده‌اند؟ از بین روحانیان و دانشگاهیان چه کسانی باید مخاطب شما باشند؟ مخاطبان شما باید از چه سن و جنسیتی باشند؟ و... صدها سوال دیگری که می‌توان در این موضوع مطرح کرد. پاسخ به این سوالات است که می‌تواند موفقیت و شکست حلقه وصل را مشخص کند.

در ماموریت باید از ویژگی ممتاز مجموعه هم سخن گفته شود. البته همین که حلقه وصل به موضوعات تشکیلاتی پرداخته و خود را حلقه اتصال فعالان فرهنگی می‌داند، یک ویژگی ممتاز است. با این وجود می‌توان در همه جوانب فعالیت نشریه از این ویژگی ممتاز سوال کرد، از ظاهر و طراحی آن گرفته تا ارکان و اعضای هیأت تحریریه.

رسالتی که حلقه وصل برای خود برگزیده، در نام آن هم نمایان است: ایجاد ارتباط بین فعالان فرهنگی و ایجاد رشد و هم‌افزایی از طریق این اتصال! با توجه به این هدف، موفقیت حلقه وصل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من از همان زمان که نام حلقه وصل را شنیدم، به این حسن انتخاب آفرین گفتم و از ایجاد چنین مجموعه‌ای احساس شغف کردم. ولی دقت داشته باشید که ایجاد پیوند بین مجموعه‌ها و فعالان فرهنگی با چهار رویکرد ممکن است: اول رویکرد نرم‌افزاری. مباحث نرم‌افزاری به احاطه بر روش‌های اجرای کار اشاره

44

مثل هر رسانه دیگر، حلقه وصل هم از بُعد رسانه‌ای می‌تواند موضوع نقد قرار گیرد، هم از بعد تشکیلاتی. البته حلقه وصل به عنوان یک رسانه، به کاری بدیع دست زد و تلاش کرد به مباحث تشکیلاتی بپردازد. پیش از حلقه وصل و حتی بعد از آن، نشریه‌ای نداشته‌ایم که به صورت تخصصی به آموزش و تشریح موضوعات تشکیلاتی بپردازد. انتخاب این موضوع هم به شناخت بنیان‌گذاران نشریه از محیط فرهنگی کشور برمی‌گردد، شناختی که احتمالاً خلاءهای فراوان این حوزه را نمایان کرده است.

دارد. تصور کنید موسسه یا مجموعه‌ای در حوزه عفاف و حجاب کار می‌کند، بزرگ‌ترین چالشی که بر سر راه این موسسه یا مجموعه قابل تصور است، چیست؟! به نظر من موضوعات مالی اهمیت چندانی ندارند، زیرا چالش‌های نرم‌افزاری بسیار سهمگین‌تر است؛ بیشتر موسسه‌ها نمی‌دانند چگونه عفاف و حجاب را باید در جامعه ترویج دهند! جنبش نرم‌افزاری که مقام معظم رهبری در دهه هشتاد مورد تاکید قرار دادند، ناظر به همین چالش است. حتی آنان که در مقام نقد هستند و هر کار فرهنگی را با ضربات مهلک نقد خود هدف قرار می‌دهند، زمانی که در مقام اثبات قرار می‌گیرند، حرفی برای گفتن ندارند. متأسفانه در اغلب حوزه‌ها مشکل نرم‌افزاری وجود دارد، هزاران نفر هم برای نقد هستند، ولی کسی نیست که الگویی درست را تنظیم و بر اساس آن یک خروجی معرفی کند.

در برخی تشکل‌ها، وقتی مسئول تغییر کند، مسئول قبلی به جای آنکه به مسئول جدید کمک کند، کنار می‌نشیند تا ایرادی ببیند و سیل انتقادات را روانه کند! رفع این معضل، نیازمند کار نرم‌افزاری است.

رویکرد نرم‌افزاری برای حلقه وصل این طور معنا پیدا می‌کند: حلقه وصل قصد دارد بین فعالان فرهنگی اتصال برقرار کند و روش‌های فعالیت فرهنگی را به اشتراک بگذارد. من در صد شماره‌ای که از حلقه وصل گذشته است، چنین



در انتخاب موسسات و فعالان فرهنگی بسیار دقت کرد. معرفی آن‌ها به عنوان الگو ممکن است هزینه‌های زیادی به دنبال داشته باشد. بارها الگوهایی در سراسر کشور گسترش داده شده، ولی بعد از مدتی که نیروی انسانی و هزینه فراوان صرف آن شده، جز دعا و نزاع فکری از آن به جا نمانده است.

ایجاد بستری برای تضارب آرا و رفت و برگشت موضوعات بین مخاطبان و کارشناسان که به عنوان لازمه بحث‌های بنیادین است، برای نشره‌ای با بضاعت حلقه وصل میسر است؟

«در سراسر کشور روحیه و تفکر و فرهنگ کار تشکیلاتی بسیار ضعیف است، از این نظر باید در این باره تولید نرم‌افزار صورت گیرد؛ این یک ضرورت است. اما شاید همان طور که گفتید، حلقه وصل به عنوان یک ماهنامه با حداکثر ۱۲ شماره در طول سال، بضاعت پوشش این خلاء را نداشته باشد. با این حال اگر ریزبین باشیم، جبهه فرهنگی انقلاب دریایی از اختلاف

است، به خاطر آنکه ما همیشه در موضع انتقاد بوده‌ایم و هرگز به حل اختلافات نرم‌افزاری دست نزده‌ایم. در اینجا هم یک «حلقه وصل» می‌تواند باشد که مثلاً با بررسی روحیه کار تشکیلاتی و گروهی یا مسأله اطاعت‌پذیری، حدود این موضوعات را مشخص و اختلافات را حل کند.

غیر از رویکرد نرم‌افزاری، رویکرد دیگری هم برای ورود به این مباحث وجود دارد: رویکرد فرهنگ‌افزاری. در این رویکرد در سیره اهل بیت و بزرگان، اماره‌هایی برای نشان دادن راهبرد درست تفکر تشکیلاتی ارائه می‌شود. وقتی فرهنگ درست تشکیلاتی وجود نداشته باشد، هم‌افزایی شکل نمی‌گیرد و هیچ مجموعه‌ای نمی‌تواند از تجربه سایر مجموعه‌ها استفاده کند. در روزگار ما فرهنگ تشکیلاتی به قدری ضعیف است که در جامعه که نه، حتی در یک

رویکردی را ملاحظه نکرده‌ام، ولی باز هم اگر در بین ماموریت‌هایی که نشریه برای خود تعریف کرده است، چنین موردی نباشد، خلأیی به شمار نمی‌آید.



وقتی فرهنگ درست تشکیلاتی وجود نداشته باشد، هم‌افزایی شکل نمی‌گیرد و هیچ مجموعه‌ای نمی‌تواند از تجربه سایر مجموعه‌ها استفاده کند. در روزگار ما فرهنگ تشکیلاتی به قدری ضعیف است که در جامعه که نه، حتی در یک دانشگاه، همه تشکل‌هایی که به عنوان تشکل‌های فرهنگی شناخته می‌شوند، با هم رقابت منفی دارند.

رویکرد نرم‌افزاری با چالش و آفتی به نام کلی‌گویی مواجه است. به نظر می‌رسد رویکرد حلقه وصل برای گریز از این کلی‌گویی‌ها پرداختن به نمونه‌ها بوده است، مثلاً موسسه‌ای را معرفی کرده تا از دل این معرفی یک بحث نرم‌افزاری را مطرح کرده باشد. به نظر شما این رویکرد درست بوده است؟

«خیر! هم باید به آن کلی‌گویی‌ها، مباحث مربوط به فلسفه کار فرهنگی، پرداخته شود، هم فعالیت‌های فرهنگی معرفی شوند. در مباحث بنیادین کلی‌گویی زیاد صورت می‌گیرد، زیرا سوالات بنیادین کلی هستند؛ مثلاً آیا مسئول یک تشکل می‌تواند به جای دیگران تصمیم بگیرد و موضوعاتی را که خودش صلاح می‌داند به دیگران القا کند؟ قهرمانان و الگوها چه نسبتی با هم دارند؟ جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در تشکیلات

چیست؟ قس علی هذا... مباحث بنیادین در ابتدا کلی‌گویی است، زیرا خیلی‌ها هنوز خاک میدان نخورده‌اند، ولی طرح مباحث کلی باعث می‌شود اختلاف‌ها نمایان و عیار افرادی که حرف می‌زنند، مشخص شود. ضمن اینکه به مرور درخواست و سوالات مخاطبان، شما را به حل مسائلی جدید هدایت می‌کند.

هر الگویی معرفی شود، به صورت پیش‌فرض به این سوالات پاسخی داده است. اگر این الگو را معرفی می‌کنید، لاجرم پاسخ‌هایی را که به این سوالات داده است، تأیید می‌کنید، حتی اگر با اصول مورد نظر شما هم خوانی نداشته باشد. البته الگوها در مباحث کاربردی کارآیی خوبی دارند، حتی در مباحث راهبردی هم، ولی نباید عملکرد آنان را به مباحث بنیادین گسترش داد. باید



ممکن است حلقه وصل در ادامه کار خود، به تله دفاع از وضع موجود گرفتار شود، زیرا در این برهه، همه ارکان فرهنگی کشور هم‌سو هستند. نتیجه این وضع فاصله افتادن بین مردم و تشکل‌هایی است که از دل مردم برخوانسته‌اند.

تحولات روز پیش‌رفته‌اند که کارهایی کاملاً بی‌ارتباط به وظیفه خود انجام می‌دهند. همین چند ماه پیش در جلسه‌ای، یکی از نهادهای فرهنگی با افتخار گزارش کار می‌داد و از توزیع اقلام بهداشتی در بین مردم سخن می‌گفت. من می‌خواستم به آنان بگویم این کارها اصلاً به شما ربطی ندارد که وظیفه خود را رها کرده‌اید و ماسک توزیع می‌کنید! ولی از بس شور و هیجان داشتند، از گفتن این حرف خجالت کشیدم! حلقه وصل هم باید بداند چه وظیفه خطیری دارد؛ وظیفه‌ای که به قدری مهم است که نباید درگیر مسائل روزمره جامعه شود. ثالثاً غلبه ساختار بر محتوا، یکی از آفت‌های دیگری است که ممکن است حلقه وصل را تهدید کند، کاغذبازی و شرح وظایف در صدر توجه قرار گیرد.

برای بهتر شدن فعالیت‌های مجموعه چه پیشنهادی دارید؟

کار خبری و تولید محتوا با هم تفاوت‌های ماهوی دارد. بیشتر نشریات محتوایی هم به صورت فصلنامه منتشر می‌شوند. در حلقه وصل برای بررسی یک موضوع، معمولاً فقط به یک گفت‌وگوی روزنامه‌نگارانه بسنده می‌شود و به عمق مباحث ورودی صورت نمی‌گیرد. پیشنهاد می‌کنم در آغاز دهمین سال فعالیت نشریه، یک تصمیم انقلابی بگیرید و هر فصل، ویژه‌نامه‌هایی منتشر کنید که فقط به امور تشکیلاتی بپردازد. حتی می‌توانید انتشار ماهنامه را به شکل کنونی ادامه دهید و یک فصلنامه هم اضافه کنید. البته اتخاذ این تصمیم متاخر است بر انتخاب از بین رویکردهای چهارگانه که در مورد آن صحبت کردم. □

دانشگاه، همه تشکل‌هایی که به عنوان تشکل‌های فرهنگی شناخته می‌شوند، با هم رقابت منفی دارند، حتی از هم نیرو می‌دزدند. پس رویکرد دوم که می‌تواند در حلقه وصل به کار گرفته شود، پرداخت فرهنگی موضوعات است. البته این رویکرد را هم در حلقه وصل مشاهده نکرده‌ام.

به جز این دو، در رویکرد سوم می‌توان به دنبال «انسان‌افزاری» بود؛ تربیت انسان‌هایی که با کار تشکیلاتی تناسب داشته باشند. یک انسان برای حضور در فعالیت تشکیلاتی به ایده، شخصیت، آرمان، تفکر و روحیه نیاز دارد، پس حلقه وصل در این رویکرد، در شماره‌های مختلف خود به دنبال تقویت این شاخصه‌ها می‌رود.

من از خود حلقه وصل یک مثال برای شما بیان کنم: در چند شماره حلقه وصل حاج قاسم سلیمانی به عنوان موضوع محوری انتخاب شده بود. حالا سوال این است که پرداختن به این موضوع با کدام رویکرد صورت گرفته است؟ آیا به خاطر جو غالب، حلقه وصل هم به این موضوع وارد شده یا بر اساس رویکرد نرم‌افزاری، مکتب تشکیلاتی حاج قاسم را بررسی کرده یا بر اساس رویکرد فرهنگی تفکر تشکیلاتی وی را زیر ذره‌بین برده، یا بر اساس رویکرد انسان‌افزاری وی را به عنوان یک انسان تشکیلاتی مطرح کرده است؟ شخصیت حاج قاسم به حدی وسیع است که امکان هر سه نوع پرداخت در آن وجود دارد، ولی حلقه وصل کدام رویکرد را انتخاب کرده است؟ حلقه وصل باید در مورد شهید سلیمانی حرفی را مطرح کند که مخصوص خودش باشد، نه اینکه همان حرفی را که در یک نشریه قرآنی یا اجتماعی گفته می‌شود از حلقه وصل هم بشنویم؛ این خروج از موضوع است!

اما چهارمین رویکرد که شاید بیشتر با فعالیت‌های گذشته حلقه وصل تناسب داشته باشد، «شبکه‌افزاری» است. بر این اساس همه تشکل‌هایی که هم‌سو با هم کار می‌کنند، مثلاً تشکل‌های قرآنی، باید بعد از ۱۰ سال فعالیت حلقه وصل، به هم نزدیک شده باشند؛ شبکه شده باشند! در این رویکرد اصلاً حلقه وصل اجازه ندارد در بسیاری موضوعات وارد شود، مثلاً همین موضوع مربوط به حاج قاسم از وظیفه حلقه وصل خارج است. در مقابل همین گفت‌وگویی که در حال انجام است، می‌تواند در راستای همین رویکرد شکل دیگری بگیرد؛ افراد مختلف که در زمینه تشکیلاتی کار کرده‌اند گرد هم آیند و یک میزگرد انجام شود. متأسفانه بسیاری چهره‌های جبهه فرهنگی تا به حال با هم وارد بحث نشده‌اند، هر کدام جداگانه کار می‌کنند و سخن می‌گویند.

من در جاهای مختلف گفته‌ام که نسل ما، در حال مرگ است؛ به زودی کسی از نسل ما زنده نخواهد بود، پس باید اطلاعات ما به صورت کامل تخلیه شود و در اختیار آیندگان قرار گیرد تا اگر مفید باشد، از آن استفاده کنند.

از این چهار رویکردی که نام بردید، کدامیک با حلقه وصل هم‌خوانی دارد؟

حلقه وصل می‌تواند از بین چهار رویکرد، یکی یا چند تا را انتخاب و بر آن اساس فعالیت کند؛ از نظر بنده تفاوتی در این رابطه وجود ندارد. من برای دهه دوم فعالیت حلقه وصل پیشنهاد می‌دهم کار بر اساس یکی از این چهار رویکرد آغاز شود، زیرا تصور این است که در یک زمان نمی‌توان هر چهار رویکرد را آغاز کرد.

از نظر شما در دهه دوم فعالیت حلقه وصل چه چالش‌هایی پیش روی آن خواهد بود؟

همین که حلقه وصل توانسته است به این جایگاه برسد و در طول این سال‌ها با این همه مشکل، به کار خود ادامه دهد، نشان می‌دهد افرادی دلسوز در ورای آن حضور داشته‌اند که به معنی واقعی کلمه از معیشت و زندگی خود هزینه کرده‌اند. ولی اولاً ممکن است حلقه وصل در ادامه کار خود، به تله دفاع از وضع موجود گرفتار شود، زیرا در این برهه، همه ارکان فرهنگی کشور هم‌سو هستند. نتیجه این وضع فاصله افتادن بین مردم و تشکل‌هایی است که از دل مردم برخوانسته‌اند. ثانیاً باید از بین رویکردهای موجود انتخاب کرد، اگر انتخاب صورت نگیرد، آفت روزمرگی گریبان حلقه وصل را خواهد گرفت. متأسفانه امروز هم تا حدی این آفت در حلقه وصل مشاهده می‌شود. من اخیراً چند شماره را به یاد دارم که به جز اخبار، هیچ محتوایی نداشت! اگر رویکرد نشریه مشخص شود، راه برای ایجاد نشریات مشابهی با دیگر رویکردها باز می‌شود.

روزمرگی هدف را گم می‌کند. برخی نهاد‌های فرهنگی همین امروز به قدری با

نرم کار رسانه ملی است، البته در صدا و سیما هم کارهای زیادی در این حوزه انجام شده است، ولی این میزان تلاش برای پاسخ دادن به ابعاد مختلف این جنگ پنهان جوابگو نبود. از این رو در شناساندن جبهه معارض، ایجاد هویت جمعی در فعالان جبهه فرهنگی انقلاب، بازاریابی جبهه خودی و تبیین مسائل، خلاءهای زیادی حس می‌شد. حلقه وصل در این فضا و برای پر کردن این خلاء به میدان آمد.

در اوایل فعالیت حلقه وصل، چند نشریه دیگر هم با اهدافی مشابه کار خود را آغاز کرده بودند، ولی اینکه نشریه‌ای ناظر به میدان و فعالیت‌های موسسات و فعالان فرهنگی به تولید محتوا اقدام کند، کار نوینی بود. حلقه وصل بیش از آنکه به دنبال مخاطب نخبگانی و ارائه مباحث راهبردی باشد، رسالت خود را در جبران خلاء میدان تعریف کرد و درصدد پوشش اخبار و تجربیات فعالان فرهنگی برآمد. بسیاری از فعالان فرهنگی سال‌های سال با ابتکار و نوآوری مشغول فعالیت بودند، ولی این فعالیت‌های آنان دیده نمی‌شد، حلقه وصل به بازنمایی و بیان همین کارها مشغول شد. در کنار آن قصد داشت اعضای این جبهه را به کاستی‌ها، ظرفیت‌ها و چالش‌ها آگاه کند.

مهم‌ترین ویژگی حلقه وصل را چه می‌دانید؟ در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی رسانه‌های زیادی فعالیت کرده‌اند. وجه تمایز حلقه وصل در بین این رسانه‌ها چه بوده است؟

«به قول آن شعر که می‌گوید «هررو آن است که آهسته و پیوسته رود»، حلقه وصل توانست راه خود را آرام آرام طی کند؛ هرگز به دنبال ایجاد چالش نبود و توانست با این ثبات قدم، مخاطبان زیادی جذب کند.

وجه تمایز حلقه وصل به نظرم، «جمع‌کنندگی» آن بوده است. حلقه وصل به همه می‌پردازد و برای همه بستری برای دیده شدن فراهم می‌آورد، نه برای یک گروه، تخصص یا جغرافیای خاص. وصل ارگان یک گروه یا تشکل خاص نیست، در حالی که بسیاری از رسانه‌ها ناظر به اهداف و آرمان‌های یک سازمان یا نهاد خاص عمل می‌کنند. همیشه حلقه وصل صفحات خود را آینه بازنمایی جریان‌های مردمی قرار داده است. برای این کار هم ابزار و دسترسی مناسبی دارد و اعتماد همه را هم به خود جلب کرده است؛ این سرمایه کمی نیست، هر چند مسیری طولانی برای رسیدن به وضعیت مطلوب در پیش دارد.

هنوز ظرفیت‌های زیادی برای نشان دادن جریان‌های فرهنگی سراسر کشور وجود دارد. البته شاید این کار در حوصله یک نشریه مکتوب نباشد و فضای مجازی محل مناسب‌تری به شمار آید، ولی حلقه وصل که با در اختیار داشتن تارنما و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی به یک گروه رسانه‌ای تبدیل شده است، می‌تواند در آن موفق باشد.

از نظر شما حلقه وصل بعد از ۹ سال، به جایگاهی



حلقه وصل مرجعیت محتوایی جبهه فرهنگی را به دست گیرد



محمد انیسی آرانی

سید احمد عبودتیان یکی از چهره‌های تاثیرگذار جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است که به عنوان مدیرعامل بنیاد فرهنگی خاتم‌الاولیاء (ص) مشغول به کار است. وی در این گفت‌وگو ضمن بررسی ریشه‌های شکل‌گیری حلقه وصل و نگاهی به فعالیت‌ها و خدمات آن، چالش‌های دهه دوم فعالیت حلقه وصل را بررسی کرده است.

فلسفه وجودی حلقه وصل چیست؟ حلقه وصل برای پر کردن کدام خلاء جبهه فرهنگی پا به عرصه وجود گذاشت؟

«جنگ نرم یک جنگ پنهان است و پوشیده بودن، از ویژگی‌های اصلی آن است. در چند دهه اخیر، خصوصاً بعد از پایان جنگ تحمیلی، به جز چند برهه کوچک و کوتاه، اساساً به موضوع جنگ نرم پرداخته نشده و رسانه‌ای برای کار در این حوزه به وجود نیامده است. سال‌ها تصور بر این بود که ورود به جنگ

که برای خود ترسیم کرده بود، رسیده است؟

جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، در دهه‌های گذشته، از رسانه، به معنی عام آن، بهره کافی نبرده است. یکی از دلایل این واقعیت به ذات فعالیت‌های این جبهه برمی‌گردد: آن‌ها که اهل کارهای جدی هستند، خلوص خود را در پنهان ماندن می‌دانند و به دنبال خودنمایی و ظاهرگرایی نیستند. به علاوه فعالیت‌های جبهه فرهنگی، معمولاً خود را در میدان نشان می‌دهد، برای همین در اکثر مواقع به صورت‌سازی آن کم‌توجهی می‌شود. اگر دقت کنید این عوامل، مبنایی و ریشه‌ای است، من نمی‌خواهم ارزش‌گذاری کنم و درباره درست و غلطش سخن بگویم ولی به هر حال این پرده‌پوشی، در ذات فعالیت‌های فرهنگی این جبهه است و به نوعی با کارکرد رسانه تناقض دارد. هرچند کسانی مانند شهید آوینی توانستند این مساله را با راه‌حلی‌هایی که داشتند، حل کنند ولی باید بپذیریم از آنچه امروز به عنوان رسانه وجود دارد، بهره‌چندانی نبرده‌ایم و مهم‌تر از آن، قالب‌های زیادی برای ارائه محتوای خود نداریم. حلقه وصل به عنوان جزئی از جریان رسانه‌ای جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، در برخی موارد به جایگاهی که برای آن در نظر گرفته شده بود، نرسیده است، با این وجود نباید غافل شد از اینکه این نشریه منشاء آغاز سلسله اقدامات پربرنکی هم بوده است. البته شیوه کار ماهنامه آن است که معمولاً با فاصله‌ای زمانی بعد از وقوع رویدادها، به آن می‌پردازد، ولی حلقه وصل بارها با پرداختن به همین رویدادها توانسته است آن را گسترش دهد و به آن عمق ببخشد.

موضوعی که شما اشاره کردید ممکن است ایرادی در کار حلقه وصل به وجود آورد: به خاطر آنکه

نشریه تابع شرایط سطح جامعه و فعالیت فعالان فرهنگی است، شاید گاهی به تبعیت شتابزده از این شرایط دچار شود و به خاطر جو جامعه، به موضوعی بپردازد که در حیطه وظایفش نیست. مثلاً به دلیل آنکه همه تحت تأثیر زمین‌لرزه کرمانشاه قرار گرفته‌اند یا موضوعی مثل بیداری اسلامی مورد توجه همه بوده است، حلقه وصل هم به آن می‌پردازد و حرف‌های کلی و همگانی را که در همه جا گفته می‌شود تکرار می‌کند، بدون آنکه نگاه



حلقه وصل پیش از آنکه به دنبال مخاطب نخبگانی و ارائه مباحث راهبردی باشد، رسالت خود را در جبران خلاء میدان تعریف کرد و درصدد پوشش اخبار و تجربیات فعالان فرهنگی برآمد. بسیاری از فعالان فرهنگی سال‌های سال با ابتکار و نوآوری مشغول فعالیت بودند، ولی این فعالیت‌های آنان دیده نمی‌شد، حلقه وصل به بازنمایی و بیان همین کارها مشغول شد. در کنار آن قصد داشت اعضای این جبهه را به کاستی‌ها، ظرفیت‌ها و چالش‌ها آگاه کند.

خاص خود را داشته باشد...

من این دوگانه‌ها را قبول ندارم؛ اینکه پرداختن به موضوعی را که در میدان برجسته شده است، جودگی بدانیم صحیح نیست. آنچه در میدان اتفاق می‌افتد هوشمند است و با فرماندهی آن ارتباط دارد. بی دلیل نیست که مقام معظم رهبری به بسیاری از مسائلی که مورد توجه فعالان فرهنگی قرار می‌گیرد، توجه دارند و روی آن تاکید می‌کنند. حلقه وصل هم اگر می‌خواهد آینه میدان باشد، باید به این رویدادها توجه کند؛ اگر غیر از این عمل کند و به سوی مسأله‌تراشی برای میدان برود، دچار خلأئی می‌شود که نشریات نخبگانی دچار آن هستند. با این وجود می‌توان درباره عمق و شکل پرداختن به این موضوعات بحث کرد که یقیناً کلی نیست. مثلاً در اوایل شیوع کرونا ویژه‌نامه‌ای در حلقه وصل کار شد که بسیار عمیق بود. کرونا یک موضوع فراگیر در بین کل فعالان فرهنگی بود، حلقه وصل هم به آن پرداخت ولی این پرداخت بسیار خوب و عمیق بود.

موارد دیگری هم از این نوع موضوعات که اصیل و بدیع باشند در یاد دارید؟

یکی از خدمات مهم حلقه وصل آشنا کردن مخاطب با چهره‌های اصلی و کم‌توقع جبهه فرهنگی بود؛ از جمله کسانی که در کشاکش جنگ نرم آن‌ها را از دست داده‌ایم ولی در عین مظلومیت، از آنان به خوبی یاد نمی‌شود. حلقه وصل برای برخی از این چهره‌ها پرونده‌های ویژه‌ای منتشر کرد که بسیار قابل تقدیر بود. به تعبیری نشانه تقدیر جبهه فرهنگی از فعالان خود بود. در موضوعات مختلف، حلقه وصل تصاویر ماندگاری از خود بر جای گذاشته است، برای مثال در زمینه نوشتن افزار ایرانی اسلامی پرونده‌های خوبی کار شده است.



موفق بوده است؟

برای پاسخ به این سوال باید ویژگی‌های مختلف یک کار تشکیلاتی را بررسی کنیم: به نظر من حلقه وصل تشکیلاتی فردمحور نیست، هر چند سردبیر محترم بسیار تاثیرگذار و پرتلاش است. درباره نیروسازی هم نمی‌توانم سخن دقیقی بگویم، همین قدر می‌دانم که نیروهایی تربیت کرده است، اما از اینکه این نیروسازی کثیر و موثر بوده یا خیر، اطلاعی دقیقی ندارم. ولی در مجموع عملکرد حلقه وصل در گسترش نگاه خود در فضای رسانه‌ای کشور ضعیف بوده است.

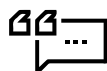
حلقه وصل توانسته به عنوان یک نهاد مردمی، متشکل، استقلال خود را به خوبی حفظ کند. این طور نیست که مسائل مورد نظر حلقه وصل از جایی به آن تحمیل شود، انتخاب موضوع و پرداختن به آن که اساس کار یک نشریه است، به صورت مستقل در خود نشریه صورت می‌گیرد.

گذشته از رویدادها و موضوعات جبهه فرهنگی، حلقه وصل در پوشش دردهای جامعه چقدر موفق بوده است؟

برای پاسخ به این سوال باید وظیفه حلقه وصل را بررسی کرد: به نظر من حلقه وصل از ابتدا به دنبال چنین چیزی نبوده است. مخاطب حلقه وصل از ابتدا عام نبوده است، با این حال در موارد بسیاری، مسائل مبتلابه جامعه را هم بررسی کرده است. البته این نکته را هم باید مدنظر قرار داد که همه کارها را نباید از حلقه وصل توقع داشت، در جبهه فرهنگی گروه‌ها و رسانه‌های دیگری هستند که می‌توانند به این رسالت بپردازند.

حلقه وصل در دهه دوم فعالیت خود با چه چالش‌هایی روبرو خواهد بود؟

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، که پیش روی تمام رسانه‌ها قرار دارد، موضوع زیست مجازی است. زیست مجازی با تمام وجوه خوب و بد خود، زمان و حوصله مخاطب را از بین برده است. نشریات مکتوب در مواجهه با این چالش باید راهی برای جا باز کردن در دنیای جدید پیدا کنند: آیا باید مخاطبان خاص‌تر شوند؟ آیا باید در حجم انتشار تغییری ایجاد شود یا تدابیر دیگری لازم است؟ به نظر من حلقه وصل به عنوان یک نشریه مکتوب باید در سنگر تولید محتوا بایستد و محتوایی تولید کند که فضای مجازی هم از آن بهره‌بردار شود. دیگر کمیت و فراوانی اخبار، مزیت حلقه وصل به شمار نمی‌رود، بلکه باید در خدمت گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی درآید و با بالا بردن کیفیت خود، مرجعیت محتوایی جبهه فرهنگی را به دست بگیرد. بهترین کسانی که می‌توانند درباره حلقه وصل نظر دهند، مخاطبان آن هستند. باید بازتعریفی صورت گیرد که مخاطبان بتوانند درباره رویکردهای دهه دوم نظر دهند و مولفه‌های تحول نشریه را مشخص کنند. □



یکی از خدمات مهم حلقه وصل آشنا کردن مخاطب با چهره‌های اصلی و کم‌توقع جبهه فرهنگی بود؛ از جمله کسانی که در کشاکش جنگ نرم آن‌ها را از دست داده‌ایم ولی در عین مظلومیت، از آنان به خوبی یاد نمی‌شود. حلقه وصل برای برخی از این چهره‌ها پرونده‌های ویژه‌ای منتشر کرد که بسیار قابل تقدیر بود. به تعبیری نشانه تقدیر جبهه فرهنگی از فعالان خود بود.

به مطالعه محتوای مکتوب علاقه کمتری دارد. دشواری دسترسی به نشریات چاپی، میل مخاطب به کوتاه‌خوانی و سرعت انتقال محتوا مسائل دیگری است که ضرورت ایجاد تغییر را بالا می‌برد.

حلقه وصل در طول فعالیت خود در پی بررسی و آموزش اصول کار تشکیلاتی بوده است. به نظر شما خود حلقه وصل به عنوان یک تشکیلات

نسبت حلقه وصل با چالش‌های جبهه فرهنگی

چیست؟ حلقه وصل موفق شده است کاستی‌های جبهه را منعکس کند و برای رفع آن چاره‌ارائه دهد؟

رسالت حلقه وصل در درجه اول، ایجاد هویت است؛ در این کار هم به نظر بنده موفق بوده است. از ابتدا حلقه وصل به دنبال جبهه‌سازی بود و وظیفه نقد یا ایجاد چالش را برای خود تعریف نکرده بود. دست گذاشتن روی کاستی‌ها ممکن است وحدت جمعی را از بین ببرد، به همین خاطر طبیعت هم‌افزایی اقتضا می‌کند که زیاد روی عیوب تاکید نشود. حلقه وصل از ابتدا تا کنون رویکرد ایجابی داشت و به همین خاطر به حاشیه و چالش‌گرایی نداشت. ممکن است عده‌ای از حلقه وصل انتقاد کنند که در این سال‌ها نتوانسته است چالش به وجود آورد یا جریان ایجاد کند، ولی ذاتا کار این نشریه چیزی غیر از این بوده است.

در زمانه‌ای که همه به سوی استفاده از رسانه‌های برخط و مجازی گرایش پیدا کرده‌اند، شیوه فعالیت حلقه وصل با شرایط امروز جبهه فرهنگی همخوانی دارد؟

اصل وجود یک رسانه مکتوب، اجتناب‌ناپذیر است. درست است که در عصر رسانه‌های مجازی به سر می‌بریم، ولی خاستگاه همان‌ها هم یک نشریه مکتوب است که محتوایی تولید کرده که از طریق فضای مجازی منتشر می‌شود. با این وجود متناسب با شرایط روز، باید درباره قالب انتشار محتوا انعطاف به خرج داد. مخاطب امروز

حلقه وصل تی وی راه بیاندازید!



سید صادق امین یزدی

حسن عباسی یکی از نظریه پردازان انقلاب اسلامی، به شمار می رود. در شماره های پیشین حلقه وصل، از عباسی گفتارهای مختلفی در زمینه هایی نظیر سینما و جنگ اقتصادی منتشر شده است. وی در این گفت وگویی کوتاه که در حاشیه جشنواره عمار انجام شد، پیشنهادی برای ارتقای جایگاه حلقه وصل ارائه کرده است.

که در کنار همین ماهنامه مکتوب، محصولاتی تصویری هم تولید شود و فیلم هایی مستند به عنوان حلقه وصل آثار نمایشی منتشر شود، ضریب نفوذ حلقه وصل بیشتر می شود. حتی می توان همین گزارشی را که از مجموعه های فرهنگی به صورت مکتوب منتشر می شود، در قالب یک جنگ تصویری و رسانه ای ارائه کرد و گفت وگوها، گزارش ها، معرفی مجموعه های موفق و اخبار را در آن گنجانده. انتشار این تولیدات تصویری در فضای مجازی و استفاده از بستر آپارات و یوتیوب پیشنهاد جدی من برای ادامه فعالیت های حلقه وصل است. تلویزیون اینترنتی حلقه وصل یا به عبارتی، حلقه وصل تی وی را راه بیاندازید و مطمئن باشید تاثیرگذاری شما بر مخاطبان تان چندین برابر خواهد شد. ■

جایگاه حلقه وصل در جبهه فرهنگی را چطور ارزیابی می کنید؟ آیا این مجموعه را در عمل به وظایف خود موفق می دانید؟

همه شماره های حلقه وصل به دست من می رسد و من مقید هستم تک تک صفحات آن را ببینم و مطالبش را بخوانم. خوشبختانه حلقه وصل در ایجاد وصل بین گروه های مختلف و اطلاع رسانی فعالیت های گروه های فرهنگی و هنری در سطح جبهه انقلاب موفق بوده است.

برای پیشرفت فعالیت های نشریه چه پیشنهادی دارید؟

نکته مهم این است که حلقه وصل، یک رسانه نسل دومی به حساب می آید. اگر کار به سمتی سوق پیدا کند



شکارچی تابن دندان مسلح در مرغداری در بسته!

◀◀ نعمت‌الله سعیدی، شاعر و منتقد هنری است. وی مدتی در ستون «وصله ناچور» تارنمای حلقه وصل، مناظرات خود در فضای مجازی در موضوعات مختلف فرهنگی و اجتماعی را منتشر می‌کرد.



حلقه وصل، همان طور که نامش هم گواهی می‌دهد، به عنوان رسانه‌ای تاسیس شد که هدفش ایجاد ارتباط بین نیروهای فرهنگی حزب‌اللهی و جلوگیری از موازی‌کاری بود. از ابتدا قرار بود حلقه وصل رسانه مشترک همه نیروهای حزب‌اللهی باشد، بدون در نظر گرفتن سلاقی و عقاید آنان. علی‌رغم همه فراز و فرودها که در مسیر هر رسانه کاملاً طبیعی است، حلقه وصل با توجه به بضاعتش، در انجام این وظیفه موفق بوده است... اما اگر بخواهیم هدف را در نظر بگیریم، در مجموع، جبهه فرهنگی در رسیدن به جایگاهی که باید به آن دست پیدا کند، موفق نیست. فاصله ما با این جایگاه مطلوب، هم در سطح سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی مشاهده می‌شود و هم در موضوعات گفتنی.

نشریه متذکر، نه گفتمان ساز

اساساً تفکر دینی و اعتقادی ما، تفکر انتقادی نیست، بلکه شاکرانه است. تفکر انتقادی به عنوان امری بیرونی، به ما تحمیل شده است، با این وجود شناخت خلاصه‌ها کمک می‌کند به اینکه کامل‌تر شویم. بنابراین چند نقد را که درباره حلقه وصل به ذهنم می‌رسد، بیان می‌کنم:

اگر یک شکارچی ماهر با ابزار و براق کامل به یک مرغداری وارد شود و در همان محیط بسته همه مرغ‌ها را شکار کند، هنر نکرده است، بلکه این کار مایه شماتت و مطایبه است. این شکارچی با این همه تجهیزات، باید در دشت‌های وسیع به دنبال شکاری بزرگ و گریزی‌ناشد!

وقتی هدف‌گذاری می‌کنیم و فعالان فرهنگی را به عنوان مخاطب خود برمی‌گزینیم، باید بدانیم چه می‌خواهیم. بسیاری از فعالان فرهنگی خود به خود در این گفتمان حضور دارند و ذیل آن فعالیت می‌کنند، پس صید آن‌ها معنایی پیدا نمی‌کند! این مخاطب نیازمند جذب و جهت دادن نیست، بلکه احتمالاً نیازمند کار گفتمانی است، مثلاً درباره ضرورت وجود یک جبهه مشترک، آرایش دشمن، نحوه مواجهه با دشمن و امثال این موارد به خوراک فکری نیاز دارد...

حلقه وصل بسیاری اوقات مثل یک شکارچی تابن دندان مسلح در یک مرغداری در بسته عمل کرده است! بیشتر مطالب نشریه در بهترین حالت به مثابه «فذکر» است؛ تذکری بوده بر حرف‌هایی که بسیار گفته شده است. البته تذکر یک فرهنگ دینی است: حتی اگر این حرف‌ها را همه هم بدانند، باز هم نیاز به تذکر وجود دارد. از این روزوما حلقه وصل با یادآوری این مفاهیم، گرافه‌کاری نکرده است.

تفاوت از زمین تا آسمان

همواره یک سوء تفاهم در دوره‌هایی که رسانه‌های نو پا به عرصه وجود می‌گذارند، ایجاد می‌شود: با آمدن جدیدها، خیلی‌ها خیال می‌کنند رسانه قدیمی از دور خارج شده است و دیگر کارایی ندارد. مثلاً آن زمان که رادیو به وجود آمده بود، همه از مرگ کتاب سخن می‌گفتند، بعدها با ورود تلویزیون سخن از کنار رفتن رادیو به میان آمد... امروز هم رسانه‌های مجازی آمده و برخی خیال می‌کنند دوران رسانه‌های چاپی به پایان رسیده است.

تفاوت رسانه‌های جدید و قدیمی در نحوه تعامل با مخاطب و درگیر کردن او، از زمین تا آسمان است. ولی اگر واقع‌بین باشیم، مثلاً نسبت به صد سال پیش، با اندکی کم و زیاد، همان تعداد کتاب‌خوان در جامعه حضور دارند. پس عملاً

با ورود رسانه‌های جدید تفاوت چندانی در تعداد کتاب‌خوان‌ها ایجاد نشده است.

به علاوه اهمیت ابزارهای رسانه‌ای جدید را نباید به هیچ وجه نادیده گرفت، هر چند حوزه فعالیت آن‌ها با حوزه فعالیت کتاب و مجله و امثال آن فرق دارد: اینترنت رسانه‌ای وسیع ولی کم عمق است، دقیقاً قطب مخالف کتاب که عمق بیشتر و وسعت کمتر دارد! در این دو سر طیف، سایر رسانه‌ها، مثل تلویزیون، رادیو، هفته‌نامه، ماهنامه و فصلنامه قرار می‌گیرند.

دقت کنید که رسانه‌های چاپی و رسانه‌های اینترنتی، به نوعی تناقض هم دچار هستند: رسانه‌های چاپی به دنبال مخاطبان نخبه هستند ولی رسانه‌های اینترنتی و صوتی و تصویری، عموماً عوام را نشانه می‌گیرند. پس اولاً نحوه فعالیت در هر حوزه تفاوت دارد، ثانیاً تکیه صرف بر هر کدام، موجب از بین رفتن اثر فعالیت بر برخی اقشار جامعه می‌شود.

با این وجود در سراسر جهان، ابزارهای نوین ارتباطی به نفوذ رسانه‌های چاپی کمک کرده‌اند، دلیل آن هم شناخت جایگاه درست هر کدام از آن‌هاست. اگر امروز ما موفق نشده‌ایم از اثر تقویتی این دو بر یکدیگر کمک بگیریم، عامل اصلی را باید در شناخت ناکافی خود از جایگاه هر کدام از آن‌ها بجوییم.

هدف غایی هر رسانه ارتقای مخاطبان است، حالا چه از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با مخاطبان عام ارتباط برقرار شود و چه این ارتباط از طریق کاغذ و چاپ با نخبگان باشد. □

حلقه زر

حلقه وصل به ۱۰ سالگی خود قدم گذاشت و مفتخر است در طول این سالها، شمار بسیاری از مجموعه‌ها و فعالان فرهنگی را که در گوشه گوشه ایران اسلامی فعالیت کردند، معرفی کرد. همین‌ها بودند که همچون حلقه‌های زر درخشیدند و به حلقه وصل اعتبار بخشیدند. حالا از بین تمام مجموعه‌های فرهنگی، نمایندگان سرآمد برگزیده شده‌اند تا درباره ضعف و قوت‌های حلقه وصل سخن بگویند...

حلقه وصل تقویت کننده نور امید در دل فعالان فرهنگی است



حمیدرضا محمدی

« اگر به جستجوی برترین مجموعه های فرهنگی کشور مشغول شوید و به موضوع قرآن برسید، کارتان با وجود «بیت الاحزان» ساده است، زیرا در برتری و عظمت کار آن هیچ تردیدی نیست و مجموعه دیگری هم که با آن قابل قیاس باشد، یافت می نشود! این موسسه کار خود را از روستا آغاز کرد، هنوز هم در روستاها فعالیت می کند و از این شیوه کار، برکات فراوانی دیده است. از آنجا که بنا بر اختصار است، اگر جزء معدود افرادی هستید که با این مجموعه به اندازه کافی آشنا نیستند، به نخستین شماره حلقه وصل مراجعه کنید! در اینجا، در صدمین شماره حلقه وصل، با حجت الاسلام شاهسونی، مدیر موسسه بیت الاحزان به گفتگو نشستیم، گفتگویی که خواندنش خالی از لطف نیست.

گزارشی که حلقه وصل از بیت الاحزان منتشر کرد، برمی گردد به اسفندماه ۹۱؛ دقیقاً ۹ سال پیش! در این ۹ سال بر بیت الاحزان چه گذشته است؟!

این مدت برای بیت الاحزان دوران رو به رشدی بوده است. این موسسه، فرموده مقام معظم رهبری درباره تربیت ۱۰ میلیون حافظ قرآن کریم را هدف و اساس کار خود قرار داده و همه تلاش خود را برای رسیدن به آن متمرکز کرده است. نیروسازی و کادرسازی برای این موضوع، یکی از مهم ترین اقدامات بیت الاحزان به شمار می رود. در این مدت مراکز شبانه روزی حفظ قرآن کریم گسترش داده شده و شمار آن به ۱۴ رسیده است، در حالی که سال ۹۱ این تعداد به چهار مرکز نمی رسید. بیش از ۱۸۰ شعبه هم در ۱۶ استان کشور دایر هستند، مجموعاً با مراکز شبانه روزی، بیش از ۲۰۰ مرکز آموزشی قرآن کریم زیر نظر بیت الاحزان فعالیت دارند. حاصل کار موسسه تا امروز تربیت دو هزار و ۷۰۰ حافظ کل قرآن کریم بوده است.

از نظر عمرانی هم در این سال ها پیشرفت خوبی حاصل شده است؛ بیش از ۱۰۰ ساختمان در سراسر کشور به موسسه تعلق دارد که بیت الاحزان را از نظر برخورداری از اماکن فیزیکی به یکی از موسسات برتر کشور تبدیل کرده است. در عرصه بین المللی نیز بیت الاحزان ورود خوبی داشته و تنها موسسه ای بوده که افرادی را از دیگر کشورها برای آموزش قرآن جذب کرده است. این قرآن آموزان از کشورهای مختلف مانند عراق، کویت، لبنان و هند در موسسه حضور پیدا کرده اند و به آموزش قرآن مشغول شده اند. از ایالات متحده نیز یک مادر و سه فرزند وی به مدت یک سال مهمان موسسه بودند و به حفظ قرآن پرداختند.

طرح ملی آیات زندگی بر اساس قابلیت های موسسه در فضای مجازی در زمان همه گیری کرونا برگزار شد. این طرح توانست حدود ۱۵ هزار مخاطب را در زمینه حفظ موضوعی قرآن کریم جذب کند که یک موفقیت ویژه است. طرح ملی رحله هم یکی از طرح های موسسه بود که از سال ۹۳ به عنوان یکی از فعالیت های جدی موسسه دنبال شد. این طرح تابستان ها به صورت شبانه روزی، با تاکید بر حفظ جزء سی ام و سوره بقره برگزار می شد. گستردگی طرح به حدی بود که به جذب دو هزار مخاطب در قالب ۴۰ طرح رسیده بود و بیشتر شرکت کنندگان آن جوانان ۱۴ تا ۲۲ سال بودند.

یکی از ویژگی های منحصر به فرد موسسه بیت الاحزان، توجه ویژه به روستاهاست: همان طور که کار خود را از روستا آغاز کرده است هنوز هم به آموزش قرآن در روستاها و مناطق محروم اهتمام دارد. این کار قاعدتاً باید در کنار ظرفیت هایی که دارد، چالش هایی هم به دنبال داشته باشد. اگر ممکن است در این باره هم توضیح بفرمایید.

روستاها بخش مهم و حیاتی از کشور ما هستند. بر اساس آمار بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از جمعیت کشور در روستاها زندگی می کنند ولی متأسفانه این بخش مهم کشور، در مباحث قرآنی و فرهنگی



مورد غفلت و بی‌مهری واقع شده است. موسسه بیت‌الاحزان هم از ابتدا برای پوشش این کاستی‌ها، اهتمام خود را بر خدمت‌رسانی به روستاها قرار داد، هر چند در تهران، شیراز، قم و چند شهر دیگر، شعبه‌هایی تاسیس کرد.

پیش از این در مسابقات اوقاف، همه برگزاریدگان از شهرهایی مانند تهران، قم، مشهد و چند شهر دیگر بودند، ولی امروز به لطف الهی، تعدادی از برگزاریدگان از اعضای موسسه هستند که در روستاها و شهرهای کوچک به قرآن‌آموزی پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر از شهرهایی مثل قیر و کارزین، گراش و فسا، افرادی توانسته‌اند به رتبه‌های برتر کشوری و حتی بین‌المللی دست پیدا کنند.

ارتباط شما با حلقه وصل چگونه است؟

❖ در سال‌های اخیر بیشتر از طریق فضای مجازی این مجموعه را دنبال کرده‌ام، ولی در کل به خاطر مشغله زیاد و مسافرت‌های متعدد برای بهره‌گیری از مطالب نشریه فرصت کمی داشته‌ام، با این حال بارها آن را به دیگر فعالان فرهنگی پیشنهاد داده‌ام. حلقه وصل از این نظر که از فعالیت‌های برتر فرهنگی در سطح کشور گزارش ارائه می‌دهد و الگوها را معرفی می‌کند، امیدی در دل فعالان فرهنگی زنده می‌کند که علی‌رغم همه کمبودها و مشکلات، می‌توان باز هم کار کرد و موثر بود. حلقه وصل تقویت‌کننده نور امید در دل فعالان فرهنگی است و امیدوارم با قوت به کار خود ادامه دهد.

حلقه وصل همان طور که از نامش پیداست، در پی وصل کردن موسسات و فعالان فرهنگی در کشور است. آیا حلقه وصل را در این هدف موفق ارزیابی می‌کنید؟
❖ بله! به نظر من موفق بوده است هر چند با کمال تاسف، در کشور ما به صورت کلی موضوع تعامل و هم‌فکری و استفاده از تجربیات یکدیگر، در تمام زمینه‌ها ضعیف است. هنوز این فرهنگ در بین مردم جا نیافتاده است که از تجربیات یکدیگر استفاده کنند و موازی‌کاری‌ها را از بین ببرند. بارها مشاهده کرده‌ام که برخی افراد با مشاهده گزارشی که از بیت‌الاحزان منتشر شده است، بدون اینکه با موسسه تماس بگیرند اقدام به الگوگیری و فعالیت کرده‌اند. بعدها که با آنان مواجه شده‌ایم به این گزارش اشاره و

آن را در کسب‌انگیزه خود موثر معرفی کرده است.

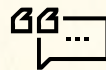
مقام معظم رهبری یک بار تعبیری به کار بردند: فرمودند اثرات فعالیت‌های فرهنگی قابل‌سنجش نیست، زیرا متوجه نمی‌شویم که فلان کار فرهنگی که در گوشه‌ای از کشور اتفاق می‌افتد، اثر فلان کار قبلی است. به همین ترتیب شاید اثرات کار حلقه وصل زیاد باشد، ولی اصلاً قابلیت مشاهده و سنجش پیدا نکند.

شما به عنوان یک فعال فرهنگی، از رسانه‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و به طور خاص، از حلقه وصل چه توقعی دارید؟

❖ همین الگوسازی فعالیت‌های فرهنگی بسیار موثر است. اگر بر اطلاع‌رسانی رویدادهای خاص فرهنگی هم تأکید شود، اثرات و برکات زیادی به دنبال خواهد داشت. بهتر بود حلقه وصل به انتشار اخبار موسساتی مانند بیت‌الاحزان بیشتر اهتمام داشته باشد و به انعکاس فعالیت‌های آنان کمک کند.

در سال‌های پیش رو، مهم‌ترین چالش‌ها و معضلات موسسه خود را چه می‌دانید؟ در حل و رفع این چالش‌ها حلقه وصل چه کمکی می‌تواند انجام دهد؟

❖ بیشتر فعالان فرهنگی، به تبعیت از کل جامعه، با چالش‌های اقتصادی روبرو هستند. البته کاستی‌های نیروی انسانی هم بسیاری از مجموعه‌ها را تهدید می‌کند، ولی به یاری خداوند موسسه بیت‌الاحزان در این زمینه قدم‌های خوبی برداشته است، هر چند به خاطر مشکلات مالی امکان بهره‌برداری کامل از این نیروها وجود ندارد. معضل دیگری که شاید حلقه وصل بتواند آن را پی‌گیری کند، جایگاه قانونی موسسات قرآنی است: متأسفانه موسسات قرآنی جایگاه مطلوبی ندارند و منزلت اجتماعی حافظان و قاریان قرآن کریم در حدی نیست که مورد توجه جامعه قرار گیرد. باید برای حافظان و قاریان امتیازاتی در نظر گرفته شود تا رغبت و تمایل قرآن‌آموزان بیشتر شود. بر اثر این بی‌توجهی‌ها، متأسفانه موسسات قرآنی و حافظان و قاریان قرآن دچار مشکل هویت شده‌اند. ❑



مقام معظم رهبری یک بار تعبیری به کار بردند: فرمودند اثرات فعالیت‌های فرهنگی قابل‌سنجش نیست، زیرا متوجه نمی‌شویم که فلان کار فرهنگی که در گوشه‌ای از کشور اتفاق می‌افتد، اثر فلان کار قبلی است. به همین ترتیب شاید اثرات کار حلقه وصل زیاد باشد، ولی اصلاً قابلیت مشاهده و سنجش پیدا نکند.





فعالان فرهنگی کتابخوان نیستند



ایمان اتابکی

شود و از «کتاب به دوشی» خارج شود! مستاجر بودن برای یک کتابخانه بسیار دشوار است و این اتفاق، موفقیت بسیار بزرگی برای ما بود که بدون کمک صاحب ملک و مردم حاصل نمی شد. مردم هم واقعا همه جوهره کمک کردند، حتی بعضی طلا فروختند یا به پاک کردن زعفران مشغول شدند و پولش را به کتابخانه دادند. کار جالبی هم که اجرا شد انتشار فراخوان دریافت کتاب، کاغذ و سایر ضایعات بازیافتی بود که موجب شد از سراسر مشهد با ما تماس بگیرند و برای خرید مکان کتابخانه، ضایعات بازیافت پذیر خود را اهدا کنند. **ترویج کتابخوانی شاید بسیار دشوارتر از دیگر فعالیت های فرهنگی باشد، حتی مجموعه های فرهنگی هم به این کار گرایش چندانی ندارند. چگونه می توان با استفاده از ظرفیت مجموعه های فرهنگی کتابخوانی را رواج داد؟**

جمعیتی که به عنوان موسسان مجموعه دور هم گرد آمدند، بر اساس یک حلقه کتابخوانی شکل گرفته و کتابخوانی به دغدغه آنان تبدیل شده بود. نهایتاً هم این دغدغه به تاسیس کتابخانه انجامید... تصور ما این است که مجموعه های فرهنگی به کتاب گرایش ندارند، به دلیل آنکه فعالان فرهنگی کتابخوان نیستند. اگر فعالان فرهنگی کتابخوان باشند و تشنگی خود به دانستن را از طریق کتاب رفع کنند، دیگران را هم می توانند به کتاب دعوت کنند. به نظرم راهکار استفاده از ظرفیت مجموعه های فرهنگی آن است که خود فعالان فرهنگی را کتابخوان کنیم. بیشتر آن فعالان فرهنگی هم که با ما در ترویج کتابخوانی همکاری کرده اند، در اصل خودشان کتابخوان بوده اند.

به عنوان یک نشریه چاپی، حلقه وصل با همین معضل کتابخوان نبودن فعالان فرهنگی، که مخاطب اصلی آن هستند، درگیر است. سوال این است که محتوای تولیدشده حلقه وصل چگونه می تواند خود را به عنوان خوراک فکری فعالان فرهنگی مطرح کند و در نهایت به منصفه ظهور

شاید اگر از فعالان فرهنگی درباره اولویت جامعه سوال کنیم، خیلی از آنان به مسائلی مانند عفاف و حجاب یا فضای مجازی و امثال آن اشاره کنند، ولی کتاب و مطالعه را جزء اولویت ها ندانند. همین موضوع تفاوتی است که کتابخانه مردمی مرحوم امیرحسین فردی را از دیگر مجموعه های فرهنگی متمایز می کند. در شماره ۲۶ حلقه وصل، زمانی که اوقات فراغت و نقش مجموعه های فرهنگی در آن، موضوع اصلی نشریه بود، گزارشی از فعالیت های این موسسه به چاپ رسید. در صدمین شماره نیز با حسن سلطانی، مدیر این مجموعه و یکی از موسسان آن به گفتگو نشستیم و از وی درباره حلقه وصل پرسیدیم. از آن جا که نشریه و کتاب، هر دو از یک جنس هستند، خیلی از حرف های سلطانی، درد دل های حلقه وصل هم هست!

کتابخانه مرحوم فردی، از خرداد ۹۴ که پرونده معرفی آن در حلقه وصل کار شد، تا امروز، چه تحولات مهمی را پشت سر گذاشته است؟

یکی از مهم ترین تجربیات این مدت، تلاش برای گسترش شعبه های کتابخانه در اطراف مشهد بود. دو شعبه هم در قلعه ساختمان و روستای قرقی در حاشیه شهر ایجاد کردیم ولی فعالیت این شعبه ها، دو سه سال بیشتر طول نکشید. تصور ما این بود که با انتقال چند قفسه و کتاب و ایجاد یک کتابخانه، می توان آن محله را از این نظر فعال کرد، ولی در واقعیت به این نتیجه رسیدیم که تا وقتی در محلات هدف خود نیروی انسانی نداشته باشیم، انتقال امکانات چندان موثر نیست.

شعبه اصلی در کدام منطقه مشهد قرار دارد؟

در حال حاضر در بلوار دوم طبرسی مستقر هستیم. قبلاً مکان کتابخانه استیجاری بود، با این ایده که کتابخانه باید مانند فروشگاه های دیگر در دسترس باشد و بتواند نیاز مخاطب را پاسخ دهد. این ایده هم بر اساس توصیه مقام معظم رهبری شکل گرفت که فرموده بودند کتاب باید در دید و دسترس مردم باشد. ساختمانی که کتابخانه در آن ایجاد شد، در ابتدا یک مغازه دو در سه بود، بعداً گسترش پیدا کرد و به یک مکان ۴۰ متر مربعی رسید و در حال حاضر کتابخانه در مغازه ای با مساحت ۱۲۰ متر مربع قرار دارد. اواخر سال ۹۸ صاحب مغازه نصف آن را وقف کردند. در سال ۹۹ با کمک خیران موفق شدیم مابقی ملک را از صاحب آن خریداری کنیم. امروز کتابخانه امیرحسین فردی توانسته است به صورت مستقل صاحب ملک



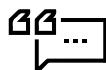
هست، باید به صورت جدی روی موضوع فرهنگ و اقتصاد کار کنیم تا بتوانیم روی پای خودمان بایستیم. متأسفانه خیران کمتر در کتاب‌خوانی وارد می‌شوند و بیشتر به موضوعات معیشتی گرایش دارند، در حالی که حضور آنان برای ادامه فعالیت‌هایی شبیه آن چه کتابخانه امیر حسین فردی انجام می‌دهد، ضروری است. ■



آیا در سطح کشور مجموعه‌هایی می‌شناسید که مانند کتابخانه امیر حسین فردی به ترویج کتاب‌خوانی مشغول باشند؟

▲ به شکل پراکنده با برخی مجموعه‌ها آشنا شده‌ایم، ولی در کل فعالیت‌های کمی در این خصوص انجام می‌شود.

به نظر شما در سال‌های آینده کتابخانه با چه



این مجموعه از اساس یک کار مردمی بود و ما هم اصرار داشتیم مردمی بودن خود را حفظ کنیم، زیرا اعتقاد داشتیم اگر کار در فضای اداری و سازمانی بیاید، از مسیر خود فاصله می‌گیرد. حتی برخی سازمان‌ها پیشنهاد دادند کتابخانه را به آنان واگذار کنیم، ولی نپذیرفتیم... معرفی مجموعه در رسانه‌ها موجب شد مردم به کتابخانه روی آورند و آن را کمک کنند تا ویژگی مردمی بودنش حفظ شود.

چالش‌هایی مواجه خواهد بود؟

▲ یکی از مشکلات امروز ما گرانی کاغذ و بالا رفتن قیمت کتاب است. تحلیل من این است که نسل امروز، از نسل گذشته کتاب‌خوان‌تر است و فضای مجازی جای کتاب را نگرفته است. این موضوع رسالت ما را سنگین‌تر می‌کند.

کتابخانه به صورت خاص، باید برای مردمی بودن خود اساسنامه و ساختاری تعریف کند که همان‌طور که گفتیم، در دست تنظیم است. از نظر اقتصادی هم چالش‌هایی پیش روی کتابخانه

برسد؟

▲ یکی از ضعف‌های فعالان فرهنگی که آن هم به فاصله ما از مطالعه برمی‌گردد، این است که هر کسی خیال می‌کند کار خودش کاملاً درست است و تنها مسیر به شمار می‌آید. اگر بتوان این موضوع را جا انداخت که خیلی از راه‌ها طی شده و تجربیات دیگران قابل استفاده است، بخش زیادی از مسیر طی شده است! ضمن اینکه حلقه وصل باید بیشتر روی محتوای خود تبلیغات کند تا همه بدانند این حرف‌ها، سخن کسانی است که در میدان حضور دارند و مشکلاتی را که پیش روی فعالان فرهنگی پیش می‌آید، به خوبی درک کرده‌اند.

حلقه وصل با معرفی این مجموعه، توانست آن را شناساند و به فعالیت‌هایش کمک کند؟

▲ با توجه به بعد زمانی، بازخورد‌هایی که از آن گزارش دریافت کردیم چندان در خاطر من نیست. ولی در کل رسانه‌ها که حلقه وصل هم جزئی از آن بود، با معرفی کتابخانه به شناخت مردم کمک کردند و امکان توسعه فعالیت‌های ما را فراهم آوردند. این مجموعه از اساس یک کار مردمی بود و ما هم اصرار داشتیم مردمی بودن خود را حفظ کنیم، زیرا اعتقاد داشتیم اگر کار در فضای اداری و سازمانی بیاید، از مسیر خود فاصله می‌گیرد. حتی برخی سازمان‌ها پیشنهاد دادند کتابخانه را به آنان واگذار کنیم، ولی نپذیرفتیم... معرفی مجموعه در رسانه‌ها موجب شد مردم به کتابخانه روی آورند و آن را کمک کنند تا ویژگی مردمی بودنش حفظ شود.

به عنوان یک فعال فرهنگی کدام قسمت از حلقه وصل برای شما جذابیت بیشتری دارد؟

▲ بحث‌های کارشناسی و تجربیاتی که در نشریه منعکس می‌شود، مفیدترین بخش‌هایی بوده که من در حلقه وصل دیده‌ام. هر چقدر تجربیات بیشتری در نشریه کار شود، فعالان فرهنگی که مشغول فعالیت‌های میدانی هستند، بهره بیشتری خواهند برد.

از رسانه هاد لگیریم



محمد انیسی آرانی

« نشریه مدتی به صورت منظم به دست بنده می‌رسید و از مطالب آن استفاده می‌کردم، ولی چند وقتی هست به دستم نرسیده است. حلقه وصل نشریه خوبی است و نام و محتوای زیبایی دارد. گروه‌های گمنام زیادی مثل بنیاد صدر در گوشه‌ای از کشور مشغول فعالیت هستند و متأسفانه، کسی از فعالیت آنان حمایت نمی‌کند. حلقه وصل با معرفی این گروه‌ها می‌تواند به خوبی در رشد آنان سهیم باشد. معرفی یک مجموعه در ماهنامه‌ای نظیر حلقه وصل، اعتبار آن مجموعه را نشان می‌دهد.

ارتباط شما با موسسات مشابهی که در سایر استان‌ها فعالیت می‌کنند چگونه است؟ حلقه وصل توانسته است در برقراری این ارتباط کمک کند؟

« گزارشی که از بنیاد صدر در حلقه وصل منتشر شد، مربوط به چندین سال پیش است. از این رو من بازخورد خاصی به یاد ندارم، ولی مطمئنم اثر خودش را بر جای گذاشته و بنیاد را به فعالان فرهنگی سراسر کشور معرفی کرده است. امروز بنیاد صدر توانسته است ارتباط خوبی با گروه‌های جهادی و مجموعه‌های محرومیت‌زدایی در سایر استان‌ها پیدا کند و به کمک آن‌ها طرح‌هایی را به اجرا درآورد.

توقع شما از رسانه‌ها چیست؟ حلقه وصل چگونه می‌تواند به بنیاد شما کمک کند و باری از دوش محرومان بردارد؟

« اگر بخواهم واقعیت را بگویم، از رسانه‌ها دلگیرم! رسانه‌ها این همه فعالیت بنیاد را، خصوصاً فراخوان‌های آن را، منعکس نمی‌کنند. آن‌طور هم که از سایر گروه‌ها اطلاع دارم، گویا بیشتر مجموعه‌هایی که به صورت خودجوش به محرومیت‌زدایی مشغولند، با این بی‌مهری‌ها دست به گریبانند. انتظار ما این است که این صدا به گوش همه برسد و مردم از این تلاش‌ها مطلع شوند تا شعاری که بنیاد صدر برای خود انتخاب کرده است، محقق شود: «همه با هم می‌توانیم!» حلقه وصل هم به عنوان یک رسانه چنین کمکی می‌تواند داشته باشد و به نظرم، تا به حال کمک‌های خوبی به بنیاد داشته است.

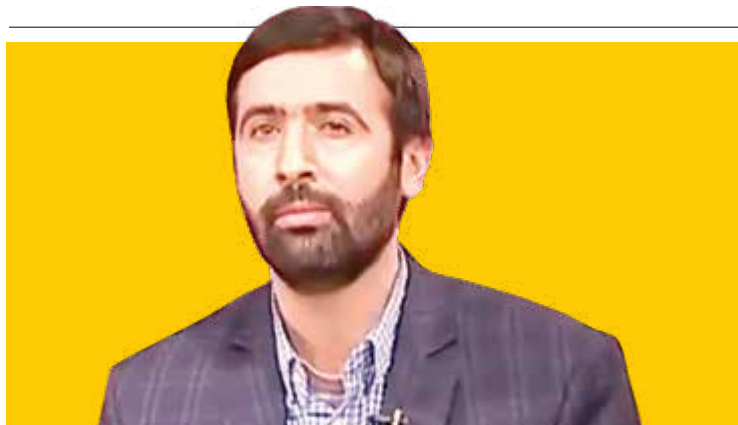
من از اینکه شنیدم حلقه وصل به صدمین شماره خود رسیده است، بسیار خوشحال شدم. بعید می‌دانم که در بین تمام رسانه‌های این حوزه، نشریه‌ای به این سطح رسیده باشد. مطمئن‌هم هستم رسیدن به این مرتبه، حاصل زحماتی زیاد و مداوم است.

چه برنامه‌هایی برای آینده بنیاد در دستور کار دارید؟

« بنیاد قصد دارد روزه‌روز منظم‌تر شود. این نظم، لازمه دستیابی به کار فرهنگی «تمیز» است؛ چیزی که ما به عنوان هدف خود در نظر گرفته‌ایم. بنیاد کار دشواری را برگزیده است و بر داوطلبانه بودن فعالیت‌هایش اصرار دارد، ولی یقین داریم به مدد الهی راه‌ها باز خواهد شد و موفقیت به دست خواهد آمد. □

« به خاطر توسعه نامتوازن مناطق مختلف کشور، محرومیت در برخی نواحی به معضلی ریشه‌دار تبدیل شده است، معضلی که گروه‌های خودجوش را به تحرک واداشته است تا چاره‌ای بیاندیشند و این زخم کهنه را با مدد گرفتن از خود مردم، مرهم نهند. بنیاد صدر کرمان از جمله گروه‌هایی است که بیش از یک دهه در زمینه محرومیت‌زدایی فعالیت می‌کند. این گروه تلاش اصلی خود را بر محرومیت‌زدایی از مناطق جنوب کرمان با استفاده از ظرفیت‌ها و توان بومی همان مناطق متمرکز کرده است.

حلقه وصل پیش از این در شماره دهم خود گزارش مفصلی از این بنیاد منتشر کرده بود. اکنون پس از هشت سال، به بهانه انتشار صدمین شماره، مجدداً به سراغ بنیاد صدر رفته‌ایم و با محمود هاشمی، مدیرعامل آن گفتگویی ترتیب داده‌ایم.



درباره تحولاتی که در هشت سال اخیر در بنیاد صدر رخ داده است توضیح بفرمایید.

« در طول این سال‌ها توسعه قابل توجهی در فعالیت‌های بنیاد صورت گرفته است؛ فعالیت‌ها علاوه بر کرمان، در سیستان و بلوچستان و ایلام هم گسترش پیدا کرده است، حتی برخی طرح‌ها در سطح ملی انجام می‌شود. برای مثال قسمتی از خدمات پزشکی زیر نظر بنیاد در کل کشور ارائه می‌شود. در این مدت حوزه‌های فعالیت بنیاد هم تنوع قابل توجهی پیدا کرده و از نظر جذب حمایت مالی، پیشرفت قابل قبولی در مجموعه حاصل شده است.

در این سال‌ها بنیاد صدر موفق شده است طرح‌های مدرسه‌سازی را به پیش ببرد. در آینده نزدیک سی و ششمین مدرسه بنیاد صدر به بهره‌برداری خواهد رسید. در جنوب کرمان مرکز خدمات جامع معلولان، در مراحل پایانی عمرانی به سر می‌برد و به زودی آغاز به کار خواهد کرد. ساخت پنج خوابگاه دانش‌آموزی، مجتمع خیریه آموزشی مادر برای حمایت از دانش‌آموزان مستعد مناطق محروم و مهمان‌سرای بیماران از جمله موارد دیگری است که در این مدت به همت بنیاد صدر به انجام رسیده است. البته فعالیت‌های عمرانی



گروه‌های گمنام زیادی مثل بنیاد صدر در گوشه‌ای از کشور مشغول فعالیت هستند و متأسفانه، کسی از فعالیت آنان حمایت نمی‌کند. حلقه وصل با معرفی این گروه‌ها می‌تواند به خوبی در رشد آنان سهیم باشد. معرفی یک مجموعه در ماهنامه‌ای نظیر حلقه وصل، اعتبار آن مجموعه را نشان می‌دهد.

بنیاد بسیار بیشتر از این است و ذکر تمام آن‌ها موجب اطاله کلام خواهد بود.

با این مشغله‌هایی که دارید، فرصت دنبال کردن نشریه را پیدا می‌کنید؟ نقاط قوت و ضعف آن از نظر شما کدام است؟

ما همه یک جبهه ایم

حسین قیامت

خردادماه ۹۲، در شماره سوم حلقه وصل، کانون قدس به عنوان نماینده مجموعه بزرگ مسجد قدس اصفهان، معرفی و گزارش مفصلی از فعالیت‌های آن منتشر شد. مسجد قدس در زمینه‌های مختلف مشغول فعالیت است و تمرکز اصلی‌اش را بر جذب نوجوانان قرار داده است. وقتی به بهانه انتشار صدمین شماره با یکی از افرادی تماس گرفتم که در شماره سوم با وی گفتگو کرده بودیم، ما را با علی مودنی آشنا کرد. مودنی از گذشته در این مجموعه فعالیت داشته و بعد از عمری کار فرهنگی، به خوبی با جوانب کار آشناست.



رسانه‌های جبهه فرهنگی انقلاب، چگونه می‌توانند به پیشبرد فعالیت‌های مجموعه شما کمک کنند؟

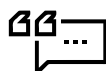
بسیاری از موسسات کنکور، روی موج آموزش بچه‌ها به درآمدهای کلان رسیده‌اند و با چند مدرسه‌ای که این طرف و آن طرف کشور ساخته‌اند، خودشان را به عنوان مجموعه‌هایی نشان داده‌اند که خیرخواه مردم و محرومان هستند! با این حال به خاطر خلل‌هایی که در کار تخصصی تربیتی وجود دارد، هیچ موج و جریانی در این زمینه ایجاد نشده است. نیاز به چنین کارهایی را باید واسطه‌هایی مانند رسانه‌ها که به مسئولان رده بالا دسترسی دارند، ایجاد کنند. باید همه مردم کشور، بزرگی موج تربیت را ببینند و احساس نیاز به آن را درک کنند. همه مجموعه‌های فرهنگی به قدر وسع خود برای اصلاح دیدگاه جامعه تلاش می‌کنند، ولی تصور غالب مردم این است که برنامه درسی مدارس دولتی یا غیردولتی، برای تربیت فرزندان‌شان کافی است. موضوع تربیت هم نباید تک‌بعدی دیده شود، تربیت یک موضوع فراگیر است و تمام عرصه‌ها را دربرمی‌گیرد. بسیاری از موسسه‌ها در حوزه‌ها و موضوعات مختلف پای کار هستند، ولی این رسانه‌هایی چون حلقه وصل هستند که باید فکر کنند و چاره بیابند. تا این تقاضا را زنده کنند. در نظر داشته باشید که تربیت موضوعی زودبازده نیست، مثل کلاس کنکور نیست که چند ماه طول بکشد و نتیجه‌اش، مثلاً در رتبه و محل قبولی نمایان شود. جریان تربیتی شاید چند دهه زمان لازم داشته باشد تا ثمرات خود را نشان دهد؛ این هم باید برای مردم تبیین شود.

تربیت مربی این مجموعه‌ها به کمک کانون قدس اصفهان صورت می‌گیرد. اقداماتی هم برای پوشش مناطق محروم انجام شده که بر اساس آن ۹ مجموعه در مناطق محروم اصفهان مورد توجه کانون قدس قرار گرفته است.

حلقه وصل را چقدر دنبال می‌کنید و کدام قسمت‌های آن برای شما، به عنوان یک فعال فرهنگی جذابیت دارد؟

حدود شش ماه پیش با بنده تماس گرفتند و درباره حلقه وصل پرسیدند. من گفتم به صورت گزینشی مطالب نشریه را مطالعه می‌کنم، ولی فرصت مطالعه کل مطالب آن را ندارم. مطالب مفید و حساب شده آن را بسیار خواندنی می‌دانم. از بین تمام مطالب حلقه وصل، بخش‌هایی که به بیان تجربیات فرهنگی افراد شاخص حوزه تربیت مربوط بود، برایم جذابیت دارد. گاهی هم تحلیل‌های به‌روزی در ارتباط با تربیت ارائه می‌شود که آن هم به نظرم بسیار مفید و جذاب می‌آید.

چه چالش‌هایی پیش روی فعالیت‌های آینده مجموعه قدس وجود دارد و حلقه وصل برای مقابله با این چالش‌ها چه کمکی می‌تواند به این مجموعه ارائه کند؟



باید برای اخلاق محوری، کاری کرد! اختلافاتی که در بین فعالان فرهنگی وجود دارد کار را برای تمام کسانی که در این جبهه کار می‌کنند، دشوار می‌کند. ما همه در سراسر کشور یک جبهه‌ایم، باید با هم تعامل داشته باشیم، به هم کمک کنیم و تلاش مان رشد یکدیگر باشد. متأسفانه بارها در طول این سال‌ها مشاهده کرده‌ام که بخل و تنگ‌نظری در بین بسیاری از فعالان فرهنگی وجود دارد و همه درصدد تخطئه کار دیگران هستند؛ حس رفاقت و دوستی عنصر کمیابی در بین فعالان فرهنگی است.

باید برای اخلاق محوری، کاری کرد! اختلافاتی که در بین فعالان فرهنگی وجود دارد کار را برای تمام کسانی که در این جبهه کار می‌کنند، دشوار می‌کند. ما همه در سراسر کشور یک جبهه‌ایم، باید با هم تعامل داشته باشیم، به هم کمک کنیم و تلاش مان رشد یکدیگر باشد. متأسفانه بارها در طول این سال‌ها مشاهده کرده‌ام که بخل و تنگ‌نظری در بین بسیاری از فعالان فرهنگی وجود دارد و همه درصدد تخطئه کار دیگران هستند؛ حس رفاقت و دوستی عنصر کمیابی در بین فعالان فرهنگی است. مشکل مالی هم پیش روی موسسات فرهنگی وجود دارد، موسسه ما هم با آن درگیر است ولی به نظرم، مجموعه‌ای که نتواند مشکلات مالی خود را حل کند و به خودکفایی برسد، بهتر است کار نکند! موضوعات مالی اصل نیست و با چاره‌اندیشی و ایده‌پردازی برطرف می‌شود.

یکی از توقعاتی که با وظیفه حلقه وصل هم‌پوشانی کامل دارد، اتصال فعالیت‌های فرهنگی با امر ولی است. این کار بیشتر جنبه تذکر دارد، چه بسا اگر هر چند شماره، بخش‌هایی به بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری درباره فعالیت‌های فرهنگی اختصاص یابد، انگیزه فعالان فرهنگی دو چندان شود. □

حلقه وصل پناهگاه فعالان فرهنگی است



ایمان اتابکی

کانون‌های مساجد و مسئولان جبهه فرهنگی، با موسسه تماس گرفتند و درخواست معرفی محصولات خود را مطرح کردند. این درخواست‌ها تا چند ماه بعد از انتشار آن گزارش هم به صورت پیوسته ادامه داشت.

حلقه وصل را دنبال می‌کنید؟ ارزیابی شما از فعالیت‌های آن چیست؟

«اگر بخواهم واقعیت را بگویم، مدت‌هاست فرصت مطالعه حلقه وصل را پیدا نکرده‌ام، با این حال آن را به دست نیروهای موسسه می‌رسانم. ولی بر اساس شناختی که از حلقه وصل دارم، باید آن را تحسین کنم، زیرا بسیاری از فعالان فرهنگی، به خصوص آنان را که در شهرستان‌های کوچک‌تر فعالیت می‌کردند و مورد بی‌مهری بودند، مورد توجه قرار داد و توانست پناهگاه آنان باشد. انتشار اخبار و گزارش‌های فعالیت این موسسات، در آنان دلگرمی و نشاط می‌آفریند.

در سال‌های آینده، چه چالش‌هایی را پیش روی گسترش فعالیت‌های موسسه آفتاب‌گستر می‌بینید؟ در مواجهه با این چالش‌ها چه کمکی از حلقه وصل بر می‌آید؟

«چالش‌های پیش روی فعالیت‌های آفتاب‌گستر بسیار زیاد است. به کرونا اشاره کردم، ولی آنچه بیشتر ما را اذیت می‌کند، موانعی است که به خاطر کاغذبازی‌های اداری جلوی پای ما سبز می‌شود. هر کس بخواهد در زمینه سبک زندگی سالم فعالیت کند، باید با قوانین و مقررات زاید و پیچ در پیچی در ادارات مختلف، مانند استاندارد، غذا و دارو و تعزیرات حکومتی دست به گریبان شود. تاریخ مصرف بیشتر این قوانین گذشته و عمر بعضی از آن‌ها به حدود یک قرن رسیده است.

وقتی ما برای گرفتن سبب سلامت برخی محصولات خانگی مان به اداره غذا و دارو یا اداره استاندارد مراجعه می‌کنیم، گاهی اصلاً حاضر نیستند توضیحات ما را بشنوند! ادارات مسئول، فقط پذیرای شرکت‌هایی هستند که مطابق عرف، به تولید صنعتی محصولات غذایی مشغولند و در برابر موسساتی که می‌خواهند با الگوگیری از سبک زندگی اصیل ایرانی اسلامی محصولاتی ارائه دهند، موضع می‌گیرند. تازه بعد از گذراندن این هفت‌خوان، با جامعه‌ای مواجه می‌شویم که پذیرش برخی محصولات را ندارد. حلقه وصل باید در برابر این چالش‌ها، در کنار ما بایستد. □



محمدعلی شجاع، یکی از فعالان فرهنگی استان یزد است که در قالب موسسه آفتاب‌گستر یزد، در حوزه سبک زندگی سالم فعالیت می‌کند. در شماره ۸۱ که با موضوع خودکفایی اقتصادی مجموعه‌های فرهنگی منتشر شد، آفتاب‌گستر یکی از موسساتی بود که به عنوان الگو، معرفی شد. (قدم نهادن شجاع در این عرصه، داستان جالبی دارد که برای دانستنش باید به همان شماره ۸۱ مراجعه کنید!) گفت‌وگوی کوتاه حلقه وصل با این مرد خوش صحبت و با انگیزه یزدی را در ادامه بخوانید.

رسانه‌های جبهه فرهنگی انقلاب، خصوصاً حلقه وصل در تقویت فعالیت‌های شما چه کمکی می‌توانند داشته باشند؟

«رسانه در حمایت از فعالیت‌های فرهنگی نقش موثری دارد، ولی به طور خاص در گسترش فعالیت‌های عام‌المنفعه، خصوصاً در زمینه ترویج سبک زندگی سالم، نقش رسانه بسیار ویژه‌تر است. مدتی پیش مستندی از فعالیت‌های موسسه در برنامه «بزرگراه همت» رسانه ملی پخش شد و در آن به صورت مفصل، آغاز کار موسسه و فعالیت‌های آن به تصویر کشیده شد. این مستند به معرفی معرفی موسسه به سراسر کشور کمک زیادی کرد.

البته حلقه وصل به عنوان رسانه جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، از این نظر که بیشتر مشترکانش در حوزه سبک زندگی سالم دغدغه‌مند هستند، می‌تواند حمایت موثرتری انجام دهد. زیرا تقاضای محصولات سالم در بین این افراد وجود دارد، ولی احتمالاً از اینکه کدام موسسه به تولید و توزیع آن مشغول است، اطلاعی ندارند. □

گفت‌وگو

بر اساس شناختی که از حلقه وصل دارم، باید آن را تحسین کنم، زیرا بسیاری از فعالان فرهنگی، به خصوص آنان را که در شهرستان‌های کوچک‌تر فعالیت می‌کردند و مورد بی‌مهری بودند، مورد توجه قرار داد و توانست پناهگاه آنان باشد. انتشار اخبار و گزارش‌های فعالیت این موسسات، در آنان دلگرمی و نشاط می‌آفریند.

حلقه وصل دو بار از موسسه آفتاب‌گستر گزارش تهیه کرد: یک بار در بدو فعالیت‌های آن و یک بار حدود دو سال پیش که به صورت مفصل، فعالیت‌ها و فروشگاه‌های آفتاب‌گستر را به عنوان یکی از موسساتی که توانسته است با کسب درآمد به خودکفایی برسد، معرفی کرد. بعد از گزارش دو سال پیش حلقه وصل، بازخوردهای بسیار خوبی دریافت کردیم؛ از سراسر کشور فعالان فرهنگی، مدیران

حلقه وصل به دنبال الگوهای کلان فرهنگی باشد

حسین قیامت

بعد از چند بار تماس و پیگیری، موفق شدیم در یک روز آخر هفته، بعد از نماز صبح، از حجت الاسلام جواد داور، مسئول شعب کانون دانش پژوهان نخبه، برای گفتگو وقتی بگیریم! کانونی که از زیرزمین مسجدی در عبدالآباد کار خود را آغاز کرد و امروز، دانش پژوهان دوره سی ام خود را آموزش می دهد. پیش از این در شماره پنجم گزارشی مفصل از این کانون در حلقه وصل منتشر شده بود و امروز، به عنوان یکی از مجموعه های فرهنگی برگزیده کشور، در شماره صدم مجدداً گفت و گویی درباره آن به مخاطبان عرضه می شود.



آن ها با توجه به شرایط و اقتضائات محیطی، برای بهره برداری دیگران چه الگوهایی می تواند ارائه دهد. یک مثال خدمت شما عرض کنم: گروه های جهادی در سراسر کشور با مشکل مالی مواجه هستند، یک گروه که این مشکل را با ظرفیت های خاص خود، با ایده های خاص برطرف کرده است، باید مورد بررسی قرار گیرد و الگوی آن برای دیگران تشریح شود. حلقه وصل می تواند میزهای تخصصی برای حوزه های مختلف فعالیت های فرهنگی تعریف کند و به موضوعات پردازد، مثلاً میز اردوهای جهادی یا میز هیات های عزاداری...

سال های آینده به نظر سال های پر چالشی به نظر می رسد، چه در زمینه های فرهنگی و چه در زمینه های اجتماعی. دیدگاه شما نسبت به آینده کانون چیست؟

با توجه به هدف و ماموریتی که کانون برای خود تعریف کرده و در عرصه تولید علم و تاثیرگذاری بر فضای دانشگاه به میدان آمده است، مهم ترین چالش های پیش رو را در این زمینه می بینم. کشور ما در شرایط امروز خود در حوزه های متفاوتی دچار چالش است و به تعبیر مقام معظم رهبری، در جنگی ترکیبی به سر می برد که تمام حوزه های سیاسی، فرهنگی، علمی و اجتماعی را فرا می گیرد.

کانون با درک این فضا در حوزه علمی برای خود ماموریت هایی تعریف کرده است که لزوماً در حوزه های علوم پایه و فناوری محدود نیست. شناخت توانایی ها و علاقمندی های نخبگان و هدایت آنان در حوزه هایی که کشور در آن زمینه ها دچار مشکل است، چالش مهم کانون به شمار می رود. متأسفانه فضای مجازی هم تمرکز را از اعضای کانون گرفته و مدام آنان را درگیر مسائل مختلف می کند، به طوری که رسیدن آنان به مرز حل چالش های مهم را به تاخیر می اندازد.

دشمن در پی ایجاد ناامیدی در بین مردم است، این ناامیدی در بین بسیاری از نخبگان به شکلی مشهودتر وجود دارد، به طوری که خیال می کنند در داخل کشور، جایی برای تاثیرگذاری آنان وجود ندارد. فقدان مجموعه ای که بتواند مسائل را به آنان معرفی و نقاط تاثیرگذاری آنان را مشخص کند، به شدت احساس می شود. کانون قصد دارد با نشان دادن این نقاط، حس امید را در نخبگان تقویت و به تدریج در جامعه منتشر کند. □

ارزیابی می کنید؟

حلقه وصل را دنبال می کنم و به نظرم معرفی مجموعه هایی که به صورت جهادی در برخی زمینه ها که در آن توانایی دارند، خدمات ارائه می دهند، یکی از بهترین و مفیدترین فعالیت های آن است. البته می توان این کار را با مستندسازی تجربه های خاص هر مجموعه، ارتقا بخشید. مثلاً کانون دانش پژوهان نخبه در دل فعالیت های خود، الگویی برای برگزاری هیات دارد، این الگو را باید برجسته کرد و برای همه توضیح داد؛ یا اصول و مبانی نظام تربیتی خاصی که در کانون مورد استفاده قرار می گیرد، به صورت جزئی تبیین شود. این نظام تربیتی قاعدتاً در بسیاری از مجموعه های دیگر هم وجود دارد، ولی با مختصات خاص همان مجموعه. اشتراک این الگوهای تربیتی می تواند به تدریج یک نظریه تربیتی ایجاد کند که همگان بتوانند از آن بهره ببرند. حلقه وصل باید به دنبال الگوهای کلان فرهنگی باشد؛ می تواند جایی باشد که مجموعه های مختلف، الگوهای مورد استفاده خود در زمینه های خاص را مطرح و الگویی جامع استخراج کنند.

توقع شما از رسانه های جبهه فرهنگی انقلاب و به صورت خاص، حلقه وصل چیست؟

بسیاری از توقعات ما با آنچه رسانه ها به عنوان ماموریت خود تعریف کرده اند، تفاوت دارد. ولی به طور خاص حلقه وصل، بهتر است ضمن معرفی مجموعه های فرهنگی، نگاه تخصصی تری به آن ها داشته باشد و تشریح کند که فعالیت بومی

لطفاً درباره رویدادهای مهمی که در چند ساله اخیر در کانون رخ داده است توضیح بفرمایید، به خصوص بعد از سال ۹۲ که پیرونده معرفی کانون در حلقه وصل منتشر شده بود.

در این مدت دو بار مدال های اعضای کانون به مقام معظم رهبری تقدیم شد: یک بار در سال ۹۴ و یک بار در سال ۹۸. سال ۹۴ این مدال ها که تعداد آن به ۱۶ می رسید، در حاشیه دیدار ۱۴ تن از اعضای کانون با ایشان، تقدیم شد. سال ۹۸ هم به واسطه اعضای کانون، مجموعه ۱۳۵ مدال از افراد مختلف که شمار آنان به ۱۱۵ نفر می رسید، برای اهدا جمع آوری شد. انتقال برنامه هیات به مسجد لولاگر تهران هم یکی از اثرگذارترین تحولات مجموعه در سال های اخیر بوده است. پیش از این برنامه ها در چهار شعبه کانون (نازی آباد، سیدالکریم، امام رضا (ع) در منطقه ۱۴ و امام علی (ع) در عبدالآباد) به صورت جداگانه برگزار می شد. یکی از اهداف این کار بهره گیری از محضر یک عالم متخلق و ربانی بود، زیرا معتقد بودیم حیات و تداوم کار مجموعه، بستگی به این دارد که از سلوک معنوی برخوردار باشد. در کنار این، کانون به این وسیله می توانست برای خود یک مرکز تعیین کند تا مخاطبان جوان نخبه در صورت لزوم به آن مراجعه کنند. مسجد لولاگر هم در مرکز شهر قرار داشت و به مراکز علمی و دانشگاهی هم نزدیک بود، از این رو بهترین محل برای برگزاری برنامه های کانون به شمار می رفت.

رابطه شما با حلقه وصل چگونه است؟ آن را مفید



حلقه وصل دل‌ها راهم سو کند



حمیدرضا محمدی

کتابخانه خود نگهداری می‌کنم. حلقه وصل تقریباً قالب یکسانی داشته و از ابتدا مسیر آن مشخص بوده است. این استمرار سبب شده جایگاه خوبی پیدا کند و بتواند به عنوان یک مرجع مطرح شود. من از مطالب تازنمای حلقه وصل هم استفاده می‌کنم و به نظرم در حال حاضر تازنما بیشتر از نشریه در انجام وظیفه‌ای که به آن اشاره کردید موثر است، زیرا اخبار را به‌روزر و سریع‌تر مخابره می‌کند و دسترسی به آن آسان‌تر است.

در اولین سال‌های فعالیت حلقه وصل بازخوردهایی که از آن می‌گرفتیم خیلی بیشتر بود. شاید دو دلیل در این موضوع دخیل بوده باشد: اول اینکه هنوز رسانه‌های مجازی چندان فراگیر نشده بودند، دوم اینکه در همان سال‌های نخست فعالیت حلقه وصل بود که آن پرونده معرفی موسسه خیبر منتشر شد. البته بعد از آن پرونده مطالب زیادی درباره موسسه کار نشد، شاید به این خاطر که ارتباط حلقه وصل بیشتر با ستادهای استانی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برقرار است، نه با موسسات. آنچه هم در راستای کارویژه حلقه وصل است، همین اخبار و معرفی‌هاست که طبیعتاً بیشتر از سایر مطالب مورد توجه فعالان فرهنگی است.

توقع شما به عنوان فعال فرهنگی، از رسانه‌های جبهه فرهنگی چیست؟ در بین تمام این رسانه‌ها چه جایگاهی برای حلقه وصل متصور هستید؟

رسانه‌های جبهه فرهنگی تقریباً به مجموعه‌های فرهنگی کاری ندارند، هر کدام کار خودشان را می‌کنند. با توجه به مصادیقی که در طول سال‌ها ملاحظه کرده‌ام، تقریباً رسانه‌ها هیچ وظیفه‌ای برای تعامل و هم‌افزایی با یکدیگر و با فعالان فرهنگی تعریف نکرده‌اند. گاهی برای پوشش رسانه‌ای یک فعالیت، کار ما به خواهش و التماس می‌رسد؛ این حرف موسسه‌ای است که در سطح ملی مشغول فعالیت است، در حوزه‌هایی نظیر عفاف و حجاب حرف برای گفتن دارد و با دستگاه‌ها و نهادها مشغول تعامل است. همه رسانه‌های برتر جبهه فرهنگی درهای خود را به روی موسسه خیبر بسته‌اند. حتی با برخی خبرنگاری‌ها بر سر نحوه پرداختن به موضوعات چالش داریم، در حدی که ما به عنوان موسسه فرهنگی هم باید حواسمان به فعالیت‌های دشمن باشد، هم به خبرنگاری‌های داخلی دمام تذکر دهیم! متأسفانه آن‌ها هم خودشان را در همه زمینه‌ها کارشناس می‌دانند و نیازی نمی‌بینند که در برخی حوزه‌ها هم فکری بگیرند و تعامل کنند.

به خاطر عدم همراهی رسانه‌ها، وقت زیادی از فعالان فرهنگی صرف تأمین پیوست رسانه‌ای فعالیت‌های آن‌ها می‌شود. مجمع ناشران انقلاب اسلامی به ناشران عضو خود اعلام کرده اگر نیازمند انعکاس خبری در رسانه‌ها باشند، اعلام کنند تا تعامل با رسانه‌ها را انجام دهد. با این ابتکار تقریباً در حوزه نشر هیچ دغدغه‌ای از نظر پوشش رسانه‌ای وجود ندارد، فقط به مجمع ناشران اعلام می‌کنیم و به سرعت چند خبرنگاری و پایگاه خبری آن را نشر می‌دهند. این اتفاق در هیچ جای جبهه فرهنگی مشابه ندارد، حتی حلقه وصل هم چنین پشتیبانی رسانه‌ای انجام نداده است. البته حلقه وصل هم به اندازه وسع خود فعالیت می‌کند و طول می‌کشد تا به مرجع اخبار جبهه فرهنگی انقلاب تبدیل شود. حلقه وصل شاید بیش از اینکه به دنبال گزارش فعالیت‌های تشکیلاتی باشد، باید اولویت خود را ایجاد همگرایی و اجتماع قلوب قرار دهد تا همه را هم سو و یک دل کند.

از نظر شما و با در نظر گرفتن فعالیت‌های موسسه خیبر، چالش‌های آینده جامعه و فرهنگ ما چیست؟

با توجه به آنچه از بیانات مقام معظم رهبری برمی‌آید، در سال‌های آینده تقابل جبهه حق و باطل نزدیک‌تر و واضح‌تر و پرحادثه‌تر خواهد بود، حتی به درون محلات و خانواده‌ها هم راه خواهد یافت. هر چه قدر می‌توانیم باید در مقابل شیطان و یارانش، خودمان را قوی‌تر کنیم. حوزه فرهنگ یکی از دغدغه‌های اصلی مقام معظم رهبری است، حتی در نظر ایشان از اقتصاد و سیاست هم مهم‌تر است. باید در تعیین اولویت‌ها دقت کرد: عفاف و حجاب مسأله اصلی است ولی بسیاری از نیروهای جبهه انقلاب بر سر امور غیر اولویت‌دار هدر می‌رود، آن هم در شرایطی که منابع ما به شدت محدود است.

ریشه بسیاری از چالش‌ها و گرفتاری‌هایی که در فرهنگ و اجتماع امروز ایران پیش آمده، در رواج سبک زندگی غلط و رنگ باختن موضوع عفاف و حجاب است. با درک این موضوع، بسیاری از مجموعه‌های مردمی اصلی‌ترین وظیفه خود را کار در این حوزه تعریف کردند تا بتوانند با خشکاندن ریشه انحراف، جامعه را در مسیر درست هدایت کنند. موسسه خیبر کرج از جمله موسسات پیشرو در موضوع سبک زندگی و عفاف و حجاب است که در طول سال‌های فعالیت خود، فعالیت‌ها و تجربیات منحصر به فردی داشته است که در اولین سال نشریه حلقه وصل، با این موسسه گفت‌وگویی مفصل انجام دادیم. در صدمین شماره حلقه وصل هم مجدداً با حسن زمان وزیری، مدیر موسسه خیبر گفتگو کرده‌ایم تا فعالیت‌ها و خدمات موسسه را با نگاهی به کارویژه‌های حلقه وصل بررسی کنیم.

آیا حلقه وصل آن طور که از نامش برمی‌آید، در ایجاد اتصال بین موسسه خیبر به عنوان یکی از موسسات پیشرو با دیگر موسسات هم‌سو در سراسر کشور موفق بوده است؟

من شاید یکی از معدود افرادی بودم که از ابتدا با حلقه وصل همراه بوده‌ام و آن را دنبال کرده‌ام. حتی برخی شماره‌ها را به صورت ویژه در



حلقه یاران

مخاطبان و همکاران حلقه وصل از جمله بهترین کسانی هستند که می توانند از خوب و بد آن سخن بگویند. حلقه وصل به گوش است تا سخنان شما را بشنود!

ستاد تبلیغات جنگ فرهنگی را جدی تر بگیریم



مهدی خداجویان یکی از چهره‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است که در طول سال‌های فعالیت حلقه وصل، با آن در ارتباط بوده است. وی اکنون مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان جوانان هلال احمر است.



سال‌ها قبل که آگهی‌های بازرگانی تلویزیون مسئولیت تغییر ذائقه موسیقایی مردم را به دوش نمی‌کشیدند و مسابقه‌ها و شوها و بازارهای مکاره خوانندگی و شبه خوانندگی مد نشده بود، از یکی دو کانال موجود تلویزیون، گاهی روی تصاویر گل و بلبل و آبشار و رود و جنگل و دریا، موسیقی‌هایی پخش می‌شدند که بعضی‌هایشان در ذهن ما بچه‌های آن دوره و زمانه ماندگار شده‌اند. جدای از این‌که شاعر و نوازنده و البته خواننده آن اثرها چه کسانی بوده‌اند، این‌که مثلا قبل از پخش اخبار که جزء واجبات شبانگاهی به حساب می‌آمد، بشنوی کسی می‌خواند که «جان جهان دوش کجا بوده‌ای / نی غلطم در دل ما بوده‌ای» و بعد بگوید «آینه‌ای! رنگ تو عکس کسی است / تو ز همه رنگ جدا بوده‌ای» و بعدتر ادامه دهد که «رنگ رخ خوب تو آخر گواست (گواه است) / در حرم لطف خدا بوده‌ای»؛ یا دیگری راه به راه به مناسبت و بی مناسبت آواز سر دهد که «مردان خدا پرده پندار دریدند / یعنی همه جا غیر خدا یار ندیدند»؛ هر دست که دادند از آن دست گرفتند / هر نکته که گفتند همان نکته شنیدند» و در ادامه بخواند که «جمعی به در پیر خرابیات خراب‌اند / قومی به بر شیخ مناجات مریدند»... این همه گفتم تا به این تصنیف برسم که طرف می‌خواند «اندک اندک جمع مستان می‌رسند / اندک اندک می‌رسند؛ دلتوازان ناز نازان در رهند / گل عذاران از گلستان می‌رسند؛ اندک اندک زمین جهان هست و نیست / نیستان رفتند و هستان می‌رسند».

۲ قدیم‌الایام عدد ۱۰۰ برای خودش، شأن و مقام و مرتبه‌ای داشت، اسم و رسمی داشت. تعداد سال‌ها که از ۹۹ می‌گذشت اسم و رسمش خودی نشان می‌داد و نامش به قرن و سده تغییر پیدا می‌کرد. حالا اما همه چیز فرق کرده است. حتی چند سالی است که این عدد شریف، در ادبیات رایج رئیس‌ان دولت و جمهور هم وارد شده و جایگاهی پیدا کرده است!

اما برای اهالی تحریر و تولید مجلات، ماجرا متفاوت است. اگر اهل تولید هفته‌نامه باشید و عدد شماره‌های مجله‌تان به ۱۰۰ برسد یعنی حدود دو سال کار بی‌وقفه و بدون تعطیلی به ثمر نهشته و دوران خاک‌خوری گذشته است و در دکه روزنامه‌فروشی‌ها و استند کتاب‌فروشی‌ها خودی نشان می‌دهید و حتی می‌توانید روی تعداد مشترکان ثابت‌تان حساب کنید. اگر مجله‌تان از جنس ماه‌نامه باشد و به صدمین شماره برسید، با احتساب وقفه‌های ناگزیری که معمولا سر راه مطبوعات هست، احتمالا قریب ۱۰ سال از سن مجله می‌گذرد و حالا برای خودش سری در میان سرها درآورده و مخاطبانی ثابت و وفادار دارد، در میان هم‌رده‌هایش صاحب سبکی شده و در تولید و انتشار محتوا روش و منشی خاص خود پیدا کرده است. شاید بد هم نباشد که جشنی برای صدمین شماره بگیرید و مخاطبان‌تان را جزه باشگاه هواداران‌تان کنید... دور هم جمع شوید و خاطره‌بازی کنید و از تلخ و شیرین این سال‌ها بگویید و احتمالا به فکر راه‌اندازی انتشاراتی باشید که بعضی محتواهای تولیدی‌تان را ماندگارتر کند.

۳ حالا دیگر سال‌ها از شروع جریان شکل‌گیری جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی می‌گذرد. حرکتی که در لبیک‌گویی به فرمان فرمانده کل قوا شکل گرفت و پیش رفت و مانند هر جبهه و جنگی پیروزی‌هایی داشت و عدم‌الفتح و شکست‌هایی را هم تجربه کرد. کاری با این بخش ماجرا نداریم که آیا اصلا جبهه فرهنگی انقلاب شکل گرفته است یا خیر؟ کاری هم نداریم که چرا با وجود جریان جبهه فرهنگی انقلاب، فرمان‌آتش به اختیار صادر کردند و بعدتر هم راهکار شکل‌گیری حلقه‌های میانی را ارائه فرمودند. شاید بگویید که همه این رویکردهای استراتژیک امام انقلاب، در یک راستاست و اتفاقا وجود نیروهای آتش به اختیار فرهنگی و البته حلقه‌های میانی عرصه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، اسباب تقویت و تثبیت جبهه موجود فرهنگی انقلاب است. قبول! عرض شد که با این بخش ماجرا کاری نداریم و تنها اشارتی بود تا به این عرصه و عرصه برسیم که چه قائل به شرایط مطلوب فعلی باشیم و چه ناقد وضع موجود، چه اهل تشکیلات و ساختار سازمانی و بنیادی و قرارگاهی و کارگروهی و مجمعی باشیم و چه معتقد به جنگ‌های نامنظم و غیرکلاسیک؛ اهل هر نوع جهاد و جنگ مقابل دشمن که باشیم نیاز به ستاد تبلیغات جنگ داریم.

برای همه مجاهدان راه خدا که در جبهه فرهنگ



و در میدان فعالیت‌های اجتماعی قوت غالبشان خون دل و سرمایه‌شان اشک و سلاحشان دعا و ابزار دستشان در نبرد نابرابر فرهنگی و اجتماعی آبرویشان است، از نان شب واجب‌تر، اطلاعات و اخبار و تحلیل درست و دقیق و البته راهکاری برای انتقال تجربه به یکدیگر است.

ستاد تبلیغات در جنگ تبلیغاتی، در جنگ فرهنگی، در جنگ نرم، در جنگ شناختی، حلقه مفقود این روزهای مجاهدان راه خداست. چنان‌که اولین گام از طراحی نقشه عملیاتی شناخت صحنه است، آشنایی از یگان‌ها و ادوات جنگی خودی، پیش‌نیاز شناخت صحنه به حساب می‌آید. خبر داشتن از حال و احوال و شرایط عزیزانمان در صحنه نبرد فرهنگی چیزی نیست که بتوان به‌سادگی از آن گذشت. اگر یقین داریم که در میدان حق و باطل ایستاده‌ایم و اینان که در مقابلمان صف بسته‌اند دشمنان غدار و قداره‌بندانی هستند که طمع بر دین و آیین و نظام و انقلابمان دارند، باید ستاد تبلیغات جنگ را جدی‌تر بگیریم و با ستاد خبری فلان کاندیدای بهمان مسئولیت و ستاد اطلاع‌رسانی متداول رویدادهای بی‌ربط و با ربط اشتباه نگیریم.

۴ صدمین شماره مجله حلقه وصل فرصت مغتنمی برای بازتعریف حوزه عملیاتی رسانه جبهه فرهنگی انقلاب است که اگر امروز به این مهم توجه نشود، معلوم نیست فرصت دیگری برایش پیش بیاید. چه معتقد جبهه فرهنگی انقلاب موجود باشیم و چه منتقدش، وظیفه «جبهه‌سازی» باری بوده است که بیش از یک دهه از عمرش می‌گذرد و بزرگانگی در لبیک به فرمان امامان کمر بستند و به دوشش کشیدند. امروزه وظیفه «جبهه‌داری» بار سنگین‌تری است که بر زمین مانده و شاید اوجب

واجبات این روزهای اهالی جبهه فرهنگی انقلاب باشد. سرباز و سردار و افسر و فرمانده و هرچه که هستیم، وقتی ندانیم هم‌سنگر دیروز و امروزمان کجاست و چه می‌کند، وقتی خبر نداریم دوست و همراهمان هنوز سالم است یا تیر و ترکش‌ها امانش را بریده است، وقتی بی‌خبریم که هم دل و هم قسممان جانی برایش مانده که به لب رسیده باشد یا نه، با کدام یگان، با کدام گروهان و گردان دم از جبهه‌مان می‌زنیم؟

۵ حلقه وصل خیرگزاری نیست، بولتن نیست، خبرنامه نیست؛ حلقه وصل نخ تسیح است. یک تصنیف ماندگار است که هر شماره‌اش سازی کوک می‌کند و گاه می‌خواند که مردان خدای جهاد آخرازمانی دوران غیبت، پرده پندار دریدند و گاه ندا سر می‌دهد که اندک‌اندک جمع یاران خراسانی امام خامنه‌ای فرامی‌رسند و گاهی رنگ خوب رخسار سربازان و سرداران دفاع مقدس فرهنگی مان را وصف می‌کند و گاهی نیز ممکن است بخواند که «هر دل که ز عشق توست خالی / از حلقه وصل تو برون باد». چه زیبا خواهد بود اگر بیت‌الغزل تصنیف ماندگار حلقه وصل این باشد که «ربط دل من و دل تو ربط عاشقی است / اینجا سخن ز کهنتر و مهتر نمی‌رود». حلقه وصل صدای سید شهیدان اهل قلم است که بر تارک روایتگری انقلاب اسلامی ماندگار شده است. صدای ماندگار محمود کریمی علویچه است که با زیرصدای مارش پیروزی می‌گوید «شوندگان عزیز! توجه فرمایید! شوندگان عزیز! توجه فرمایید! خونین شهر، شهر خون، آزاد شد». حلقه وصل چهارراه لشکر نمازجمعه تهران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است. حلقه وصل دوره‌ی همه بچه‌های جبهه و جنگ عرصه فرهنگ و جامعه است. □

بادغدغه‌های مردم چه نسبتی داریم؟



اسماعیل نوروزی در سال‌های نخست انتشار حلقه وصل، به عنوان خبرنگار در آن فعالیت می‌کرد و مدت زمان زیادی در این رسانه ادامه فعالیت داشت. وی در حال حاضر از رسانه فاصله گرفته و در بازار آزاد مشغول فعالیت است، با این حال از دوران حضور در حلقه وصل به نیکی یاد می‌کند.



از این همه سال، چقدر به بهبود اوضاع مردم کمک کرده‌ایم؟ بزرگ‌ترین اشتباه آن است که جامعه‌ای چنددرصدی از بین همه مردم جدا کنیم و بخواییم با آنان در فضاهایی انتزاعی گفتگو کنیم!

راهیان نور بهشت بود!

من در نوروز ۹۴ به عنوان عضوی از مجموعه حلقه وصل، در اردوی راهیان نور شرکت کردم؛ این یکی از بهترین خاطرات من از حلقه وصل بود. دلم برای راهیان نور لک زده است! راهیان نور بهشت بود؛ بدون امکانات، در خوابگاهی ویرانه، کاری‌وقفه در اوج خستگی... کار با عشقی بود! آرزو دارم باز هم از این فضاها به وجود آید و آن را تجربه کنم! راهیان نور یکی از سرمایه‌های بزرگ ملت ایران بود که متأسفانه از آن محروم شد. خدا ملتی را که قادران نباشد، از داشته‌هایش محروم می‌کند. داستان هیأت‌ها و حسینیه‌ها و راهیان نور دقیقاً مثل هم است؛ چه کسی فکر می‌کرد روزی برسد بدون آنکه انقلابی رخ دهد، مساجد بسته شود یا جلسات روضه تعطیل شود؟ □



دغدغه‌های جامعه به مشکل برمی‌خورند و بی‌اثر می‌شوند.

امکان ندارد که از فرهنگ سخن بگوییم و درد‌های اصلی مردم را فراموش کنیم. درد امروز جامعه ما مسکن و اقتصاد است، باید ارزیابی کنیم که بعد

واقعا سخن گفتن از «حلقه وصل» دشوار است؛ از دوستان خوب مان در آن جا بگویم، از فضای ساده و سالم آنجا بگویم یا افراد خوش اخلاق و خیرخواه و خوش قلب و مومنی که در حلقه وصل با آن‌ها آشنا شدم؟

من آن زمان که متوجه شدم فعالیت‌هایم در این فضا با دغدغه‌های مردم نسبتی ندارد، از این حوزه کناره گرفتم. بعد از گذشت هفت سال از این جدایی، باز هم سوال من این است که حلقه وصل یا دیگر موسسات فرهنگی، با فضای جامعه چه نسبتی دارند؟ در اینجا اصلاً موضوع تغییر جامعه برایم مطرح نیست، سوالم این است که اصلاً این فعالیت‌ها، از اول در راستای نیازهای جامعه بوده است یا نه؟! اصلاً فعالان فرهنگی از گرفتاری‌های ملت خود آگاهی دارند؟ به دنبال باز کردن گره زندگی مردمند یا به همان فعالیت‌های پاره‌پاره و خیلی وقت‌ها، کم‌ثمر راضی‌اند؟

به نظر من نفوذ در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و پست گرفتن در آن، غایت بسیاری از فعالان فرهنگی شده است. این افراد معمولاً در کف جامعه، در برابر



آب و هوای تازه برای «حلقه وصل»

میثم رشیدی مهرآبادی از سال ۱۳۷۶ روزنامه‌نگاری را آغاز کرده و تاکنون در رسانه‌های مختلف مکتوب و تصویری به خبرنگاری مشغول بوده است. وی در اوایل دهه نود مدتی در تحریریه مجله حلقه وصل، مشغول به کار شد. او دوره فعالیت در حلقه وصل را یکی از شیرین‌ترین دوران کاری خود می‌داند. رشیدی حالا به عنوان خبرنگار حرفه‌ای حوزه کتاب و دفاع مقدس در میان اهالی رسانه شناخته می‌شود.

احصاست. حجم هر شماره از مجله، هر چقدر هم زیاد باشد، در یکی دو نشست، خوانده می‌شود و باید با هوشمندی، فاصله زمانی تا انتشار شماره بعد را برای مخاطب پُر کرد. مجلات غیرهمسو با انقلاب اسلامی که اتفاقاً در حرکت‌های فرهنگی با عمق بیشتری وارد ماجرا می‌شوند، ضمن استفاده از تجربیات سایر کشورها در حوزه مطبوعات، این فاصله را با کتاب‌ها پُر می‌کنند، یعنی با پیشنهاد و تبلیغ چند کتاب همسو با افکارشان، ضمن کمک به سیستم نشر این کتاب‌ها، مخاطبان‌شان را به همراهی با تفکر مورد اعتماد و مطالعه در آن محدوده ترغیب می‌کنند تا زمانی که شماره بعدی به دستشان برسد.

حلقه وصل در این عرصه و به رغم دست پر جبهه فرهنگی انقلاب در حوزه کتاب، کم‌کار بوده و هیچ‌گاه نتوانسته فاصله انتشار دو شماره‌اش را با چنین روندی برای مخاطبان‌ش پُر کند. این البته در سایر نشریات این جبهه نیز دیده شده و می‌شود. خلاصی که هنوز هم برای پرکردن آن، می‌توان دست به صید ماهی‌هایی زد که هر موقع از آب دربیایند، تازه هستند. «حلقه وصل» یک آب و هوای تازه، نیاز دارد... □

بی‌جهت خودش را درگیر مناسبات آلوده پخش و توزیع در کیوسک‌های مطبوعاتی نکرد، همان اتاقک‌های سفید و سبزی که بعضاً فروش انواع سیگار و مواد افیونی، برایشان مهم‌تر از فروش هر چیز دیگری است و روزنامه‌ها و مجلات، فقط پوششی هستند برای انجام انواع و اقسام کارهای دیگر!

حلقه وصل در این سال‌ها اما هوای مشترکانش را داشت. سعی کرد نظم انتشارش را با همه سختی‌ها حفظ کند و ارتباط شکل‌گرفته‌اش را به هر دلیلی مختل نکند. فضای همدلانه در تحریریه و امور اجرایی نشریه هم واقعیتی است که هفت هشت سال پیش، آن را از نزدیک، لمس کردم. چند ماهی در فضای محتوایی «حلقه وصل» تنفس کردم و از نزدیک دیدم که اگر چه تعدادمان اندک بود، اما همه دست به دست هم می‌دادند تا شماره جدید را بهتر از شماره قبلی عرضه کنند. از نکاتی که بارها آن را از دست‌اندرکاران حلقه وصل خواستیم، پیوند عمیق ماهنامه با کتاب بوده است، چه اینکه این تجربه در نشریات جبهه مقابل انقلاب و در نمونه‌های موفق انتشار مجلات فرهنگی و اجتماعی کشور به خوبی قابل

همواره وقتی دوستان درباره انجام کارهای فرهنگی یا پایه‌گذاری حرکت‌های اجتماعی نظرخواهی می‌کنند، تأکید اول و آخر روی استمرار است. آب پاکی را روی دستشان می‌ریزم که اگر قرار است یکی دو ماه و حتی یک دو سال بعد، بساط کارتان را جمع کنید و بروید، از همین الان بی‌خیال‌ش شوید... یا اگر قرار است با کوچک‌ترین سختی و نامالیمی آب و هوای فرهنگ، بچایید و بزیند زیر میز، به درد این کارها نمی‌خورید!

غرض اینکه کوچک‌ترین نهال‌های کاشته شده در زمین فرهنگ هم اگر مدت زیادی آب و نور بگیرند، بالاخره شاخه‌هایشان بارور می‌شوند، همان طور که درخت‌های قطور، وقتی آب و نورشان قطع شود، خیلی زود خشک و پژمرده می‌شوند.

مجله حلقه وصل با همه فراز و نشیب‌هایش در این ۱۰ سال، با همین نور و آب کم‌جان و کم‌رمقی که می‌رسید، دوام آورده و هنوز هم هر ماه، داخل کیسه‌های نایلونی می‌رود تا به دست مشترکان برسد و این، موفقیت کمی نیست. حلقه وصل خیلی زود فهمید که در کیوسک‌های مطبوعاتی نمی‌تواند با رقیبانش هم‌اوردی کند و بی‌خود و



حلقه وصل در امتداد زمان



معصومه رامهرمزی، پژوهشگر و نویسنده کتاب‌هایی مانند «یکشنبه آخر»، «راز درخت کاج»، «امدادگر کجایی؟» و «من میترا نیستم» است. وی مقالاتی نیز در رابطه با زندگی نامه نخبگان معاصر کشور به رشته تحریر درآورده است. رامهرمزی هم در نشریه حلقه وصل مصاحبه‌ها و یادداشت‌هایی منتشر و هم در سال‌های اولیه فعالیت پایگاه اینترنتی حلقه وصل به عنوان نویسنده، مجموعه مطالبی تولید کرد.



از مسائل فرهنگی و اثربخشی آن در زندگی سالم و خوشبختی جمعی سخن بگویم که خواننده در کنار ما قرار بگیرد و درد ما یکی شود. حذف کتاب از زندگی و غریبه شدن آدم‌ها با واژه‌ها و کلمات و اطلاعات، رابطه مستقیمی با شوربختی دارد. اگر این گونه نبود آخرین و کامل‌ترین پیامبر الهی کتاب و خواندن را به عنوان برترین معجزه به انسان‌ها هدیه نمی‌کرد.

در بیان مسائل فرهنگی سلیقه‌های شخصی را نادیده بگیریم و به مواردی بپردازیم که ورای برداشت و سلیقه شخصی، همه افراد درک نزدیک و روشنی از آن دارند. نظم و انضباط شخصی و گروهی چیزی بالاتر از هر سلیقه است. توجه به آزادی تفکر و قدرت انتخاب از امهات مباحث فرهنگی است. حریت و آزادی همیشه جوانمردی و بزرگی به دنبال دارد. دستور زبان فرهنگ، احترام به اندیشه مقابل و پرورش قدرت انتخاب دوستان و همراهان است.

چه زود آن روزگاران پر شور را از یاد بردیم و فراموش کردیم که همه آن مبارزات و فریادها برای تحول فرهنگی جامعه بود. انقلاب ما بیش از آنکه برای نان و نام باشد برای رسیدن به حیات طیبه و

سبک زندگی مسلمانی بود. ■

سال‌ها پیش با جوانانی آشنا شدم که مرایاد جوانی خودم در روزهای پیروزی انقلاب می‌انداختند. این حس را که من قادر هستم دنیا را تغییر بدهم و هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند مقابل من قرار بگیرد، در برق چشم‌هایشان می‌دیدم. با کمترین امکانات و مقدورات به دنبال هویت بخشیدن به فعالیت‌های فرهنگی بودند و همچنان هستند.

آن‌ها نام پر معنا و نغزی را برای مجموعه خودشان انتخاب کردند که جوهر واقعی و درونی فرهنگ و تمدن است. نبودن عنصر اتصال میان گروه‌های همسو و هم‌جهت در عرصه فرهنگ، مثال آب در هاون کوبیدن و فریاد برآوردن در بازار مسگران است؛ بی‌خاصیت و بی‌نتیجه و بی‌رهاورد، همان گونه که امیر مومنان علی (ع) متذکر شده است که «یدالله مع الجماعه».

حلقه وصل آمد تا هر حرکت فرهنگی را که در گوشه و کنار کشور رخ می‌دهد، شناسایی و معرفی کند. به جوانان خالص و صادقی که بی‌ادعا کار می‌کنند، در انتظار دیده شدن نیستند و تمنای سیاسی و تکریم ندارند، فرصتی دهد که بگویند چرا و چگونه در این آشفته بازار نان و نام، به فکر فرهنگ و تربیت جامعه هستند و بهای این مجاهدت‌های بی‌اجرت و مزدشان چیست.

بدون تعارف می‌گویم که در سال شروع به کار حلقه وصل، به ادامه این حرکت امیدوار نبودم و تصور این بود که به دلیل بی‌اعتنایی اجتماعی به فعالیت‌های فرهنگی، این مجموعه مستقل که به صورت رسمی به نهاد و سازمان و گروه خاصی وابستگی ندارد، خیلی دوام نمی‌آورد و بعد از یکی دو سال، سرخورده و خسته راهش را می‌گیرد و می‌رود پی کارش.

اما این اتفاق نیفتاد. در این سال‌ها هر بار سایت حلقه وصل را جستجو می‌کردم، در نهایت خوشحالی می‌دیدم مقالات و جستارهایی در نقد و تحلیل فضای فرهنگی کشور به اشتراک گذاشته شده که در نوع خود ارزشمند است. تحلیل‌هایی از نویسندگان جوان حلقه می‌خواندم که نشان‌دهنده جسارت آن‌ها در توصیف شرایط فرهنگی است و بزرگ‌تر از آن‌ها، در نشریات و سایت‌های معتبر، یا از بیانش می‌گذرند و صدایش را در نمی‌آورند یا با احتیاط و سرپیسته به آن اشاره می‌کنند.

به نظر می‌رسد موفقیت مجموعه حلقه وصل که از جنس آهسته و پیوسته بودن یک فعالیت فرهنگی است، مرهون اعتماد به جوان‌هایی است که با قوت فکری و علمی پای این هدف ایستاده‌اند.

ضمن سپاس از مجموعه حلقه وصل و آرزوی سربلندی آن، بهتر می‌دانم که به چند موضوع مهم اشاره‌ای داشته باشم: اگر به دنبال اثرگذاری با شعاع بیشتری هستیم باید مسئله خودمان را مسئله خوانندگان کنیم. آن‌قدر روشن و مستدل





حلقه وصل در زمینی بکر و دست نخورده

حسین امیدیان دبیر جبهه فرهنگی استان البرز است. وی پیش از این در حلقه وصل یادداشت‌هایی نوشته که فعالیت تشکیلاتی و وضعیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، از جمله موضوعات آن بوده است.



را با آنان در میان بگذارند و محتوا طلب کنند. این ارتباط دو سویه خواهد توانست رشدی روزافزون در حلقه وصل ایجاد کند. برای چنین کاری باید از رسانه‌های ملی بیشتر استفاده کرد. تلویزیون با در اختیار داشتن شبکه افق یا رادیو و دیگر رسانه‌هایی که مخاطبان را در سطح ملی پوشش می‌دهند، باید مجموعه حلقه وصل را بیشتر معرفی کنند. رسانه هر چقدر تعاملی‌تر شود، پایدارتر و گسترده‌تر می‌شود.

راه‌های ارتباط مخاطبان با حلقه وصل هم باید به‌روزر و ساده‌تر شود. چه بسا طراحی یک برنامه کاربردی از سوی حلقه وصل، بتواند راهی آسان برای این ارتباط فراهم آورد.

به علاوه در عملیات محله محوری که در مجموعه جبهه فرهنگی جریان دارد، بهتر است نقشی برای حلقه وصل در نظر گرفته شود، زیرا در میدان محلات هم تجربیات فرهنگی خوبی وجود دارد که اشتراک‌گذاری آن لازم است.

اخبار پر مخاطب

حلقه وصل مخاطبان گوناگونی دارد که متناسب با آنان، مطالبش را در پرونده‌های مختلف عرضه می‌کند. اما آنچه شاید بیشتر از سوی فعالان فرهنگی دنبال شود، اخبار جبهه فرهنگی است. اخبار هم از این نظر که الگوها و رویدادهای برتر را معرفی می‌کند و هم از این نظر که فعالان فرهنگی سراسر کشور را به صورتی موجز به یکدیگر می‌شناساند، جایگاه ویژه‌ای دارد. من شخصا سرمقاله‌های حلقه وصل را هم همیشه مطالعه می‌کنم، زیرا به نوعی خلاصه‌ای از مطالبی است که در نشریه طرح شده است.

ماموریت نوشتن

من به میزان نفوذ حلقه وصل در بین فعالان فرهنگی استان البرز، که محل فعالیت بنده است، از ۱۰۰، ۴۰ می‌دهم. اگر چه شاید این نمره در نگاه اول ضعیف باشد، ولی به نسبت کارویژه نشریه قابل توجه است. برای بالا بردن نفوذ در بین فعالان فرهنگی و بالا بردن این نمره، باید در هر استان تعدادی از فعالان فرهنگی شناسایی شوند و به قلم آنان ماموریت داده شود؛ هر کدام در موضوعی «موظف به نوشتن مطلب شوند و در فرایندی رفت و برگشتی حاصل افکار و قلم خود را ببینند. بدین ترتیب به خواندن مجله مقید خواهند شد و آن را دنبال خواهند کرد.»

از بین فعالان فرهنگی، افراد بسیاری هر ماه با ما تماس می‌گیرند و پیگیر انتشار حلقه وصل هستند. از آنجا که سعی حلقه وصل بر کاربردی بودن مطالب متمرکز است، مخاطبان نیز ارتباط خوبی با آن برقرار کرده‌اند. البته مطالب محتوایی حلقه وصل هم قابل توجه است، ضمن اینکه در موضوعات مناسبی، رویدادها و خبرها هم پوشش قابل قبولی دارد. بنابراین شاید درست این باشد که حلقه وصل را نشریه‌ای کاربردی - نظری اطلاق کنیم.

حیطه‌ای که حلقه وصل در آن قدم گذاشته، زمینی بکر و دست‌نخورده است و نمی‌توان مشابهی برای آن یافت. خصوصا اینکه پرداختن حلقه وصل به هر دو بعد نظری و کاربردی، متعادل و به‌جاست، نه موضوعات علمی و نظری لطمه‌ای به مباحث کاربردی وارد می‌کند و نه از آن صدمه‌ای می‌بیند.

شناخته‌شده‌تر از آن چه فکر می‌کنیم

امروزه رسانه‌های چاپی و مکتوب، در مهجوریت به سر می‌برند. در جهان امروز فضای مجازی تا حدود زیادی زمان مخاطبان را برای خود کرده است و نیاز آنان به اخبار و اطلاعات را برطرف می‌کند. با این وجود گاهی رویدادهایی رخ می‌دهد که نشان می‌دهد نشریه‌ای همچون حلقه وصل چه نفوذ بالایی دارد؛ یک باریکی از مشاوران استاندار برای موضوعی با من تماس گرفت و مرا به گفت‌وگو دعوت کرد. بعد از اینکه جويا شدم چه کسی بنده را به وی معرفی کرده است، گفت مطالب شما را در حلقه وصل خوانده‌ام! البته چنین رویدادهایی به معنی مطلوبیت اوضاع نیست و به واقع باید تلاش بیشتری به خرج داد.

ارتباط باید دو طرفه باشد

جبهه فرهنگی معمولا در تولید محتوا، بسیار قوی است ولی در توزیع و انتشار آن، لنگ می‌زند. حلقه وصل هم تا حدودی به این نقیصه مبتلاست، هر چند با فعالیت جبهه فرهنگی در استان‌های مختلف، این آسیب نسبت به گذشته کاهش یافته است. تمام تلاش ما این است که همه نسخه‌های مجله را به دست مخاطبان برسانیم، ولی باز هم باید بیش از این کار کرد تا دایره مخاطبان بیش از پیش گسترش یابد و استفاده آنان از محتوای حلقه وصل، بیشتر شود. ارتباط حلقه وصل با مخاطبان، باید دوسویه باشد؛ همان‌طور که حلقه وصل محتوا تولید می‌کند و به مخاطب می‌رساند، مخاطبان هم باید دغدغه‌های خود



محل رجوع و دلگرمی فعالان فرهنگی



حمیدرضا صدقاتی در حال حاضر دانشجوی دکترای مدیریت صنعتی است. وی در سال‌های ۹۷ و ۹۸، نزدیک به ۱۵ ماه به عنوان مسئول ارتباط با مشتریان حلقه وصل فعالیت داشته است.



بهترین حمایتی که خوانندگان و مخاطبان حلقه وصل می‌توانند داشته باشند، در میان گذاشتن دغدغه‌های فرهنگی با نشریه و ارسال نظرات و پیشنهادها برای کامل تر شدن آن است. با شناختی که از حلقه وصل دارم، اگر یک فعال یا مجموعه فرهنگی موضوع و دغدغه‌ای را برای طرح در حلقه وصل پیشنهاد کند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت امکان روی آن کار خواهد شد. □

تشکیل دهد. البته همیشه جا برای پیشرفت وجود دارد و یقیناً با پوشش بهتر فعالیت‌های فرهنگی و جذاب‌تر شدن نشریه، شناخت و تاثیرگذاری و کارآمدی آن بیشتر خواهد شد. به نظر من یکی از نقاط قوت حلقه وصل شنیدن نظرات، انتقادها و پیشنهادها گوناگون و تلاش برای به کار بستن آن است. از این رو

من در مدتی که در نشریه حلقه وصل فعالیت داشتم، این مجموعه را محل رجوع و دلگرمی بسیاری از فعالان فرهنگی یافتم. در سراسر کشور شمار فراوانی از فعالان فرهنگی منتظرند تا نشریه به دست آنان برسد و از مطالب و پرونده‌های آن استفاده کنند. این اتفاق هم بیشتر به خاطر مدیریت درست مجموعه است که توانسته با افراد توانمند ارتباط برقرار کند و جامعه هدفی نمونه

است... و آن افراد که جمع‌شان، خود به یک نماد تبدیل شده است، تحریریه خوب نشریه «حلقه وصل» هستند.

حلقه وصل، از معدود نشریاتی است که فلسفه وجودی‌اش را از یاد نبرده و می‌داند که مخاطبش کیست و کجاست و برای تولید محتوا باید سراغ چه موضوعاتی برود... و همین، شاید همان ریسمانی باشد که آن را از افتادن در منجلاب روزمرگی حفظ کرده است. حلقه وصل، ابتدا و انتها ندارد، سطح یک و دو ندارد، سلسله مراتب ندارد، جایگاه ویژه ندارد، تفکیک نیروهای فکری و اجرایی ندارد، بلکه به‌سان نخ تسبیحی که همه مهره‌هایش را به هم متصل کرده باشد، همه فعالان فرهنگی را بر محور آرمان‌های انقلاب اسلامی به یکدیگر مرتبط و متصل کرده است.

بی‌شک یکی از ویژگی‌های مهم نشریه حلقه وصل، استمرار آن است که «استمرار» در این دوره عسرت، دزّ گران‌بهایی است که نه تنها کمیاب شده بلکه از ارزش و اهمیت آن نیز کاسته شده است. چه بسا فعالیت‌هایی خوب و موثری که شکل گرفت، با شور و هیجان و امیدآفرینی ادامه یافت، اما متولیان آن پس از چندی، دل در گرو موضوع دیگری دادند و فعالیت تازه‌شان گرفته تثبیت نشده را بی‌فروغ و بی‌جان، گوشه‌ای رها کردند و غصه‌ای بر غصه‌های دیگر افزودند. اما حلقه وصل ماند، صبوری کرد و ۹ سال دوام آورد و این دوام آوردن و استمرار، بسیار ارزشمندتر از آن است که در وصف بگنجد. امیدوارم این نشریه در تحقق رسالتی که بر خود فرض گرفته است، بیش از پیش بدرخشد و ۵۰ سالگی‌اش را جشن بگیریم! □



حلقه وصل و درّ گران‌بهایی که کمیاب است



سعید مکرمی، کار فرهنگی را با روزنامه‌نگاری و فعالیت مطبوعاتی آغاز کرده است و بعدها سراغ نشر و توزیع و فروش کتاب رفته است. او حالا مدیر گروه فرهنگی «اسم» است و در زمینه نشر کتاب‌های داستانی و علوم انسانی فعالیت می‌کند علاوه بر این فروشگاه عظیم «اسم» یکی از معتبرترین فروشگاه‌های کتاب چیهه فرهنگی انقلاب اسلامی در خیابان انقلاب تهران است.



۹ سال است افرادی هستند که حال فعالان فرهنگی را می‌پرسند؛ نه این که دیگران نمی‌پرسند، ولی آن‌ها چشم‌داشتی ندارند و قرار نیست به بالادستی‌ها گزارش عملکردی ارائه دهند، بلکه غرض‌شان، پیگیری احوال خود کسی است که در شهر و محله خود مشغول فعالیت است و سنگری را حفظ کرده

نقطه وصل



مصطفی رزاقی دانش‌آموخته مدیریت رسانه دانشگاه تهران است و در حوزه خدمات اجتماعی فعالیت می‌کند. وی در سال ۹۳ همزمان با آغاز فعالیت پایگاه اینترنتی حلقه وصل به مجموعه وارد شد. رزاقی مواجهه با نشریه حلقه وصل در پیشخوان کتابفروشی‌ها و میز پذیرش موسسات جبهه فرهنگی را سرآغاز آشنایی خود با این مجموعه عنوان می‌کند.



هرآنکه جانب اهل وفا ننگه دارد
خداش در همه حال از بلانگه دارد

حافظ

اولین مواجهه و حضور ما و دوستانمان در «حلقه وصل» زمانی بود که تصمیمی بزرگ گرفته شده بود و قرار بر شروع به کار پایگاه خبری، در کنار نشریه با حضور یک گروه تازه نفس بود. طبیعتاً پایگاه خبری بخش‌های مختلفی داشت و باید هر روز، به روز می‌شد. چالش جدی ما تولید محتوایی بود که حداقل هم سطح نشریه باشد، نشریه‌ای که بعد از چند سال فعالیت، جای خود را بین مخاطبان پیدا کرده بود. از آن روزها شش سال می‌گذرد و من چند شغل دیگر را در کنار روزنامه‌نگاری انجام داده‌ام که اتفاقاً به فعالیت گروه‌ها و ظرفیت‌های مردمی، بی‌ربط نبوده است، ولی همیشه به یاد دارم که گرچه حضور در حلقه وصل کوتاه بود، اما نقطه اتصال و آشنایی من با این ظرفیت عظیم بود. به عقیده من مهم‌ترین راهبرد حلقه وصل در یک جمله، شناخت «سرمایه اجتماعی» موجود و حفظ آن است و امیدوارم از این سرمایه قدردانی شود و تلاش‌های بیشتری برای گسترش و تعمیق آن صورت گیرد. □



خودانتقادی متعهدانه، کارویژه دهه دوم حلقه وصل

محمد مرشد از حدود ۱۰ سال پیش در عرصه خبر و رسانه فعالیت داشته است. وی به فعالیت در حوزه مقاومت و پایداری علاقمند است. مرشد از سال ۹۴ با تحریریه حلقه وصل همراه شد و تاکنون با این مجموعه همراه بوده است.



خبر رسیدن نشریه حلقه وصل به یکصدمین شماره، خبر خیلی خوبی است، حتی برای من که تنها مدتی توفیق حضور در تحریریه این نشریه را داشته‌ام و سال‌هاست به عنوان مخاطب، آن را دنبال می‌کنم. به دور از تعارفات مرسوم، به واقع باید به مدیرمسئول و نیروهای خوب نشریه تبریک گفت که توانسته‌اند در این سال‌ها، انواع تلاطمات مالی و سیاسی و مدیریتی را از سر بگذرانند و چراغ یک رسانه متعهد و انقلابی را این طور روشن نگاه دارند. خداقوت و دست‌مریزاد!

از جهتی هنر مدیریت خوب و رسیدن به جایگاه فعلی، توقعات را از دست‌اندرکاران این نشریه بالاتر می‌برد. امیدوارم یکصدمین شماره، نقطه عطف مهمی در مسیر این نشریه به شمار آید و حلقه وصل بتواند جای خالی همه نشریات فکری- فرهنگی را که فقدان‌شان به شدت محسوس است، پر کند.

در حال حاضر عرصه‌های زیادی در جامعه و رسانه مورد غفلت واقع شده است، عرصه‌هایی که باید مدبرانه و هنرمندانه، گروه‌های خودجوش و مردمی انقلابی را به سمت آن‌ها سوق داد. امروز در مقطعی به سر می‌بریم که مدیریت کلان فرهنگ و رسانه کشور بیش از هر زمانی به سوی یکپارچگی حرکت کرده است و بیش از گذشته به خودانتقادی برخاسته از تعهد و تعقل احساس نیاز دارد، وظیفه‌ای که می‌توان در دهه دوم فعالیت حلقه وصل به عنوان کارویژه آن در نظر گرفت. □



مردمی ترین نشریه فرهنگی



مرتضی باجلان چند سالی با مجموعه حلقه وصل همراه بود. اصلی ترین زمینه فعالیت وی در پایگاه اینترنتی حلقه وصل بود.

ایده‌ها و نوآوری‌های فرهنگی خود با دیگر فعالان این حوزه هستند تا هم‌افزایی و رشدی همه‌جانبه شکل گیرد.

در نهایت وجه تمایز «حلقه وصل» با ده‌ها خیرگزاری و سایت خبری و روزنامه و نشریه دولتی و غیردولتی که در پی جذب مخاطب بیشتر و اصطلاحاً «کلیک خوردن» هستند، به پوشش فعالیت‌هایی بر می‌گردد که کمتر رسانه‌ای به آن می‌پردازد. حلقه وصل قصد دارد از این طریق، در جهت نشر هر چه بیشتر ایده‌های فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی قدم بردارد.

به نظر من راز ماندگاری و محبوبیت حلقه وصل، انتشار اخبار و گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های مردمی است و به یاری خداوند، تا زمانی که با همین کیفیت در این مسیر قدم بردارد، به عنوان مردمی‌ترین نشریه حوزه فرهنگی شناخته خواهد شد. □

آن اوایل که به نشریه و پایگاه خبری تحلیلی حلقه وصل وارد شده بودم، به خاطر آشنا نبودن با کارکرد اصلی فعالیت این مجموعه، اهمیت و جایگاه آن را درک نمی‌کردم. اما به تدریج، حسن تسمیه این مجموعه برایم آشکارتر شد و نیک دانستم که فعالان فرهنگی بزرگ و کوچک، خصوصاً در شهرستان‌ها و به ویژه در شهرهای کوچک، چشم امیدشان برای پوشش فعالیت‌هایشان، به حلقه وصل است.

بسیاری از فعالان فرهنگی در شهرهای کوچک و روستاها، نه با بودجه‌های دولتی، بلکه با وجوهی که با کمک خیران یا از جیب شخصی تأمین می‌کنند، کارهای فرهنگی درخور و قابل توجهی به اجرا درمی‌آورند، ولی حتی یک بار در رسانه‌ها

نامی از آن‌ها برده نمی‌شود. بسیاری از همین مجموعه‌ها پس از برپایی مراسم مختلف و اجرای برنامه‌های فرهنگی، تصاویر و گزارش‌های آن را به صورت کاملاً خودجوش به حلقه وصل ارسال می‌کنند تا شاهد پوشش خبری آن باشند. چه بسا فعالان فرهنگی که هر روز صفحه استان‌های حلقه وصل را رصد می‌کنند تا با مشاهده اخبار فعالیت‌های خود دلگرم شوند. البته نه آنکه علاقه این فعالان به رسانه‌ای شدن فعالیت‌های فرهنگی‌شان در حلقه وصل از باب خودنمایی باشد، بلکه هدف اصلی آنان این است که نشان دهند بدون اختصاص بودجه‌های دولتی، فعالیت‌های ارزشمند در جنگ نرم میسر است؛ به علاوه آنان در پی اطمینان یافتن از اشتراک



متفاوت ترین گفت‌وگوها

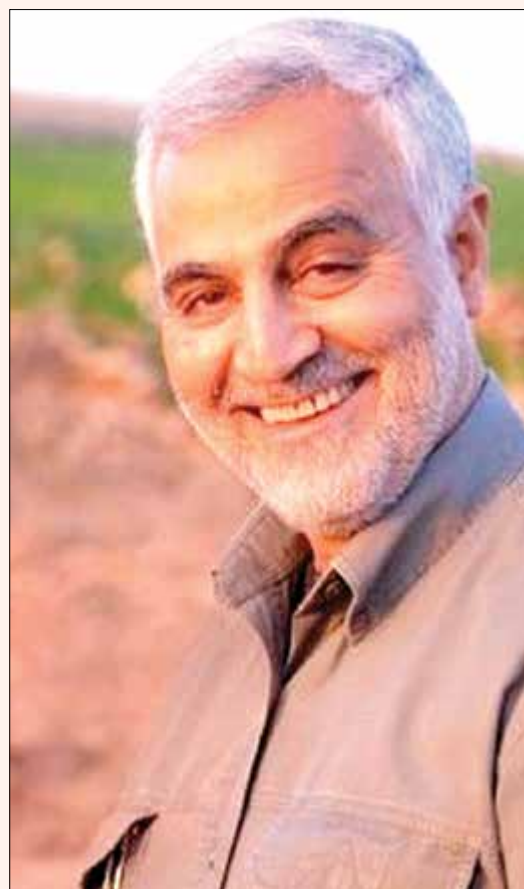


زهرا سلمانی از سال ۹۲ با حلقه وصل همراه بوده و زحمت پیاده‌سازی صوت گفت‌وگوهای نشریه را به عهده داشته است. سلمانی گنجینه همه رازهای صوتی و گفت‌وگوهای خاص نشریه است که تنها بخشی از آن بر تن کاغذی نشریه می‌نشیند و الباقی زیر تیغ ویراستار، محو می‌شود.



هشت سالی است که با حلقه وصل همراهم، از بین مصاحبه‌ها، در این سال‌ها، در بین تمام گفت‌وگوهایی که پیاده کردن آن به من محول شده است، مصاحبه‌هایی که درباره سردار سلیمانی بود، برایم جذابیت دیگری داشت.

یادم می‌آید به بهانه نخستین سالگرد شهادت سردار سلیمانی مصاحبه‌ای را می‌شنیدم. مصاحبه‌کننده از یکی از برادران لشکر فاطمیون خواست رفتار حاج قاسم با آواره‌ها را توضیح دهد. برادر افغانستانی نفس عمیقی کشید و گفت: «ما افغانستانی‌ها همان آواره‌هایی هستیم که حاج قاسم گرد مظلومیت را از چهره‌مان زدود. ما همان آوارگانی هستیم که کسی در مترو کنارمان نمی‌نشیند، کسی با ما هم سفره نمی‌شود و... ما نامهربانی‌های زیادی دیده‌ایم، اما حاج قاسم با مهربانی‌اش از همان نگاه اول، نگذاشت هیچ‌گاه در کنارش احساس آوارگی کنیم. رفتار حاج قاسم با آوارگان سوری و افغانستانی سراسر مهر و محبت بود.» احساسی که در این چند جمله بود، تأثیر زیادی بر من گذاشت و آن را در ذهنم جاودانه کرد. □





توقع من از حلقه وصل: روشنگری با افق دید گسترده‌تر

یوسف یوسفی همکاری خود با حلقه وصل را در سال ۹۵ آغاز کرد. وی پس از چند ماه، مدتی از حلقه وصل فاصله گرفت، ولی پس از مدتی همکاری خود با مجموعه را از سر گرفت.



رسانه انقلابی باید مردمی باشد

اگر قرار باشد رسانه‌ای برچسب انقلابی بودن داشته باشد، رکن اساسی اش، حفظ وجهه مردمی آن است. البته این نوشته به دنبال احصای شاخص‌ها و معیارهای انقلابی بودن رسانه‌ها نیست، اما به هرحال «حلقه وصل» در اصولی نانوشته، خود را در قاب جمهوری اسلامی بازتعریف می‌کند. به همین دلیل هم باید دید آیا به ارکان اساسی این مدعا توجه کرده است یا خیر.

به نظر من کمیت نشریه حلقه وصل در وجه مردمی بودن لنگ می‌زند. اگر هم مدعی فعالیت با دید نخبگانی در جمعی فرهنگی، به عنوان جامعه مخاطب هدف باشد، بازهم نتوانسته است به این امر حتی نزدیک شود. حلقه وصل به دور از تعارفات، در میان جمع‌های فرهنگی انقلاب اسلامی حرکت اندیشه‌ای یا پویایی فکری ایجاد نکرده است، لاف‌از نگاه من و حداقل تا زمان حال. تیغ نقد به انضمام نگاه آسیب‌شناسانه و قبول آن چه هست، می‌تواند راهگشای ما در مسیر نیل به مقصود باشد. قبول ضعف‌ها اولین پله حرکت به سمت بهبود است...

می‌شود؛ نتوانسته‌ایم!

«حلقه وصل» برخلاف اسم خود هنوز نتوانسته در بین فعالان فرهنگی سلسله‌ای ایجاد کند و نخ تسبیچی برای فعالیت‌های جزیره‌ای آنان باشد. به نظر من اولاً

امکان چنین پدیده‌ای وجود دارد، ثانیاً یک نشریه قاعدتاً می‌تواند چنین حرکتی را آغاز کند، فارغ از عرف امور سیاسی و حکومتی و با تاکید بر پشتوانه‌ای مردمی. مجله حلقه وصل در حجاب مصلحت‌اندیشی، گرفتار برخی ملاحظات شده است، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که بتواند خود را به دغدغه‌های مردمی نزدیک کند. شاید «حالت خنثی» عبارت خوبی برای تعریف وضع موجود حلقه وصل باشد؛ عبارتی که در شرایط کنونی فرهنگی کشور، «غمگین‌کننده» است و نمی‌توان بوی بهبود از اوضاع آن شنید! علاوه بر آنچه برای شروع روند اصلاح گفته شد، پذیرش افکاری غیر از آنچه ما در پی آن هستیم، مقوم حرکت ما خواهد بود. این اتفاق، مسیر ما را روشن‌تر و هدف ما را شفاف‌تر خواهد کرد. آنچه از حلقه وصل انتظار می‌رود، حرکتی روشن‌گر در موضوعاتی با افق دید گسترده‌تر است؛ حرکتی که بتواند پوسته مصلحت‌اندیشی را کنار زند و مسیر را به سمت نگاهی نقادانه‌تر پیش ببرد.

این عبارات و مشابه این عبارات البته نباید باعث از بین رفتن انگیزه‌ها و غلبه یأس باشد، بلکه باید نقطه عزیمتی برای تفکر بیشتر جهت روشن‌تر شدن مسیر و همچنین قوت و استحکام گام برداشتن در این مسیر باشد. حلقه وصل شروع خوبی برای ایجاد همبستگی در فعالیت‌های فرهنگی و هم‌پیمانی فعالان عرصه فرهنگ است. افق روشن پیش رو، نوید روزهای پر کار و امیدوارانه می‌دهد. □



حلقه وصل در آموزش فعالان فرهنگی قوی‌تر کار کند

نخستین ارتباط بنده با حلقه وصل در جریان همایش اصحاب عشق شکل گرفت که در مجتمع یاوران حضرت مهدی (عج) جمکران برگزار شد. این برنامه چند روزه با حضور فعالان فرهنگی کل کشور به اجرا درآمد و پوشش خبری آن به عهده بنده و چند نفر دیگر از دوستان بود. بعد از آن هم برای پوشش خبری برنامه‌های مشابه با حلقه وصل همکاری‌هایی داشتیم. از قضا در یکی از همین گزارش‌ها که درباره توزیع کتاب در انتشاراتی‌ها و کتابفروشی‌های سطح شهر قم بود، تصاویر ارسالی به اشتباه مورد استفاده قرار گرفت و گلابه‌هایی را به سوی بنده روانه کرد. ولی با تعاملی که با حلقه وصل داشتیم، خوشبختانه قضیه خیلی زود جمع شد!

جواد فرج نژاد از حدود شش سال پیش با حلقه وصل ارتباط پیدا کرد. فرج نژاد در طول این مدت با ارسال گزارش و خبر از فعالیت‌های فرهنگی شهر قم، حلقه وصل را یاری رسانده است.



عامل استمرار حلقه وصل چیست؟



حمید محمودی یکی از یاران قدیمی حلقه وصل است. وی از سال ۹۳ به حلقه وصل آمده و هنوز به عنوان مسئول به روزرسانی محتوای حلقه وصل در فضای مجازی مشغول فعالیت است. البته محمودی به فراخور در شماره‌های مختلف نشریه هم حضور داشته است. وی در این یادداشت شفاهی به بیان چند رویداد اثرگذار در تاریخ حلقه وصل پرداخته است.



اردوهای راهیان نور، فروش نشریه جریان داشت. در انتها هم بسته‌های نشریه بین برخی اتوبوس‌ها که از نقاط مختلف کشور آمده بودند، توزیع شد تا آشنایی آنان با حلقه وصل بیشتر شود. یک تقویم چهار برگی با تصویر نشریات هم چاپ کرده بودیم که به عنوان هدیه به افراد منتخب اهدا می‌شد. حلقه وصل فقط همان یک بار در این اردوها شرکت کرد و بازخوردهای مثبتی از آن گرفت. در آن دوره یک مسابقه خاطره‌نویسی هم برگزار و حدود دو هزار خاطره از شرکت‌کنندگان دریافت شد. واقعا این تعداد شرکت‌کننده برای چنین مسابقه‌ای چشم‌گیر بود. همه خاطراتی که دریافت شده بود داوری شد و در نهایت از هفت خاطره برگزیده تقدیر به عمل آمد.

مدیر نمونه!

من پیش از پیوستن به حلقه وصل، تجربه فعالیت در مجموعه‌های دیگر را داشته‌ام و به جرأت می‌توانم بگویم که تعاملات داخل مجموعه بی‌نظیر است. در بسیاری مجموعه‌ها ممکن است مدیر به دنبال بهانه‌گیری از کارمندان باشد، حتی در پرداخت حقوق سستی به خرج دهد، ولی این موارد هرگز در حلقه وصل رخ ن داده است. در حلقه وصل، مدیر مجموعه درک درستی از شرایط کارمندان دارد و به سختی‌های کار آگاه است، بنابراین اگر بخواهم بزرگ‌ترین نقطه قوت و عامل دوام و استمرار حلقه وصل را بیان کنم، بدون شک باید از شیوه مدیریت آن نام ببرم! □

محل قرارگیری آن، استقبال خوبی از غرفه به عمل آمد و اکثر چهره‌هایی که از نمایشگاه مطبوعات دیدن کردند، به غرفه حلقه وصل هم سری زدند. به عقیده من نمایشگاه آن سال به شناخته شدن حلقه وصل به فعالان فرهنگی و مطبوعاتی کمک خوبی کرد.

البته آماده‌سازی غرفه واقعا پر زحمت بود. مسئولان برگزاری نمایشگاه به همه شرکت‌کنندگان اعلام کرده بودند تا قبل از گشایش نمایشگاه، همه کارهای مربوط به غرفه‌آرایی باید به اتمام برسد. به همین خاطر مجبور شدیم تا بعد از نیمه‌شب، در آن هوای سرد، بمانیم و کارهای غرفه را انجام دهیم.

نمایشگاه بیست و دوم؛ جذب چهره‌ها

در نمایشگاه بیست و دوم که سال ۹۶ برگزار شد، حلقه وصل روی جذب چهره‌ها تمرکز کرده بود. روال کار به این شکل بود که هر کدام از چهره‌ها در غرفه حضور پیدا می‌کردند و با آنان گفت‌وگویی چند دقیقه‌ای ضبط و در شبکه‌های مجازی منتشر می‌شد. بسیاری از چهره‌ها، از نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی تا اساتید دانشگاه و نظریه‌پردازان جبهه فرهنگی در طول برگزاری نمایشگاه مطبوعات در غرفه حضور پیدا کردند و درباره حلقه وصل سخن گفتند.

تجربه موفق راهیان نور

شرکت در راهیان نور هم تجربه خوبی بود. از دهم اسفند ماه ۹۳ تا پایان نوروز ۹۴ حلقه وصل در چند یادمان نمایشگاه بر پا کرد. در طول برگزاری

یکی از رویدادهای تاثیرگذاری که در طول مدت فعالیت حلقه وصل رخ داد، شرکت در سه دوره نمایشگاه مطبوعات بود؛ دوره‌های بیست و یکم تا بیست و سوم که سال‌های ۹۳، ۹۵ و ۹۶ برگزار شد.

سوژه عکاسان

از اتفاقات جالبی که در نمایشگاه بیست و یکم رخ داد، عکسی بود که یکی از عکاسان از غرفه گرفت و توجه رسانه‌ها را هم به خود جلب کرد؛ آن سال برخی شماره‌های نشریه را با نغز آویخته بودیم. یکی از عکاسان در حالی که روی صندلی نشسته بودم، عکسی از من گرفت که در آن تمام سرم با یکی از نشریات پوشانده شده بود. بعدها این تصویر در رسانه‌های مختلف بازنشر داده شد.

سال ۹۵ یک غرفه بزرگ ۲۴ متری به حلقه وصل اختصاص پیدا کرده بود که برای ایده‌پردازی و اجرای چیدمان و غرفه‌آرایی، وقت زیادی صرف شد. یکی از کارهایی که انجام شد، استفاده از اقلام مرتبط با نام پرونده‌های نشریه بود، مثلا برای پرونده آینه یک آینه و برای پرونده حلقه اول یک فانوس در غرفه قرار داده بودیم. داخل غرفه با استفاده از نشریات، محلی شبیه سنگر ایجاد کرده بودیم تا فعالیت نشریه در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به خوبی تداعی شود. اطراف غرفه هم با گلدان شمع‌دانی تزئین شد که در نوع خود جالب و جدید بود. همین موضوع هم سبب شد بسیاری از عکاسان به غرفه حلقه وصل جذب شوند و آن را سوژه عکس‌های خود قرار دهند. هم به خاطر نوع چیدمان غرفه و هم به خاطر

> ادامه از صفحه قبل

یک سال هم به بهانه محرم و صفر، حلقه وصل به معرفی هیأت‌های کوچک و موفق مشغول شد که کار بسیار زیبایی بود. چند شماره هم به شخصیت‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اختصاص داشت که به خوبی از عهده معرفی آن چهره‌ها به عنوان الگوهای برای فعالان فرهنگی، برآمده بود.

به عنوان یک مخاطب انتظار دارم حلقه وصل در زمینه‌های تشکیلاتی و آموزش فعالان فرهنگی قوی‌تر کار کند. حلقه وصل باید از نظر شبکه‌سازی و جریان‌سازی خیلی بهتر از این‌ها نقش‌آفرینی کند.

هشت سال اخیر برای بسیاری از فعالان فرهنگی کشور سال‌های دشوار و بدی بوده است. شاید بد نباشد حلقه وصل به این فعالان رجوع کند تا تجربه‌هایی را که در این سال‌ها اندوخته‌اند به رشته تحریر درآورد. در این هشت سال بسیاری افراد زحماتی خارج از حد تصور به جان خریدند، ولی آن‌طور که شایسته بود از این زحمات تجلیل نشد. به علاوه جای خالی تجربه‌نگاری حلقه‌های میانی نیز در نشریه حس می‌شود. □

مجموع همکاری‌های بنده با حلقه وصل به عنوان خبرنگار، حدود یک سال و نیم طول کشید، ولی هنوز هم نشریه به دست من می‌رسد و مطالب آن را دنبال می‌کنم. اگر بخواهم به عنوان یک مخاطب درباره نشریه نظر دهم، آن را متوسط ارزیابی می‌کنم.

در دوره‌ای حلقه وصل به خاطر خبرهایی که چاپ می‌کرد، از نظر اطلاع‌رسانی رویدادهای فرهنگی خیلی خوب بود و مورد استقبال فعالان فرهنگی قرار می‌گرفت. البته در شرایط امروز که پایگاه‌های اینترنتی و کانال‌های اطلاع‌رسانی گسترش یافته‌اند، دیگر انتشار اخبار با آن شکل گذشته موضوعیت ندارد.

علاوه بر بخش اخبار، گفت‌وگوهای نشریه با فعالان فرهنگی که موضوعات خاص و ویژه‌ای را در برمی‌گرفت، مدتی یکی از بخش‌های جذاب حلقه وصل بود! مثلا چند سال پیش که جشنواره عمار هنوز به این سطح از نفوذ و گستردگی نرسیده بود، حلقه وصل با برخی تهیه‌کنندگان و کارگردانان یا افرادی که در بخش فیلم‌های جشنواره‌ها نقش داشتند، گفتگوهایی انجام داد که بسیار مفید بود.

قوی در تولید، ضعیف در توزیع



سید مهدی موسوی از فعالان فرهنگی است که متخصص حوزه شناسایی و تولید اطللس و... است. او در خارج از مرزهای ایران به خصوص سوریه و عراق هم فعالیت‌هایی داشته است. موسوی هم مدتی با حلقه وصل در معرفی سوژه‌ها و تهیه گفت‌وگو همکاری کرده است.



برسد به دست مخاطب!
شاید حلقه وصل، اصولاً افراد تاثیرگذار جبهه فرهنگی را به عنوان مخاطب خود برگزیده باشد، اما باز در اقلان همین مخاطبان هم ضعیف بوده است. بسیاری از آنها اگر خودشان به مراکز استانی توزیع نشریه سرزنند و سراغ نگیرند، حلقه وصل به دست‌شان نمی‌رسد. باید فعالان فرهنگی هر ماه حلقه وصل را در منزل خود دریافت کنند و بدانند اگر دغدغه‌ای دارند، این نشریه بهترین محل برای انتشار آن است. رسانه به طور عام چند ویژگی دارد: دریافت خبر، تحلیل و تولید، انتشار خبر و جریان‌سازی. از این رو رسانه می‌تواند هدایتگر باشد. در حلقه وصل این نقش هدایتگری به دلیل همان خلائی که به آن اشاره شد، محقق نشده است.

رسانه چاپی ضروری است
فناوری‌های جدید تا حد زیادی به ابزار وابسته‌اند و دسترسی به آن‌ها، دردسر دارد! حتی گاهی ممکن است به خاطر نبود یکی از حلقه‌های دسترسی، به طور کامل از دسترس خارج شوند. به همین خاطر راه‌های ارتباطی قدیمی که کمتر به ابزار وابسته‌اند، همیشه کارایی خود را حفظ می‌کنند و از حیز انتفاع ساقط نمی‌شوند. کتاب، مجلات و به طور کلی، رسانه‌های چاپی، ویژگی پایه‌ای دارند، ماندگارند، به راحتی با یک اشتباه کاربر، محتوای آن‌ها به باد نمی‌رود و مخاطب با آن ارتباط حسی برقرار می‌کند. بنابراین وجود یک رسانه چاپی ضروری است، در کنار آن تارنما و شبکه‌های مجازی هم باید فعالیت کنند تا شرایط بهتری برای دریافت و مخابره خبر فراهم آورند. حتی می‌تواند بستری باشد برای سنجش ذائقه و نیاز مخاطب تا مسیر را برای انتخاب موضوعاتی فراگیر نشان دهد. □

فرهنگی سطح کشور از این نشریه شناختی ندارند؛ حلقه وصل هنوز در دایره کوچک یک جامعه خیلی خودمانی باقی مانده و از آن بزرگ‌تر نشده است، ولی می‌توان رویکردی در پیش گرفت که افراد بیشتری با آن درگیر شوند: حلقه وصل می‌تواند از موضوعات نخبگانی فراتر رود و محل بیان دردهای مردم باشد. تا زمانی که حلقه وصل به مرحله شبکه‌سازی وارد نشود، دچار ضعف است و محتوای خوب آن، گسترش پیدا نمی‌کند. در زمانی نه چندان دور، اوایل دهه هشتاد، طرح ولایت نشریه‌ای داشت به نام «میثاق». میثاق نقطه اتصال اعضای طرح بود، هر چند وقت یک بار، به در خانه فعالان می‌رفت و همه با آن انس گرفته بودند. یا نشریه «امتداد»، آن سال‌های اولیه فعالیتش، مردمی‌تر بود و به دست شرکت‌کنندگان عام اردوهای راهیان نور می‌رسید.

در سه سطح باید عملکرد حلقه وصل را سنجید: تولید، توزیع و جریان‌سازی. اگر بخواهم خلاصه بگویم، حلقه وصل در تولید محتوا نمره قبولی می‌گیرد ولی چون در توزیع ضعیف بود، به جریان‌سازی نرسید. حلقه وصل از ابتدا بنای مقدس و میمونی بود. در روزگاری که نشریه کم است، چه رسد به نشریه انقلابی، حلقه وصل خلاء بزرگی را پر کرده و دست به کار انتقال حرف‌ها و خبرهای مجموعه‌های فرهنگی مختلف شده است. با این وجود برای آنکه حلقه وصل، «حلقه وصل‌تر» شود، چند کار باید انجام دهد:

دایره کوچک

با وجود آنکه سال‌هاست حلقه وصل فعالیت خود را آغاز کرده، بیش از حد نخبگانی است و به کف جامعه نمی‌رسد. هنوز خیلی از مجموعه‌های



جای خالی چاقوی برنده طنز

در جعبه ابزار حلقه وصل



من مهدی سلیمان نژاد شکر می‌ام، اهل لرستان.



هر خندانندی را طنز بخوانند؛ یا طنز را در حد ادا درآوردن و لودگی بدانند و طنزپردازان را به پوچی و بی‌محتوایی متهم کنند. در حالی که خندیدن از روی غفلت، طنز نیست؛ طنز مانند یک فراموش‌خانه نیست که انسان را از خود بی‌خود کند. طنز هزل و هجو نیست، هر چند بیشتر آن چه امروز در فضای جامعه، حتی در رسانه ملی دیده می‌شود، از همین جنس است... متأسفانه وقتی خندیدن هدف می‌شود، محتوا به کناره می‌رود. البته هجو هم اگر در جای خود قرار گیرد، ایرادی ندارد. مثلاً فرض کنید زمانی که دربارہ آل سعود سخن می‌گوییم، جز هجو چه می‌توان گفت؟

...طنز در اصل کنار زدن لودگی و غفلت است، انگار طنزپرداز به میدان می‌آید تا بت‌هایی از جهالت و سبک‌سری را که افراد برای خود ساخته‌اند، در هم بشکند و واقعیت‌ها را به آنان نشان دهد.

در داستان حضرت ابراهیم (ع) و مواجهه ایشان با آنچه قومش می‌پرستیدند، نوعی استفاده از طنز، به این معنا، مشاهده می‌شود: زمانی که خود را در حال پرستش ستارگان نشان می‌دهد، بعد به سراغ ماه می‌رود و وقتی ناگهان ماه غروب می‌کند، خورشید را نشانه می‌گیرد. در نهایت هم با زبانی آگاهی‌بخش، این کارها را به سخره می‌گیرد، ماه و خورشید و ستارگان را ناچیز می‌شمارد و توجه همه را به خداوند متعال جلب می‌کند... یا در آنجا که تبر را بر دوش بت بزرگ قرار می‌دهد، عجب ماجرای طنزی برای قومش تعریف می‌کند و آنان را به فکر وامی‌دارد که این تکه‌های سنگ و چوب ناتوان و بی‌مصرف هستند!

راه آخر

بسیاری از رفتارهای نادرست جامعه که شاید در نگاه فردی که برای نخستین بار با آن روبرو می‌شود، ادا و اطوار به نظر آید، به عادت تبدیل شده است. در این شرایط نوبت طنز است که به میدان آید، این ظواهر را از بین ببرد، اموری را که برای جامعه عادی شده، به سخره بگیرد و همه را به فکر وادارد.

هیچ ابزاری برای درهم شکستن این اداها به کارآمدی و قدرتمندی طنز نیست، زیرا شاید بسیاری افراد در برابر استدلال و بحث جدی منطقی، موضع بگیرند و کوتاه نیایند، ولی همین که در مقابل طنز می‌خندند، یعنی اندکی موضع خود را رها کرده و عقب‌نشسته‌اند. طنز زمانی به میدان می‌آید که هیچ راهی نیست و هیچ قهرمانی نمی‌تواند گره را باز کند! اینجاست که مشخص می‌شود جای طنز در عرصه اجتماع چقدر خالی است و حلقه وصل به عنوان یک رسانه فرهنگی، در جعبه ابزار خود تا چه اندازه به چاقوی برنده طنز محتاج است! □

آشنایی و ورود به عرصه طنز به دوره‌های آموزشی باشگاه طنز انقلاب اسلامی برمی‌گردد. زیر نظر محمدرضا شهبازی، افرادی که طنز برایشان جدی بود وارد باشگاه شدند. بعد از پایان دوره، آموزش، چه مجازی و چه حضوری در طول این سال‌ها استمرار داشت، حتی آقای شهبازی دو بار در لرستان کارگاه حضوری نویسنده‌گی برپا کردند.

اولین باری که حلقه وصل را دیدم، در قراقرگ فرهنگستان بود. از قضا تصویر یکی از دوستان ما داخل نشریه بود. از او درباره حلقه وصل، که به چشمم نشریه‌ای وزین و شکیل آمد، پرسیدم و این پرسش سرآغازی شد برای ایجاد بخش طنز در حلقه وصل. البته مذاکرات دوست ما با سردبیر محترم حلقه وصل، چیزی بیش از مذاکرات ایران و پنج به علاوه یک طول کشید، ولی در نهایت نتیجه‌اش بهتر بود!

جوانه طنز در حلقه وصل

موضوع نخستین بخش طنز حلقه وصل درباره اداهای روشنفکری جشنواره فجر سال ۹۷ بود که گویا خوب هم از آب درآمد. ناگهان موضوع گرانی و کم‌یابی کاغذ پیش آمد، بخش طنز هم حتما دم دست‌ترین قربانی بود که باید برای کاهش هزینه‌ها، به محاق تاریخ برمی‌گشت. البته سردبیر نشریه قول داد حتی اگر مجبور به استقراض شود، بخش طنز را منتشر خواهد کرد. ولی در این کش و قوس، چند شماره‌ای گذشت و خبری از طنز نشد.

بعد از چند شماره، موانع برداشته شد. از طرف نشریه گفتند اگر پای کار باشیم، حتی یک پرونده را به صورت جداگانه به طنز اختصاص خواهند داد. با این پیشنهاد، حلقه وصل واقعا در قامت حلقه وصل ظاهر شد و جمع طنزپردازانی که هر کدام در گوشه‌ای از کشور بودند، پرونده «هلاهل» را خلق کردند؛ به سان لشکر آماده‌ای که مدت‌ها در رشته‌های مختلف هنری، از نثر و شعر گرفته تا کاریکاتور، آموزش دیده بودند و مترصد میدانی برای عرض اندام بودند.

برخلاف اکثر نشریات که جایگاه و ظرفیت طنز را نمی‌دانند و به آن بها نمی‌دهند، حلقه وصل گوهرشناس بود و ورود طنز را بسیار مغتنم می‌شمرد. پرونده هلاهل، چند شماره‌ای در موضوعات مختلف منتشر شد و تجربه خوبی بود.

طنز چیست؟

شاید تصویری که درباره طنز هست، نادرست باشد. عده‌ای ممکن است



آینه انعکاس

تلاش های آتش به اختیار



سید محسن شفیعی، رئیس دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های استان خوزستان و یکی از خوانندگان و مشترکان قدیمی و ثابت حلقه وصل است. هر سال که نمایشگاه مطبوعات برپا می شود، حجت الاسلام شفیعی مشتری ثابت و پروپاقرص غرفه حلقه وصل بود و حتما ساعتی را در این غرفه می گذارند.



انقلاب اسلامی یک حرکت نظامی، سیاسی و اقتصادی یا روبنایی و سطحی نبوده است. به تعبیر شهید صدر، انقلاب اسلامی آرزوی انبیا و رهبران الهی در طول تاریخ بوده و یک خیزش جامع الاطراف به شمار می آید که اساس و زیربنای آن فرهنگ بوده است.

طرح نو انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در زمان انحصار دوگانه عالم بین سوسیالیسم و لیبرالیسم، طرحی نو و حرفی جدید بود که به هیچ کدام از دو طرف ماجرا، وابستگی نداشت. پیام روشن انقلاب اسلامی نفی سلطه بود، چه شرقی و چه غربی. یکی از نظریه پردازان غربی تعبیری دارد؛ می گوید آیت الله خمینی روی ریل هیچ کدام از ابرقدرت ها حرکت نکرد، یک ریل جدید ایجاد کرد و روی آن جلو رفت. حال که انقلابی با چنین عظمتی رخ داده است، حرف های خود را چگونه باید بیان کند؟ مثل تمام حرکت های اسلامی، انقلاب اسلامی هم دو روی سلیبی و ایجابی دارد؛ بعد از «لا اله الا الله» سخن می گوید: اردوگاه سلطه را نفی و نظریه و ایده بدیع و جامع خود را مطرح می کند. باید برای دفاع از انقلاب اسلامی فرهنگ آن را انتشار داد. در این عرصه همه فطرت های پاک باید به میدان بیایند و با استفاده از هنر، ادبیات و دیگر قالب ها بر جان های مشتاق و دل های پاک تاثیر بگذارند. یقیناً این کار باید به وسیله عده ای از انسان های پاک و شایسته صورت گیرد.

نباید دچار ایستایی شد

امام خمینی (ره) در نامه ای به حجت الاسلام سید حمید روحانی، به نکته ای دقیق اشاره می کند که این مضمون که تاریخ و فرهنگ و پیام انقلابی را که به پابرهنگان و مستضعفان تعلق دارد، باید خود آنان انتشار دهند، نه مستکبران که هویت شان با وقوع انقلاب به تاراج رفته است. پس باید به میدان آمد و آرمان های انقلاب را شناخت و آن را به زبان امروز به نسل های امروز و آینده تحویل داد. به نظر من حلقه وصل بخشی از تلاش مومنانه برای تحقق این موضوع مهم است. حلقه وصل بر آن است که مجموعه فعالیت های معتقدان به انقلاب اسلامی را به نمایش بگذارد و به یک منظومه تبدیل کند. در این میان توجه به مجموعه های فرهنگی و جوانان خوش فکر و مستعد شهرستان ها و مناطق دور از مرکز کشور، ضروری است و بحمدالله، حلقه وصل به این

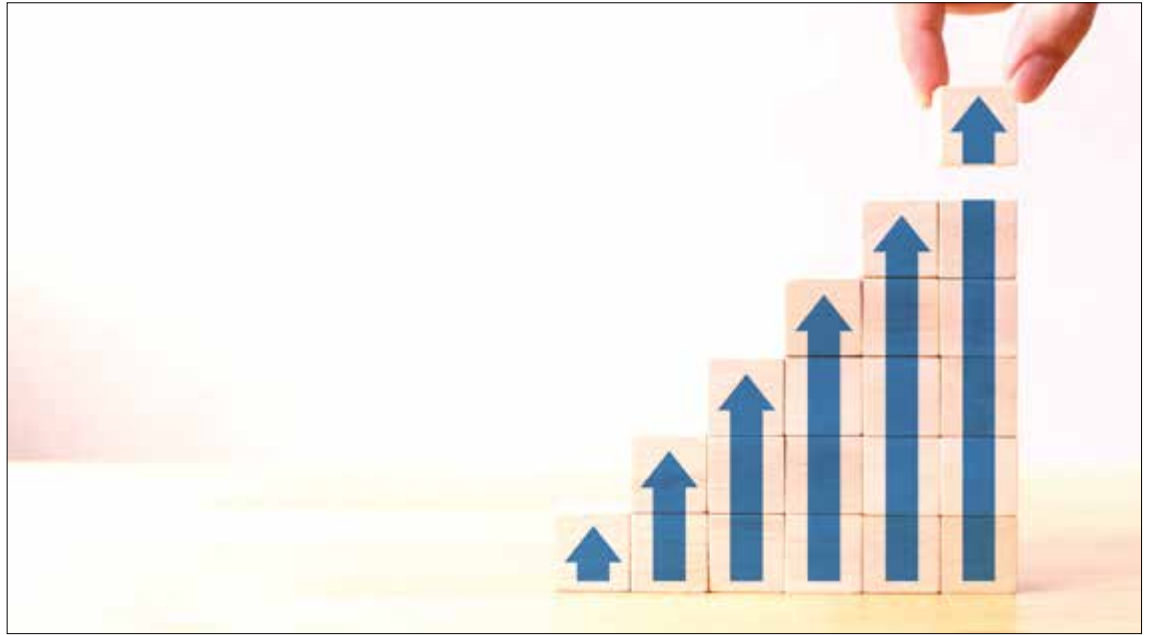
موضوع به خوبی توجه کرده است. حلقه وصل آینه انعکاس تلاش های آتش به اختیار، خلاق و مخلصانه جوانان مومن و انقلابی است. پرونده های ویژه حلقه وصل فرصت خوبی است که برای ارباب فضل و معرفت، افق های نوی را به نمایش بگذارد. باید از این تلاش ها تجلیل کرد، ولی نباید دچار ایستایی و بکنواختی شد. باید هر دم فراوری و نوآوری در حلقه وصل دیده شود تا شوق جوانان و مجموعه های فرهنگی مضاعف و انگیزه ها جدی تر شود.

ایجاد الگوهای جهانی

حلقه وصل می تواند بستر قوی تری برای معرفی ظرفیت های فرهنگی در شهرستان ها باشد. ای بسا چهره ها و مجموعه ها و رویدادهایی که در پس پرده قرار دارند و دیده نمی شوند و به همین خاطر شکوفایی و بلوغ آنان به تاخیر می افتد.

چرا نباید چهره های خلاق برآمده از انقلاب اسلامی مانند افرادی که به کمک شبکه های اجتماعی خود را مطرح کرده اند، مورد توجه جامعه باشند؟ جوانان معرفت جو و فطرت های پاک که آرمان های انقلاب اسلامی را با استفاده از قالب هنر منتشر می کنند باید به الگوهایی برای جوانان کشور، حتی جوانان تشنه معرفت در خارج از کشور، تبدیل شوند.

کارهای روی زمین مانده فراوانی وجود دارد که حلقه وصل موفق بوده در این ۱۰۰ شماره بخشی از آن ها را از پیش رو بردارد، ولی راه دراز است و باید تلاش ها را مضاعف کرد تا در آینده تاثیر بیشتری بر جای گذاشت. □



تحلیل گران جدید معرفی کنید و نخبگی تهران زده را در هم بشکنید



محمد حسین باقری از جمله افرادی است که در بنا نهادن حلقه وصل همراه بوده است و زحمات زیادی برای راه اندازی و شکل گیری نشریه کشیده است. وی هم اکنون رئیس پژوهشکده امام خمینی (ره) و مطالعات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی است.

کرده است که کمتر در مجلات دیده می شود. این رشد، هم در محتوا و هم در طراحی ظاهری نشریه قابل مشاهده است و با یک مقایسه کوتاه بین شماره های اولیه و آخرین شماره ها، نمایان می شود. این یک مزیت بزرگ است: بسیاری از نشریاتی که خود را صاحب رسالت تغذیه فکری و فرهنگی معرفی می کردند، به تدریج دچار افول شدند و کم کم اثری از آن ها باقی نماند، به طوری که شماره اول برخی از آن ها بهترین شماره شان بود!

دومین ویژگی مهم و ممتاز حلقه وصل، استمرار آن است. باز هم نمونه های فراوانی در بین نشریات حزب الهی وجود دارد که نه طول مدت انتشار و نه شمارگان آن، در حد حلقه وصل نبوده است. نظم انتشار حلقه وصل هم واقعا مثال زدنی است. اثرگذاری بر مخاطبان و حفظ ارتباط با آنان، جز با انتشار منظم محتوای مناسب و مفید، ممکن نیست، کاری که حلقه وصل به خوبی از پس آن برآمده است. مثل هر نشریه دیگر، مشکلات مختلفی در راه انتشار حلقه وصل وجود داشته که مشکلات مالی یا تغییر اعضای تحریریه جزئی از آن است، با وجود این ها، نشریه به صورت منظم منتشر شده است. حتی حلقه وصل یک بار مجبور شد دفتر خود را جابجا کند، ولی حتی گرفتاری هایی که به خاطر این جابجایی و تجهیز دفتر جدید به وجود آمد، نتوانست نظم انتشار را به هم بزند.

حلقه وصل با این ویژگی ها موفق شده است به

یک حلقه برای وصل

در مجموع، هر حرکت تشکیلاتی موفق نیازمند رهبری و برنامه است، حلقه وصل هم به عنوان یک تشکیلات، بر خود فرض می دید تمرکز خود را بر اتصال تشکل های مختلف قرار دهد، تشکل هایی که ممکن بود در مواجهه با مسائل روز پاسخ هایی درخور، هوشمندانه و خلاقانه ارائه داده باشند ولی اقدامات شان دیده نشده باشد.

علاوه بر این در زمانه ما که انواع هجمه های تبلیغاتی و اقتصادی علیه حیات انقلاب اسلامی صورت می گیرد، یکی از مهم ترین رویکردها که مورد تاکید مقام معظم رهبری هم هست، امیدآفرینی است. همین که نشان دهیم در کنار هر فعال فرهنگی، هزاران نفر در هر گوشه کشور در حال فعالیت هستند، حلقه ای امیدآفرین و ارزشمند، آفریده می شود.

به عقیده من حلقه وصل در ایفای این نقش موفق بوده است. البته باید از مخاطب درباره موفقیت حلقه وصل پرسید، آن هم مخاطبی که نشریه را جدی می گیرد، آن را می خواند و از آن خوراک فکری می گیرد. اگر مخاطب اعلام کرد توقعی که از حلقه وصل داشته، برآورده شده است، می توانیم به موفقیت نشریه رای دهیم، وگرنه باید نقاط ضعف را جستجو کرد و برای رفع آن ها کوشید.

در مسیر رشد

حلقه وصل از زمان انتشار، مسیر رو به رشدی را طی

بنده و آقای صادق یزدانی، سردبیر محترم حلقه وصل، از قدیم الایام آشنایی داشتیم. ایشان آن زمان تماس گرفتند و موضوع تاسیس مجله را مطرح کردند. از همان ابتدا تاسیس یک رسانه حزب الهی مدنظر بود که بتواند اخبار مجامع و موسسات و فعالان فرهنگی انقلابی را پوشش دهد و آن ها را به هم متصل کند. تبیین موضوعات مرتبط، پاسخگویی به سوالات و شبهات و مبارزه با انحرافات، از جمله اهداف دیگری بود که برای مجله در نظر گرفته شده بود.

اولین جلسات بسیار مفصل بود. طراحی محتوایی طول کشید. مهم است که بدانیم می خواهیم چه چیزی را، چگونه و به چه کسانی عرضه کنیم. در این جلسات درباره شکل ظاهری و طراحی نشریه هم تصمیماتی گرفته شد. یکی از محاسن این جلسات ارائه تجربیات کسانی بود که در زمینه روزنامه نگاری و چاپ نشریات مختلف، فعالیت داشتند. این تجربیات به صورت کامل دسته بندی شد و بعدا محل رجوع ما قرار گرفت.

بعد از مشخص شدن مقدمات کار، یافتن دفتر مناسب برای نشریه در اولویت قرار گرفت. این مسئولیت به من سپرده شد و نهایتا دفتری در طبقه سوم ساختمانی در خیابان آیت الله طالقانی اجاره شد. در همین حین هیأت تحریریه حلقه وصل هم به مرور شکل گرفت و نخستین شماره نشریه در بهمن ماه ۹۱ منتشر شد.

است، اما اگر بهنای باند و گستره توزیع اینترنت را بررسی کنیم، بسیاری از مناطق کشور را خواهیم یافت که امکان اتصال مداوم به اینترنت را در اختیار ندارند یا در برخی شبکه‌های مجازی عضو نیستند. از این رو باید یک سطح بندی در سه طبقه صورت گیرد؛ به طوری که وزن توزیع نشریه چاپی برای شهرهای بزرگ کمتر، شهرهای کوچک بیشتر و روستاها و مناطق محروم، بیشترین باشد، در مقابل تاکید بر فعالیتهای مجازی هم متناسب با آن تغییر کند.

نه به تربیت گل خانه‌ای!

در موضوعات تربیتی دو نوع مواجهه می‌توان در پیش گرفت: تربیت گل خانه‌ای یا تربیت حمایتی. گاهی ممکن است فردی مثل یک گیاه، از ابتدا تا انتها در فضایی متفاوت حفظ شود، ولی گاهی وی تا رسیدن به مرحله‌ای خاص در آن فضا ننگه داشته و پس از رسیدن به سطح قابل قبول، به جامعه هدایت شود. در دنیای امروز که شبکه‌های اجتماعی تا خصوصی‌ترین وجوه زندگی انسان نفوذ کرده‌اند، نمی‌توان جلوی سخن نادرست یک متفکر ملحد یا یک ضد انقلاب را گرفت، عملاً چیزی به نام تربیت گل خانه‌ای ممکن نیست.

بنابراین اگر می‌خواهیم فضای گفتمان انقلاب اسلامی در بین فعالان فرهنگی گسترش پیدا کند، راهی جز گفتگوهای سقراطی نیست، به این معنی که افراد موافق و مخالف حرف خود را بگویند و از دل آن مسیر درست نمایان شود. گفتگوهای یک‌طرفه باعث می‌شود مخاطب در فضایی گل خانه‌ای تربیت شود، پس از مدتی، حرف‌ها برایش کلی‌گویی و تکرار به نظر آید و به محض روبرو شدن با شبهات، خود را ببازد. باید گفت وگو شکل بگیرد تا به تعبیر مقام معظم رهبری، «جهاد تبیین» اتفاق بیافتد. اگر حلقه وصل به کلی‌گویی افتد، در جهاد تبیین جا می‌ماند. البته مدیریت این گفتگوها باید بسیار قوی و برنامه‌ریزی شده انجام شود که بحث‌ها به حاشیه نرود و موضوع گم نشود.

به سوی وحدت

اساساً مجموعه‌های حزب‌اللهی بر اساس ارتباط امام و امت شکل می‌گیرند و وحدت‌گرا هستند، به این معنی که امام راهبردی را مشخص می‌کند و امت برای اجرای آن بسیج می‌شود. در مقابل، رسانه‌های غیر حزب‌اللهی دنبال این نخ تسبیح نیستند. یکی از چالش‌های پیش روی حلقه وصل، مبارزه با ضد وحدت‌گرایی و فراموشی راهبرد امام جامعه است.

«تاریخ فراموشی» چالش دیگری است که باید حلقه وصل برای مبارزه با آن به پا خیزد؛ ممکن است مخاطبان نسبت به تاریخ انقلاب اسلامی ناآگاه باشند یا فراموش کرده باشند چه اتفاقی افتاد که انقلاب شکل گرفت و ادامه یافت. اگر قرار باشد نسل جدید به وحدت برسد، باید هویت پیدا کند و یکی از راه‌های رسیدن به این هویت، آگاهی وی از گذشته تاریخی‌اش است. □



در زمانه ما که انواع حجمه‌های تبلیغاتی و اقتصادی علیه حیات انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد، یکی از مهم‌ترین رویکردها که مورد تاکید مقام معظم رهبری هم هست، امیدآفرینی است. همین که نشان دهیم در کنار هر فعال فرهنگی، هزاران نفر در هر گوشه کشور در حال فعالیت هستند، حلقه‌های امیدآفرین و ارزشمند، آفریده می‌شود.

هم چاپی، هم مجازی

برای گرفتن تصمیمات درست و جامع، باید از فضای کل کشور، خصوصاً شهرهای کوچک، تحلیل جامعه‌شناسانه کاملی به دست آورده باشیم. جامعه لایه‌لایه است و در هر تحول، برخی لایه‌ها درگیر می‌شوند. در فرایند سریع رشد فناوری‌ها، فضای مجازی لایه‌های مختلف اجتماعی را درگیر کرده و عرصه را در بسیاری از شئون زندگی انسان در اختیار گرفته است، خصوصاً رسانه! بنابراین برای آنکه لایه‌های مختلف اجتماع به عنوان مخاطب حلقه وصل با آن ارتباط برقرار کنند، باید ابزاری را به کار گرفت که بیشترین افراد را با خود درگیر کرده باشد.

اگر حلقه وصل با استفاده از ابزارهای نوین با مخاطب ارتباط برقرار نکند، لاجرم به حاشیه خواهد رفت، ولی این استفاده باید حائز کدام ویژگی‌ها باشد؟ تلقی من این است که در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها، درگیری مردم با فضای مجازی بیشتر

جایگاهی دست یابد که اگر از دسترس مخاطب خارج شود، آنان احساس خلاء کنند، حتی اگر نشریه دیر به دست‌شان برسد تماس بگیرند و دلیل آن را جویا شوند.

چهره‌های جدید معرفی کنید

یکی از انتظاراتی که از حلقه وصل وجود دارد، نوع در محتوا و تولید مطالب با کیفیت متنوع موضوعی برای همه مخاطبان است. حتماً باید چند صفحه با محتوایی بالاتر از سطح عمومی مجامع، برای مخاطبان نخبه حزب‌اللهی مطالبی را عرضه کند تا آنان هم بتوانند از این نشریه بهره ببرند. در بین مخاطبان حلقه وصل، برخی علائق هنری و برخی دیگر سلیق تشکیلاتی دارند، از این رو آراستن نشریه به مطالب هنری در زمینه‌هایی مثل ادبیات و سینما می‌تواند آن دسته از مخاطبانی را که به این زمینه علاقه دارند، جذب کند.

اگر بسامد چهره‌هایی که از نظرات آنان استفاده می‌شود، بیشتر شود و افراد جدیدی که حرفی برای گفتن دارند معرفی شوند، ملال مخاطب رفع خواهد شد. «تهران زدگی» آفتی است که در عرصه مطبوعات، چه روشنفکری و چه حزب‌اللهی، وجود دارد؛ متأسفانه رسانه‌ها به خود زحمت نمی‌دهند به سراغ نخبگانی بروند که در دیگر نقاط کشور حضور دارند و با ادبیات بومی و درکی متناسب با شرایط جغرافیایی و فرهنگی خود، مشغول فعالیت موفق هستند. حلقه وصل در این زمینه سد شکنی کرده، اما از این نظر که موفق نشده این نخبگان را بازتولید کند و از آنان چهره ملی و شبه ملی بسازد، انتقادهایی بر آن وارد است.

در واقع یکی از خدماتی که نشریه می‌تواند ارائه دهد این است که افراد جدیدی را به عنوان تحلیلگر و نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی معرفی کند و اشرافیت تحلیل و نخبگی تهران‌زده را بشکند. باید جسارت داشت و این کار را انجام داد، حتی اگر برخی از آنان در آینده از ادامه مسیر جا بمانند یا راه خود را تغییر دهند.

از امروز برای شش ماه آینده برنامه بریزیم



محمد حسن استرحام یکی از مخاطبان قدیمی حلقه وصل است که از حدود دو سال پیش همکاری با تحریریه آن را آغاز کرده و به نوشتن یادداشت و گزارش مشغول است.



پیشنهاد برای ویژه‌نامه

با وجود این صحبت‌ها، حلقه وصل واقعا نمره قبولی می‌گیرد و چه خوب است اگر در همه حوزه‌ها، نشریات دیگری هم داشته باشد. مثلا با تاکید بر عملکرد جبهه فرهنگی در موضوعات اجتماعی، علم و فناوری یا ورزشی، حتی اگر شده به صورت شش ماه یک بار، جدا از روال ماهانه حلقه وصل، ویژه‌نامه‌ای چاپ کند و به دست مخاطبان برساند. بدون شک برخی مخاطبان با مشاهده این موضوعات خاص، بیشتر با آن ارتباط برقرار خواهند کرد.

مخاطبان را پالایش کنید

حداقل در استان فارس که من در آن استقرار دارم، حدود نیمی از نشریات به دست مخاطبان نمی‌رسد، البته نه به خاطر کم‌کاری مراکز توزیع، بلکه به این دلیل که مخاطب باید مراجعه کند و نشریه را بگیرد، ولی سستی می‌ورزد و هر وقت گذرش خورد، چند شماره را با هم می‌برد. این سستی شاید به خاطر آن باشد که احساس نیاز در مخاطب وجود ندارد. شاید بتوان چنین مخاطبانی را از چرخه ارسال نشریه حذف کرد و به این طریق، هزینه چاپ و ارسال را کاهش داد.

تولیدات چندرسانه‌ای

یکی از خلاءهای حلقه وصل، تولید مستند تصویری همراه با پرونده‌های ویژه‌ای است که برای معرفی فعالان و موسسات فرهنگی منتشر می‌کند. چه خوب است این مستند در قالب یک لوح فشرده همراه با نسخه چاپی نشریه توزیع شود، حتی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی هم انتشار پیدا کند تا ماندگار باشد و در دسترس همه قرار گیرد. چه بسا برخی افراد به خاطر همین تولیدات چندرسانه‌ای ترغیب شوند به نشریه رجوع کنند و در جریان مطالب آن قرار گیرند. ■

من هر جا می‌خواهم حلقه وصل را معرفی کنم، آن را «تنها نشریه فرهنگی انقلاب اسلامی» معرفی می‌کنم. درست است نشریات دیگری هم در این حوزه مشغول فعالیت‌اند، ولی حلقه وصل است که برجسته شده و فعالان فرهنگی با آن آشنا هستند. با وجود این ویژگی مثبت، طراحی نشریه می‌تواند خیلی بهتر و جذاب‌تر از این باشد. نگارش نشریه با قلم بسیار ریز، مخاطب را به خواندن ترغیب نمی‌کند و موجب می‌شود خواننده به یک تورق و خواندن تیره‌ها بسنده کند. یکی از بخش‌های نشریه که با توجه به رسالت آن، بخش مهمی هم به شمار می‌آید، اخبار آن است. البته در سال‌های اخیر این بخش با روی کار آمدن تارنما و شبکه‌های اجتماعی کم‌رنگ‌تر شده که اتفاقی طبیعی است. بخش طنز هم مدتی به چاپ رسید و مطالب نویسی داشت، ولی در حال حاضر خبری از آن نیست.

مسابقه طراحی

من به مدیران نشریه پیشنهاد دادم با تنوع بخشیدن و سپردن طراحی هر شماره به یکی از استان‌ها، نوعی تنوع و رقابت ایجاد کنند و در نهایت، بعد از چند شماره، بر اساس بازخوردها طراح برتر را به عنوان طراح ثابت برگزینند. در طول بیش از ۱۵ شماره‌ای که به عنوان هیأت تحریریه در حلقه وصل حضور داشته‌ام، همیشه من پی‌گیر موضوعات بوده‌ام و تقریبا هیچ وقت موضوعات شماره‌های آینده از تحریریه به ما ابلاغ نشده است. در صورتی که یک نشریه در حد حلقه وصل باید موضوعات اصلی خود برای چند شماره آینده را مشخص و به نویسندگان و همکاران ابلاغ کرده باشد تا درباره آن فکر کنند و بنویسند. اگر می‌خواهیم موفق باشیم باید از امروز حداقل برای شش ماه آینده برنامه ریخته باشیم، زیرا نوشتن درباره برخی موضوعات نیازمند فکر و تحقیق است.



آیا حلقه وصل نشریه خوبی است؟



محمد محقق مدتی به عنوان ویراستار و گزارشگر با نشریه حلقه وصل همکاری کرده است. وی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد در رشته علوم ارتباطات پژوهشگری از دانشگاه صدا و سیماست. محقق هم اکنون به عنوان سردبیر خبر صدا و سیما مرکز اصفهان مشغول به کار است.



نیستیم، اشکالی ندارد، با همین دست فرمان ادامه می‌دهیم... ولی همه ما در قبال بیت‌المال مسئولیم و در برابر جامعه، مسئولیت اجتماعی داریم. ما قرار است سودمند باشیم، رسالتی که کار رسانه‌ای دارد. پس باید محتوایی تولید کنیم که نیازهای عالی مخاطب‌مان را رفع کند؛ قدرت درکش از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه را بالا ببرد تا بتواند آگاهانه در شکل‌دهی به سرنوشت جامعه مشارکت کند؛ این رسالت ماست!

نکاتی از کلام شهید مطهری را ضمیمه این رسالت می‌کنم تا پیچیدگی کار رسانه‌ای روشن‌تر شود و بدانیم با دادن تریبون به آدم‌های میان‌مایه و انجام مصاحبه شفاهی و... به جایی نخواهیم رسید. شهید مطهری می‌گوید برای اینکه یک پیام تأثیرگذار باشد چند شرط لازم است: ۱. حقانیت پیام ۲. به کار بستن روش، اسلوب و متد صحیح پیام‌رسانی ۳. لیاقت و شخصیت شخص پیام‌رسان.

اگر این نکات را رعایت نکنیم، اول هر ماه هیچ مخاطبی منتظر انتشار نشریه حلقه وصل نخواهد بود و هیچ مسئولی حلقه وصل را جدی نخواهد گرفت. رویکرد فعلی، تولید خبر و فرآورده‌های خبری تشکیلاتی است و خبر تشکیلاتی خیلی وقت پیش مرده است.

ما بچه‌های دهه‌ی شصت، هنوز پیوندمان را از نشریه کاغذی و روزنامه نبریده‌ایم و در زمان کوتاه‌نویسی و کوتاه‌خوانی، مفتخریم به نشریات کاغذی محدودی که هنوز منتشر می‌شوند. تلاش کنیم به حلقه وصل ۱۰۱ اثر و خاصیت بیشتر بدهیم تا در دنیا و آخرت رستگار شویم.

من همیشه قدر دان حلقه وصل هستم و حرف‌هایی که می‌زنم از روی علاقه متعصبانه به آن است. □

برای نوشتن ارزش قائلند، می‌نویسند تا از طریق مجله، این رسانه به شدت فردگرا، به خلوت مخاطب نفوذ کنند.

هم خوب، هم بد!

اگر ماندگاری را عاملی برای موفقیت یک نشریه در نظر بگیریم، حلقه وصل نشریه موفق است، اما اگر ضریب نفوذ و تعداد مخاطب، ملاک ما باشد؛ نه! این نشریه هیچ وقت از سمت مخاطب اصلی‌اش هم جدی گرفته نشد. نمک‌نشناس نیستم، من شاید بیشتر از همه با حلقه وصل زندگی کردم، به تمام معنا. دورانی که بودم تمام تلاشم همان بود؛ برای تغییر، برای بهبودی.

اگر برای یک رسانه «دیده‌بانی» و «آیینگی» را دو وظیفه اصلی در نظر بگیریم، حلقه وصل نه دیده‌بان خوبی بود و نه آینه خوبی. به عنوان یک نشریه فرهنگی - تشکیلاتی تنها بُعد تشکیلاتی داشت و دارد و به دور از فرهنگ عمومی، مسیر خود را می‌رفت و می‌رود. منکر تلاش همکاران سابق و فعلی‌ام نیستم، مخلص همه هم هستم...

نشریه اثرگذار، نیاز به نیروی فکری متخصص و کاربرد دارد. حلقه وصل در این زمینه دستش خالی است و اراده‌ای هم برای حل این موضوع نیست. فقط برای گزارش کار خوب است. سرحلقه‌ها راحت‌تر بتوانند سند برای فعالیتشان داشته باشند؛ جریان حزب‌اللهی هم که نمی‌نویسد.

چه کار باید کرد؟

باید ریل‌گذاری را عوض کرد و از کار تشکیلاتی وارد حوزه عمومی فرهنگ شد و نیروی متخصص گرفت تا بتوان جریان آفرید و اثر گذاشت. اگر دنبال این‌ها

در بر همان پاشنه‌ی همیشگی می‌چرخد؛ فرقی نمی‌کند حلقه وصل شماره ۱۰۰ را منتشر کند یا شماره ۳۶ را که اولین بار به عنوان ویراستار، از این شماره همکاری‌ام را شروع کردم و پایم به دفترش در خیابان طالقانی - بعد از خیابان بهار، کنار بانک کارآفرین - باز شد.

کاردان هستیم؟

دانشجوی ترم دوم کارشناسی ارشد علوم ارتباطات در دانشگاه صداوسیما بودم، بدون هیچ شناختی و با واسطه یکی از دوستان برای کار، به آقای یزدانی معرفی شدم. دیدار اول کوتاه بود و ادامه همکاری، منوط به ویراستاری چند گفتگو که به صورت تلفنی انجام گرفته بود. این مصاحبه‌ها را به فراخور متن، به صورت یادداشت تنظیم می‌کردیم. روشی که هنوز هم ادامه دارد و برای شماره صد نشریه هم پشت تلفن از من خواسته شد، بگویم؛ هر چه دلم می‌خواهد و از هر دری؛ خاطره‌ای یا انتقادی یا راهکاری. در ۹۹ شماره قبل هم همین بود؛ چرا؟ چون جریان حزب‌اللهی نمی‌نویسد، وقت ندارد، سرش شلوغ است... اولویتش نوشتن نیست یا... نوشتن بلد نیست!

هر چه هست نمی‌نویسد و در زمانی که افکار عمومی بیش از همه نیاز به افق‌اندازی و استدلال دارد، بدون استدلال و با شعارزدگی زبان ما می‌چرخد. شعارهای سیاسی‌ای که کار سیاستمداران است، به زبان فرهنگ ترجمه می‌کنیم. همه تولیدات رسانه‌ای، همان شعارها هستند و دریغ از رعایت کوچک‌ترین اقتضائات یک کار فرهنگی.

عادت به «خودی - غیرخودی» کردن ندارم، ولی دیگران کار را بلدند، نوآوری دارند، متفکر دارند،



حلقه وصل پالایشگاه محتوای خبری شود



محمد مجید دایی دایی از فعالان فرهنگی ساکن قزوین است که از همان روزهای اول شروع کار حلقه وصل، مخاطب آن بود و با ایده‌ها و نظرات و نقدهایش در رشد نشریه کمک زیادی کرده است. وی هم‌اکنون در موسسه روایت حق مشغول فعالیت است.



اگر حلقه وصل هم به همین شکل چند صفحه آخر خود را به فعالان فرهنگی قزوین و دیگر استان‌های کشور اختصاص دهد تا شرح حال مختصری از خود بنویسند، ارتباط بهتری بین فعالان استانی و کشوری برقرار خواهد شد.

جمع بین تفاوت‌ها

حلقه وصل تمام پهنای کشور را باید زیر نظر داشته باشد و فعالان فرهنگی در تمام حوزه‌ها را تحت پوشش قرار دهد. همین موضوع کار نشریه را به شدت دشوار می‌کند؛ بسیاری موضوعات شاید برای برخی گروه‌های فعالان بسیار جذاب باشد، ولی موجب ملال برخی دیگر شود. یاد می‌آید یکی از موضوعاتی که در حلقه وصل طرح شد و بازخوردهای زیادی هم داشت، رابطه دختر و پسر در تشکل‌های فرهنگی بود. موضوع به قدری بحث‌برانگیز شد که حتی در یک شماره دیگر هم به عنوان موضوع اصلی مجله مورد بررسی قرار گرفت. هر چند همین موضوع جذاب هم، برای موسساتی که اعضای آنان فقط دختران یا فقط پسران هستند، اصلاً موضوعیتی نداشت.

جمع بین همه این تفاوت‌ها دشوار است، ولی حلقه وصل توانسته است از پس کار بر آید. با این حال چکیده کردن، استفاده از اینفوگرافیک و تمرکز همزمان روی تجربیات موفق و ناموفق مرتبط با موضوع، می‌تواند جذابیت آن را برای تمام مخاطبان بالاتر ببرد. البته جمع کردن یک پرونده و ویرایش و آماده کردن آن برای چاپ، به اندازه‌ای دشوار هست که وقت و رمقی برای چنین کارهایی باقی نگذارد، ولی باز هم باید تلاش‌ها را بیشتر کرد تا در «سده دوم» حلقه وصل، پیشرفت بیشتری شاهد باشیم. □

را در کانال یا تازنمای خود منتشر کند تا هر کس که متقاضی مرور رویدادهای فرهنگی است بتواند به راحتی در جریان خبرها در آن بازه قرار گیرد. درست که در دنیای امروز همه به فضای مجازی دسترسی دارند و می‌توانند به صورت برخط در جریان رویدادهای فرهنگی قرار گیرند، ولی حجم اطلاعاتی که هر روز در این فضا منتشر می‌شود، آن قدر زیاد است که رویدادها و اطلاعات مفید را به حاشیه می‌راند و مخاطب را سردرگم می‌کند. بنابراین لازم است مجموعه‌ای که بر این فضا احاطه دارد، به عنوان پالایشگاه محتوا به میدان آید و آن را به صورت منسجم و دسته‌بندی شده در اختیار مخاطبان قرار دهد. حتی این تولیدات را می‌توان همراه با ماهنامه، روی ده‌کده‌های مجازی هم قرار داد، اتفاقی که متأسفانه من تا به حال ندیده‌ام!

حلقه وصل در قزوین

یکی از شماره‌های حلقه وصل که به صورت خاص به شخصیت سعید خورشیدی، یکی از فعالان فرهنگی سرشناس قزوین اختصاص پیدا کرده بود، بازخورد زیادی در این استان پیدا کرد، ولی جز آن به یاد ندارم شماره‌ای از این نشریه را که به صورت گسترده مورد استقبال قرار گرفته باشد. شاید اگر در آن ویژه‌نامه خبری، اخبار هر استان به صورت جداگانه منتشر شود، فعالان فرهنگی استانی بیشتر برای پیگیری حلقه وصل ترغیب شوند.

چند سال پیش نشریه‌ای به نام «کتاب هفته» از سوی خانه کتاب منتشر می‌شد. صفحات آخر این نشریه به نویسندگان سراسر کشور اختصاص داشت؛ از آنان می‌خواستند هر کدام به اندازه چند جمله شرح حالی از خود بنویسند، مثلاً درباره اثر جدیدی که روی آن کار می‌کنند یا ایده‌ای که در ذهن دارند،

سال ۹۳، حلقه وصل گزارشی مفصل از مراسم شب وداع با ماه مبارک رمضان در قزوین تهیه کرد که در شماره هفدهم، در شهریور آن سال به چاپ رسید. این آغازین ارتباط جدی من با حلقه وصل بود. پس از آن هم در ویژه‌نامه‌ای که برای جمع‌بندی فعالیت‌های موسسات فرهنگی در سال ۹۳ و چشم‌اندازهای سال ۹۴ به چاپ رسید، بنده یکی از افرادی بودم که با آنان گفت‌وگویی انجام شد.

نقطه فصل حلقه وصل

حلقه وصل اصلی‌ترین حوزه فعالیت خود را پوشش فعالیت‌های فرهنگی موسسات در سراسر کشور قرار داده است. درست است که رسانه‌های دیگر هم هر یک به نوعی برای این کار تلاش‌هایی انجام داده‌اند، ولی هیچ کدام به صورت تخصصی در این حوزه وارد نشده‌اند. به خاطر همین رسالتی که حلقه وصل برای خود تعریف کرده، هرگز مرکزگرا نبوده است، بر خلاف بسیاری رسانه‌ها که بیشتر به پوشش رویدادهای اطراف خود همت گمارده‌اند و بیشتر تهرانی هستند تا ملی!

حلقه وصل روی ده‌کده‌های مجازی

هر فعال فرهنگی در هر نقطه کشور، لاجرم باید از فعالان فرهنگی دیگر با خبر باشد تا فعالیت‌های خود را ارتقا دهد و بر موفقیت خود بیافزاید. حلقه وصل در قسمت اخبار خود تلاش داشته این نیاز فعالان فرهنگی را پوشش دهد، منتها به دلیل محدودیت صفحات و کمبود بودجه، امکانات و منابع انسانی انتشار تمام اخباری که در تازنمای خود منتشر می‌کند، برایش غیرممکن است. شاید حلقه وصل باید یک نشریه مجازی منتشر کند و هر ماه، هر فصل یا حداکثر هر سال یک بار، آن



بستری برای معرفی چهره‌های جوان انقلابی فراهم شود



محسن مومنی، نویسنده و فعال رسانه‌ای است. وی که از اوایل فعالیت حلقه وصل با آن ارتباط داشته است، سابقه همکاری با نشریه را نیز در کارنامه دارد.



در شماره‌های مختلف، کار شد. مدتی بعد به همراه گروهی که مرحوم فرج‌نژاد تشکیل داده بود، به کار انتشار نشریه «فرهنگ پویا» مشغول شدیم که زیر نظر موسسه امام خمینی (ره) اداره می‌شد. در فرهنگ پویا که حوالی سال ۹۴ به اوج خود رسید، حدود ۱۵ نفر از دوستان اهل قلم مشغول فعالیت بودند. اشتغال به امور این نشریه، به تدریج سبب شد همکاری با حلقه وصل کاهش پیدا کند و من تنها به عنوان یک مخاطب با آن در ارتباط باشم. البته بارها در دیدارهایی که با سردبیر حلقه وصل انجام شد، از وی رهنمود گرفتیم و برای تقویت فرهنگ پویا به کار بستیم.

فرهنگ پویا سبب خیرات فراوان شد. همان گروهی که در این نشریه مشغول به کار بودند، به تدریج با گسترش فضای مجازی به سراغ انتشار نشریات مجازی رفتند و محصولات خوبی تولید کردند. بعدها آن گروه از فرهنگ پویا جدا شدند و به فعالیت‌های مختلف فرهنگی گرایش پیدا کردند. فرهنگ پویا هنوز هم به کار خود ادامه می‌دهند، هر چند مشکلات مالی به حدی جدی است که ممکن است آن را از پا درآورد. علاوه بر این تولید محتوا هم به سختی انجام می‌شود، هنوز هم بیشتر نویسندگان، از همان گروه قدیمی هستند.

حلقه وصل نشریه خوبی است که محتوای جذابی برای مخاطب خود ارائه می‌کند. به نظرم در حلقه وصل جذاب‌ترین بخش، همان بخش اخبار است. اطلاع از وضعیت و فعالیت‌های سایر فعالان فرهنگی در استان‌های دیگر کشور یکی از مهم‌ترین برکات این نشریه است که با اخبار آن حاصل می‌شود. نگاه تشکیلاتی حلقه وصل به موضوعات مختلف، یکی دیگر از عواملی است که جذابیت آن را دو چندان می‌کند...

در طول این سال‌ها، بسیاری از موضوعاتی که در حلقه وصل بررسی شده، نظر مرا جلب کرده است. از بین آن‌ها، هیأت و در کل جامعه ایمانی مشعر که در این خصوص فعالیت می‌کند، برایم جذاب‌تر بوده است. گاهی گفتارهایی از بزرگان جبهه فرهنگی، از جمله حاج حسین یکتا هم در نشریه به چاپ می‌رسد که من به عنوان یک مخاطب، با شغف تمام به مطالعه آن می‌پردازم. اوایل فعالیت حلقه وصل هم، پرونده‌ای برای بررسی فعالیت‌های فرهنگی جهان اسلام در مناطقی مانند کشمیر و بحرین جریان داشت که انصافاً پرمخاطب بود و جز حلقه وصل در هیچ جا نمونه‌اش را ندیدم.

با این وجود گاهی به نظر می‌رسد حلقه وصل مشکل سوژه دارد و به تکرار می‌افتد. در حالی که یقیناً مخاطبان می‌توانند سوژه‌های بسیاری پیشنهاد دهند. حتی می‌توان نظریه‌پردازان جوانی را که در شهرستان‌ها مشغول فعالیت‌های فکری هستند به وسیله حلقه وصل معرفی کرد و به همگان شناساند. شکی در ضرورت انتشار نظرات چهره‌های شناخته شده و نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی وجود ندارد، ولی باید بستری برای رشد چهره‌های جوان هم فراهم شود. □



نخستین برخوردی که با حلقه وصل داشتم، به واسطه مرحوم حسین فرج‌نژاد بود. وی در تحریریه حلقه وصل عضو بود و همزمان در حلقه‌ای مطالعاتی که در قم تشکیل می‌شد و ما هم در آن حضور داشتیم، شرکت می‌کرد. مرحوم فرج‌نژاد هر ماه شماره‌های حلقه وصل را به جمع ما می‌آورد و آن را به عنوان نتیجه کار فرهنگی بچه‌های انقلاب معرفی می‌کرد. همه را هم به تبلیغ این نشریه فرامی‌خواند و اعلام می‌کرد اگر کسی تمایل به همکاری دارد به وی مراجعه کند.

آن زمان من در قم ساکن بودم، ولی با دوستانی که در یزد نشریه «قبیله هابیل» را منتشر می‌کردند، همکاری می‌کردم و همزمان برخی دوره‌های نویسندگی و ویراستاری را می‌گذراندم. همین پیش‌زمینه، در کنار دعوت‌های مرحوم فرج‌نژاد مقدمات ورود بنده به تحریریه حلقه وصل را فراهم آورد. در اوایل کار هم چند گزارش از رویدادهای فرهنگی تهیه کردم و برای نشریه فرستادم که برخی از آن‌ها

جبهه‌شدن تفکرات، مهم‌تر از جبهه‌شدن افراد



ایمان اتابکی از ابتدای سال ۹۹ وارد حلقه وصل شده است. وی به عنوان مسئول مشترکان حلقه وصل، با مخاطبان ارتباط مستمر دارد و به ثبت بازخوردهای آنان مشغول است. اتابکی همچنین در تارنمای حلقه وصل مسئول اخبار استانی است و در نشریه نیز مطلب می‌نویسد.



کافی است؟ اندیشمندان و کنشگران فعال فرهنگی چقدر در تحقق گفتمان خود موفق بوده‌اند؟ آیا حمایت‌های لازم و کافی برای تحقق این اهداف از سوی نهادهای فرهنگی صورت گرفته است؟

البته سوال بسیار است و پاسخ همین چند سوالی که مطرح شد، بسیار بحث برانگیز! اگر از دید یک فعال فرهنگی که اتفاقاً در یک نشریه فرهنگی تشکیلاتی به نام حلقه وصل مشغول به فعالیت است، بنگریم، شاید یکی از جواب‌هایی که می‌توان به سوالات مطرح‌شده داد «موازی‌کاری»، «عدم هم‌افزایی» و از همه مهم‌تر «خودزنی فعالان فرهنگی» است؛ درست است که ما جبهه شده‌ایم، اما مهم‌تر از جبهه‌شدن افراد، جبهه‌شدن تفکرات است. شاید یکی از مشکلات اصلی که از دیرباز تا کنون بین فعالان عرصه فرهنگ وجود داشته، حس کاذب مدیریت بودن، رئیس شدن و عدم اعتماد به مدیریت افرادی است که از ما بهترند. اکثر ما دوست داریم فقط خودمان در راس قرار بگیریم و مدیر باشیم و طاقت حرف شنوی از یک مدیر دیگر را نداریم. درد دل در این سخن بسیار است!

جایی برای آموختن

از ابتدای تشکیل «نشریه حلقه وصل» افراد بسیاری در این مجموعه فعالیت کرده و از آن جدا شده‌اند. به نوعی می‌توان گفت حلقه وصل، سکوی پرتاب کارمندان خود نیز بوده است، هم به جهت فکری و هم شرایط شغلی! برای من قابل تأمل‌ترین ویژگی این نشریه، دست یافتن هر کدام از همکاران این مجموعه به دید و بینشی تأثیرگذار است که در زندگی وی بسیار نقش‌آفرینی خواهد کرد. البته نه فقط بینش، که اگر کسی اهل رشد باشد، تجربه‌های بسیار ارزنده‌ای هم به کوله‌بار آموخته‌های وی افزوده خواهد شد. ■

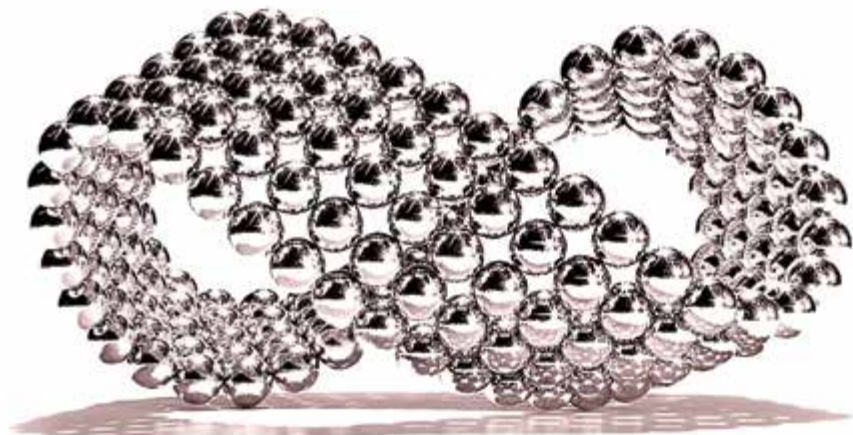
این نوشتار را با حمد و سپاس خدایی آغاز می‌کنم که حلقه وصل تمام اتفاقات خوب است؛ اتفاقاتی که شاید در ابتدای هر کدام از آن‌ها نتوان به غایت رستگاران‌شان پی برد، اما هرچه جلوتر می‌رویم به حلقه‌های جدیدی از امید، وصل می‌شویم.

شاید یکی از این اتفاقات خوب، حلقه وصل شدن باشد. خیلی از افراد، گروه‌ها، مجموعه‌ها و نهادها خودشان را وصل‌کننده می‌دانند، اما نکته این است که چه چیزهایی و چه کسانی را به هم وصل می‌کنیم و چه چیز بهتر از وصل کردن افکار و اندیشه‌های پاک، مثبت و درست به هم دیگر؟

کم نیستند آن‌هایی که خودشان را داعیه‌دار وصل می‌دانند اما «نشریه فرهنگی تشکیلاتی حلقه وصل» است که این رسالت را جدی، گسترده و به نوعی تمام‌عیار دنبال می‌کند. شاید اثرگذاری این ماهنامه برای خود ما که در این مجموعه فعالیت می‌کنیم چندان محسوس نباشد، اما گاهی بازخوردهایی که از خوانندگان دریافت می‌کنیم، بهت‌آور است. گاهی کسانی تماس می‌گیرند و به نقد صریح و کوبنده ما می‌پردازند (همین موضوع هم تا اندازه‌ای نشان‌دهنده کارآمدی محتوای نشریه است) اما وقتی با تمجیدهای بعضی دیگر از مشترکان مواجه می‌شویم یک سوال برایمان مطرح می‌شود: آیا حلقه وصل واقعا این قدر خوب است؟!

چندپیش

در عصری که رسانه و فضای مجازی قوت روزانه پیر و جوان و نوجوان شده، حلقه وصل تا حدودی برای دغدغه‌مندان و کنشگران فرهنگی، جای خالی محتوای غنی را پر کرده است. هم‌اکنون که ۱۰۰ شماره از این نشریه (به عنوان رسانه و محتوای فکری جبهه فرهنگی انقلاب) منتشر شده است باید به چند سوال جدی پاسخ داده شود: آیا برای پیشبرد اهداف جبهه انقلاب، تنها رساندن محتوای غنی





چاپتان مستدام!

مصطفی فارویی، کارشناس رسانه و پژوهشگر روابط بین‌الملل و از مطبوعاتی‌های قدیمی است. وی مدت کوتاهی هم دبیر تحریریه حلقه وصل بود و در برخی شماره‌های نشریه از جمله در ویژه‌نامه شهادت حاج قاسم سلیمانی، مطالبی نوشته است.



۲ من هیچ وقت با گاهنامه‌ها ارتباط برقرار نکردم. مثلاً گاهنامه‌های «رمز عبور» روزنامه‌ی ایران در عین غنا، در مخاطب‌سازی موفق نبود. اسطوره‌ی مخاطب‌کشی، مجله «راه» بود که بعد از دوره‌های سردبیری محمدجواد میری و امیر سعادت‌ی و محمدعلی صائب، عملاً ۱۰ سال است که به صورت ویژه‌نامه‌ی جشنواره‌ی عمار، هیچ مخاطب مستقلی ندارد، در صورتی که بیشترین ظرفیت را در این قصه داشت و این یکی از غصه‌هاست؛ زیرا نه مدیرانی که مزاحم انتشار معرفی می‌شدند، مثل بنیانیان یا حمزه‌زاده یا غلامی، حضور داشتند و نه از نظر بودجه و امکانات خلائی وجود داشت!

برخی از مجلات نیروساز هم با چرخش‌های سریع و مخصوصاً انقطاع نسل، کارکرد خود را از دست دادند. مثلاً دوهفته‌نامه‌ی «آینده‌سازان» فرشاد مهدی‌پور، بسیاری نویسندگان درجه یک را تحویل داد. بعد از او جواد میری و بعد از او صادق یزدانی، با همان تیم‌های قبلی به کار خود ادامه دادند. دفتر آینده‌سازان، باتوق نویسندگان برجسته‌ای بود که خود، تربیت کرده بود. اما با سردبیری مرتضی کامل، عملاً ارتباط با نیروهای قدیمی قطع شد و دیگر هرگز مجله به روزهای اوج خود برنگشت.

بعد، روز انتشار، از ده‌های مطبوعاتی، جریده‌ی خود را خریداری می‌کردند و تاخیرهای احتمالی با عذرخواهی همراه بود.



۹ سال و ۱۰۰ شماره تقریباً در میان همه‌ی رسانه‌های جبهه فرهنگی که در زمان ما تولید شده‌اند، یک رکورد به حساب می‌آید. تولید مجله کار ساده‌ای است، اما استقامت در تولید و پایداری در تداوم تولید و ثبات در انتشار، فارغ از هرگونه غنای محتوایی و سوژه‌یابی دقیق و ساختار انتشار مطلب، خود یک موضوع مهم است.

۱ نقش حلقه وصل در نیروسازی و شکل‌دهی جبهه فرهنگی در دهه ۹۰، بی‌بدیل و غیر قابل انکار است. مجلات «نیستان» سید مهدی شجاعی، «سوره» مرتضی آوینی، «صبح» مهدی نصیری و درنگاهی دیگر، مجلات «کیهان فرهنگی» و «کیان»، همه نسل‌هایی در تاریخ ایران آفریده‌اند. برخی هم بیشتر سیاسی بودند، مثلاً مجله «شلمچه» مسعود ده‌نمکی و «ایثارات» محتشم، روی خط خیر بودند؛ هم هوادار داشتند، هم تشکیلات و نیروسازی.

بعضی در نیروسازی موفق‌تر بودند. مثلاً «سوره» وحید جلیلی، عملاً نزدیک به ۲۰ نفر نیروی درجه یک تحویل داد که هر کدام در جایی، ممنون دوره‌ی همکاری با این مجله هستند، هرچند در ساختن تشکیلات آن‌چنان موفق نبود. مجلات اختصاصی گروه‌های سنی محدود، مثل «سروش نوجوان» فیصل امین‌پور هم آثار زیادی روی مخاطبان خود بر جای می‌گذاشتند؛ یا مجلاتی با موضوعات اختصاصی مثل مجلات «موعود» اسماعیل شفیعی سروستانی و «امتداد» رضا مصطفوی.

همه‌ی این مجلات در دوره‌ی اوج، استمرار، ثبات و تداوم تولید داشتند. مشتریان برای خرید شماره‌ی



برخی از مجلات هم قهرا خاتمه فعالیت دادند که فهرستشان در این مقاله نمی‌گنجد، اما به هر دلیلی ماهنامه‌ی «حلقه وصل»، ۱۰۰ شماره و ۹ سال از این آفات به دور ماند.

۳ ۹ سال و ۱۰۰ شماره تقریباً در میان همه‌ی رسانه‌های جبهه فرهنگی که در زمان ما تولید شده‌اند، یک رکورد به حساب می‌آید. حلقه‌ی وصل، در زمانی حلقه‌ی وصل جبهه‌ی فرهنگی انقلاب بود که هیچ رقیبی نداشت. تولید مجله کار ساده‌ای است، اما استقامت در تولید و پایداری در تداوم تولید و ثبات در انتشار، فارغ از هرگونه غنای محتوایی و سوزوایی دقیق و ساختار انتشار مطلب، خود یک موضوع مهم است. مخاطب، از مجله، تداوم در انتشار و ثبات گفتمانی می‌خواهد. بسیاری از مجلات در این دوران تولید شدند اما تداوم و ثبات نداشتند؛ به چند دلیل: اول اینکه از نظر محتوایی عموماً دچار مشکل کمبود سوز و تکرار مکررات شدند.

دوم، تولید مجله بعضاً برای مقاصد غیر از جذب مخاطب صورت می‌گرفت. مجلات جبهه فرهنگی معمولاً برای دلایل سیاسی مثل فتح سازمانی تولید می‌شدند مثلاً فتح صداوسیما! سوم، نبود نیروهای پای کار متعهد متخصص حرفه‌ای روزنامه‌نگار. بسیاری از نیروها، جذب روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی شدند که از نظر امنیت شغلی بسیار وضعیت بهتری نسبت به مجلات داشتند. برخی هم که سناشان بالاتر رفت، کار کردن با آن‌ها سخت بود و کمتر از استاد نمی‌شد به ایشان گفت: البته شاید حق هم داشتند: مدیریت فرهنگ باید صدها مجله‌ی مختلف گیشه برای فرهنگ انقلاب ایجاد می‌کرد تا همه‌ی این تازه‌استادها هم جایی برای خودنمایی می‌یافتند، نه اینکه در خانه‌هایشان، به کنج عزلت فروروند. برخی نیروها نیز به مسئله روزنامه‌نگاری به عنوان پله‌ای برای پیشرفت و خطی در رزومه خود نگاه کردند.

چهارم، پروژه‌ای بودن یا کارمندی بودن فضای برخی از مجلات جبهه فرهنگی، اساساً هیچ‌گاه برای مخاطب آن‌ها حس هویت و تعلق ایجاد نکرد. اگرچه جبهه، به صدها حلقه وصل نیاز داشت (و چه کم لطفی‌ها و ظلم‌ها در این زمینه که رخ نداد)، اما ثبات قدم و استقامت و پایداری صادق‌یزدانی برای این تنها ارگان فرهنگی انقلاب اسلامی که توانسته به شماره ۱۰۰ خود برسد، قابل تحسین است.

۴ شماره ۱۰۰ برای مجلات فرهنگی یک رویاست، یک آرزوست، یک قله است. قله‌ای که می‌تواند بر بالای آن بایستد و به سلسله‌ی قله‌هایی که قرار است در آینده فتح کند، بنگرد. حلقه‌ی وصل، تنها ارگان رسمی پایدار و ثابت جبهه فرهنگی و تنها پرچمدار و علمدار این عرصه است. دیگران با همه ادعاها و توانمندی‌ها، به دلیل ناتوانی در جذب مخاطب و عدم حضور ثابت و مستمر، جایگاهی در بین مخاطبان پیدا نکردند و حرفشان کمتر موثر واقع شد.

۵ در جبهه‌ی مقابل، تعداد زیادی از مجلات فرهنگی به شمارگان بالاتر هم دست یافتند و طبق معمول آن‌ها، بر اصول، استقامت بیشتری دارند:

اصل پاتوق‌سازی ذهنی برای مخاطب و عینی برای نویسندگان و اندیشمندان؛ اصل نیروسازی در کنار درگیری با مجله؛ اصل چرخه‌ی تولید فرهنگی در کشور؛ که به دو صورت است:

۱. موضوعی برای مدیری که فرصت اندیشه ندارد، مسأله می‌شود. سپس به پیمانکاران دستور تولید می‌دهد؛ از سریال و فیلم سینمایی تا سرود و تئاتر و موشن‌گرافیک و انیمیشن. پیمانکار اگر، اگر و اگر دنبال ایده‌ای ناب باشد، باید برود سراغ اهل اندیشه که معمولاً در مجلات گرد هم جمع می‌شوند.

۲. موضوعی در پی پژوهش، تحقیق، شهود یا هر چیز دیگری برای صاحب‌اندیشه‌ای مهم می‌شود. از میان ده‌ها موضوع، چند مطلب را می‌نویسد و یکی را در مجله چاپ می‌کند.

چند مخاطب مطالب را می‌خوانند و ممکن است در آینده به عنوان ایده‌ی خودشان آن را پیش ببرند یا از میان صدها مطلب، یکی دو تا، مورد توجه رسانه‌های قدرتمندتر، مثل رادیو و تلویزیون قرار بگیرد و شانس این را پیدا کند که یکی دو مدیر، به آن علاقه‌مند شوند و به هر دلیلی به تولیدات جدید یا اصلاح مسیر تولیدات موجود، منتهی شوند. اگر موضوعات کمی انتزاعی‌تر باشند، خوراک برنامه‌های گفتگو محور و اندیشه‌ای می‌شود و سرمنشاء بحث‌هایی جدید در این حوزه‌ها.

۵۵

من هر اندیشه‌ای را پی‌گیری کردم، از یک ارگان یا مجله سردرآوردم. ولی چه بسا مطالب حلقه وصل که آغازگر گفت‌وگوها و گفت‌وگوهای جدید در جبهه اندیشه‌ای، هنری و رسانه‌ای کشور شده است.

۶ من هر اندیشه‌ای را پی‌گیری کردم، از یک ارگان یا مجله سردرآوردم. ولی چه بسا مطالب حلقه وصل که آغازگر گفت‌وگوها و گفت‌وگوهای جدید در جبهه اندیشه‌ای، هنری و رسانه‌ای کشور شده است.

این اثر، بر رفتار مخاطبان مجلات هم قابل پی‌گیری است. مثلاً بسیاری از دوستانم رفتارهای مشابهی دارند، به واسطه‌ی مطالعه‌ی مجلات مشابه.

۷ شعار مجلات هم خیلی در شکل‌گیری شخصیت مخاطب مهم است. مثلاً مجله‌ای دانش‌آموزی که شعارش «مدیران

فردا است، مخاطبانی متوهم تولید می‌کند که در آینده، منتظر صندلی مدیریتی خود هستند و با این که در تقویت هویت فردی، قوی عمل می‌کنند، اما از آرمان تهی‌اند... یا مجله‌ای که شعارش «تفکر بسیجی» یا «اخلاص، آرمان، توان» است، تأثیرات خاص خود را روی مخاطب بر جای می‌گذارد؛ یا نیروهای مجله‌ای که با شعار «تعهد، تخصص، تشکیلات» رشد می‌کنند، معمولاً تشکیلاتی بار می‌آیند.

۸ البته این هم مسأله‌ی مهمی است که تشکیلات بدون مجله، تشکیلات نیست. حلقه‌ی وصل در پرداختن به مسایل تشکیلاتی جبهه‌ی فرهنگی، بسیار موفق عمل کرده است. این ۱۰۰ شماره، به نوعی دائرةالمعارف تشکیلات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی است و چه بسا سیر مطالعاتی آن، بتواند بسیاری از تشکیلات را نسبت به مسائل تشکیلاتی بی‌نیاز کند. ضمن اینکه در این صد شماره از پرداختن به موضوعات مختلف ستادی در کنار توجه به موضوعات مرتبط با صف غفلت نشده است. این مجموعه می‌تواند برای ستادهای فرهنگی، در صورتی که به بهبود عملکرد خود علاقه‌مند باشند، قابل استفاده باشد.

۹ حلقه وصل از طرفی با بسیاری از بزرگان و اساتید جبهه‌ی فرهنگی ارتباط گرفته و از آن‌ها بهره‌مند شده است، از طرفی به سراغ فعالان روستایی یا حاشیه‌نشین‌های جبهه‌ی فرهنگی رفته و از فعالیت‌های آن‌ها گزارش تهیه کرده است. از این منظر حلقه‌ی وصل، عدالت رسانه‌ای را به نحو احسن در نمایش ستاد و صف و اتصال بین آثار و عناصر و مراکز جبهه‌ی فرهنگی انقلاب در سرتاسر کشور، به خوبی محقق کرده است.

نقد‌هایی هم به این مجله دارم، اما آن چنان با این ۹ سالگی و این ۱۰۰ شماره کاملاً شیرین است که بر قلمم نمی‌آید! چاپتان مستدام! □





حلقه وصل می تواند به دایره المعارف مسائل فرهنگی تبدیل شود

مهدی چراغزاده از جمله شاعران آیینی جوان است که از اوایل کار نشریه حلقه وصل، با آن همراه بوده است. او چند سالی هم مدیر سایت خبری حلقه وصل بود و گزارش های خبری فراوانی از فعالیت های جبهه فرهنگی تولید کرد.



دو بار نشریه را برای مقام معظم رهبری برده ام، یک بار اشاره کردند که حلقه وصل را خوانده اند، ولی گویا پس از آن، نشریه دیگر به صورت منظم به دست ایشان نرسیده بود.

تنوع در ظاهر و مخاطب

دایره مخاطبان نشریه باید بسیار گسترده تر باشد. عموم مردم و فعالان فرهنگی، خصوصا در شهرستان ها افرادی فرهنگی و مذهبی هستند که ممکن است در حوزه فعالان جبهه فرهنگی تعریف نشوند، باید آن ها را هم با حلقه وصل متصل کرد. باید در مساجد، مهد قرآن ها و دیگر نهادهای فرهنگی، حلقه وصل توزیع شود و به دست فعالان فرهنگی برسد. از نظر ظاهر و طراحی هم باید تنوع بیشتری به خرج داد. افرادی که نشریه را به آن ها معرفی کردم و برای اولین بار با آن برخورد داشتند، بارها چنین بازخوردی به من دادند.

شاید اگر تیمی برای تعیین رویکردهای نشریه و موضوعات آن تشکیل شود، حوزه موضوعی آن بیشتر شود. شاید مخاطبان هم بتوانند در این خصوص کمک کنند. بسیاری از فعالان فرهنگی در برخی موضوعات دچار چالش هستند، برای مثال نمی دانند چه محتوایی برای سرگرمی فرزندان خردسال آنان وجود دارد، بنابراین به ناچار به سمت استفاده از سرگرمی های ساخت کشورهای دیگر گرایش پیدا می کنند! □

یکی از ویژگی های مثبت حلقه وصل این است که رویکردی ثابت دارد و خط سیر خود را با روی کار آمدن حزب و گروهی خاص تغییر نمی دهد، البته نه اینکه نسبت به رویدادهای سطح جامعه بی تفاوت باشد. مثلا پس از شهادت حاج قاسم، در حالی که همه کشور به دنبال برگزاری مراسم یادبود و بزرگداشت بودند، حلقه وصل هم به این حادثه پرداخت، ولی به دور از هیجان و احساس، کار خود را به پیش برد و آن چنان که با رسالت و وظیفه اش در ارتباط بود، به تشریح حادثه پرداخت. همین ویژگی موجب شده مطالب حلقه وصل به مرور زمان گرفتار کهنگی نشود. بسیاری از شماره های حلقه وصل پای بند زمان نیست و حتی ۱۰ سال دیگر هم برای رجوع مناسب است، به این خاطر که حلقه وصل به دنبال پاسخ گفتن به نیازهای گذرای جامعه نیست، اگر هم مسائل روز را موضوع خود قرار می دهد، در پی آن است که از ظاهر فراتر رود و بحثی مبنایی و ریشه ای انجام دهد. شاید ادامه این روش بتواند در آینده یک دایره المعارف در حوزه مسائل فرهنگی ایجاد کند.

خود را شناسانده اید!

حلقه وصل در ارائه آنچه دارد، ضعیف است. بسیاری مجموعه ها عملکرد ناچیز و اندک خود را به شکلی ارائه می دهند که مخاطب را به تحیر وامی دارد، ولی حلقه وصل با این همه فعالیت های گسترده و مفید، نتوانسته است خود را به دیگران بشناساند. حتی بسیاری از فعالان فرهنگی هم هنوز حلقه وصل را نمی شناسند. من



نشریه روایتگر



جلیل یزدانی، از شماره ۶۴، صفحه آرای حلقه وصل را بر عهده دارد. وی پیش از این هم با نشریه ارتباط داشته و یکی از مخاطبان قدیمی آن به شمار می رود.



خودش این خلاء را پر کرد. مسیر همین بود، هرچند آهسته؛ آن موقع در دل می گفتم ای کاش پیوسته هم باشد. حال که به صدمین شماره رسیده است خرسندم از اینکه پیوسته بوده اند. هر ماه مشکلات و چالش هایی را که در انتشار نشریه اتفاق می افتد از نزدیک شاهدم و همیشه یکی از نگرانی هایم این است که رقیب معمولاً به دلیل گستردگی منابع، در عرصه نشر بهتر وارد میدان می شود. امیدوارم روح خودجوش این گونه فعالیت های فرهنگی بر استقامت آن بیافزاید و ارزش و جایگاه آن بیش از پیش اثبات شود! □

و عمیقاً غرق شوم. حیرت زده بودم از اینکه راه را درست می رفتند؛ پرداختن به دغدغه های فرهنگی، به رو آوردن بی محابای چالش ها و کاستی ها و از همه مهم تر، رصد فعالیت تشکلهای فرهنگی و انعکاس تجربیات، همچون یک ناظر بی طرف که صرفاً روایتگر است.

«روایت» بخش مهمی از کار بود. در تشکلهای فرهنگی، «روایت» ضعیف بوده و هست. اینکه چطور عرضه می شویم، میزان متقاضیان مان را تعیین می کند. حلقه وصل به اندازه سهم

تابستان گرمی بود - تقریباً شش سال پیش - که حوالی ظهر از دفتر «حلقه وصل» با من تماس گرفتند و گفتند که در مشهد نیرویی می خواهند تا در نمایشگاهی به مناسبت اردوی تشکلهای فرهنگی، غرفه نشریه را بچرخاند. فقط خبر انتشار «حلقه» را شنیده بودم و تا به حال خود نشریه را از نزدیک ندیده بودم. خرسند بودم از اینکه در یک رویداد فرهنگی شریک می شوم. غرفه را تحویل گرفتم؛ نشریه ها از تهران رسید و نمایشگاه شروع شد. فرصتی در آن نمایشگاه به دست آمد تا نشریه را ببینم، روبروی آن بنشینم

حلقه وصل، محل اتصال جاده و بزرگراه



حمیدرضا محمدی، یکی از قدیمی ترین اعضای حلقه وصل است که از زمان پیوستن به این مجموعه تا کنون، در آن مانده و بسیاری از امور محتوایی و اجرایی را مدیریت می کند. هر چند از ابتدا قرار نبود مطالب «حلقه یاران» در قالب گفت و گو تنظیم شود، ولی به خاطر احتمال از بین رفتن برخی اطلاعات، حیث بود اگر این گفت و گو، در قالب دیگری تنظیم شود.



آقای یزدانی درخواست کرده بود غرفه را از حلقه وصل بگیرد. شاید اگر این غرفه واگذار می شد و حلقه وصل به جای دیگری می رفت، امکان گرفتن امتیازاتی وجود داشت، ولی آقای یزدانی با ما مشورت کرد، استدلال ما را پذیرفت و به آن فرد جواب رد داد. از قضا دلخوری هایی هم به وجود آمد، ولی آنچه در بسیاری از مجموعه های فرهنگی و غیر فرهنگی دیده می شود و مدیر به اعضا امر می کند تا مطابق دستورش رفتار کنند، رخ نداد. در حلقه وصل اهمیت دادن به نظر نیروها و پذیرفتن دغدغه ها و استدلال آنان، آن هم در این حد که گویا آنان تصمیم گیران مجموعه هستند، بسیار قابل توجه و بی نظیر است.

بها دادن به حضور در نمایشگاه آن دوره، موجب شد در دوره بعدی نمایشگاه مطبوعات، دوره بیست و دوم که دو سال بعد برگزار شد، به صورت حرفه ای به دنبال غرفه آرای بیرونی برویم و با انگیزه های بسیار زیاد، به ایده پردازی مشغول شویم. ویژگی دیگر حلقه وصل، ماهیت آن است: حلقه وصل همان طور که از نامش پیداست، فقط وسیله اتصال است و هویت مستقلی ندارد، تنها تابع فعالیت موسسات و فعالان فرهنگی است. این ویژگی در داخل مجموعه هم برقرار است: ساختار و تشکیلات غیرمنطقی که افراد ذیل آن قرار بگیرند و هویت شان عوض شود، در حلقه وصل وجود ندارد. چیزی که مشابه آن را در جای دیگری ندیده ام.

از ورود خود به حلقه وصل و مهم تر از آن، ماندگاری تان در این مجموعه بگویید.

پیش از ورود به حلقه وصل، در موسسه ای حضور داشتم که روش مدیریتی خاصی داشت. همین روش مدیریت سبب شده بود توانم با آن مجموعه به خوبی کار کنم. محمد رستم پور که آن زمان در آن موسسه فعالیت داشت و با حلقه وصل هم همکاری می کرد، مرا به این نشریه معرفی کرد. شهریور ۹۲، در حالی که هنوز کارهای مربوط به جمع آوری مطالب شماره ششم تمام نشده بود، من به این مجموعه پیوستم. البته شرط کردم مدتی، حدود یک ماه، بمانم و کار کنم تا اگر رضایت دوطرفه حاصل شد، بمانم و ادامه دهم.

از نوجوانی دوست نداشتم به کاری مشغول شوم که ایده پردازی و خلاقیت را محدود کند، رضایت درونی برایم بسیار مهم بود. از این رونمی توانستم هر کاری را قبول کنم. من با این نگرش وارد حلقه وصل شدم و همین دغدغه را با آقای یزدانی مطرح کردم. برایم جالب بود که در همان روز اول، پشت میز آقای یزدانی نشستم و کار را شروع کردم! متوجه شدم در حلقه وصل کار از هر چیزی مهم تر است و منصب و جایگاه شغلی معنایی ندارد.

در بدو ورود به مجموعه، از من خواسته شد امور مربوط به چاپ نشریه را انجام دهم. در همان فرصت محدود، تحقیق درباره چاپ را شروع کردم و نمونه کاغذهای موجود در بازار را گرد آوردم. من که به هیچ وجه با صنعت چاپ آشنایی نداشتم، یک هفته بعد، اطلاعات جامعی در این حوزه به دست آورده بودم. حتی یک چاپ خانه را انتخاب و با آن قرارداد شفاهی چاپ نشریه را منعقد کرده بودم. همین نخستین ماموریت من به نشان داد در این مجموعه به نیروها اعتماد کامل وجود دارد و به آنان بها داده می شود.

من حلقه وصل را به خاطر حجم کارهایش، به اقیانوسی تشبیه می کنم که هر کس تن به آب بزند، مجبور است تا انتهایش برود، ولی خوشبختانه یک غریق نجات بالای سرش هست که تا انتهای آن اقیانوس رفته است و هر جا لازم باشد، به داد او می رسد! هیچ وقت هم نگران نیست که کسی به آن آخر برسد و جایش را بگیرد، به همین خاطر همه نکات مربوط به پیمودن مسیر و رسیدن به انتهای آن اقیانوس را آموزش می دهد!

در طول سال هایی که در حلقه وصل فعالیت داشتید، افراد بسیاری به این مجموعه پا گذاشتند، ولی از آن جدا شدند و رفتند...

بله! برای بسیاری از آنان حلقه وصل مثل یک عوارضی بود که جاده باریکی را به بزرگراه وصل می کند. این افراد در حلقه وصل آموختند و افق های پیش روی آنان بسیار وسیع تر شد. از این رو شاید اگر درباره حلقه وصل از آنان بپرسید، از دوران فعالیت خود در این مجموعه خاطرات شیرین زیادی داشته باشند و آن را منشاء رویدادهای مثبت زیادی در زندگی خود بدانند.

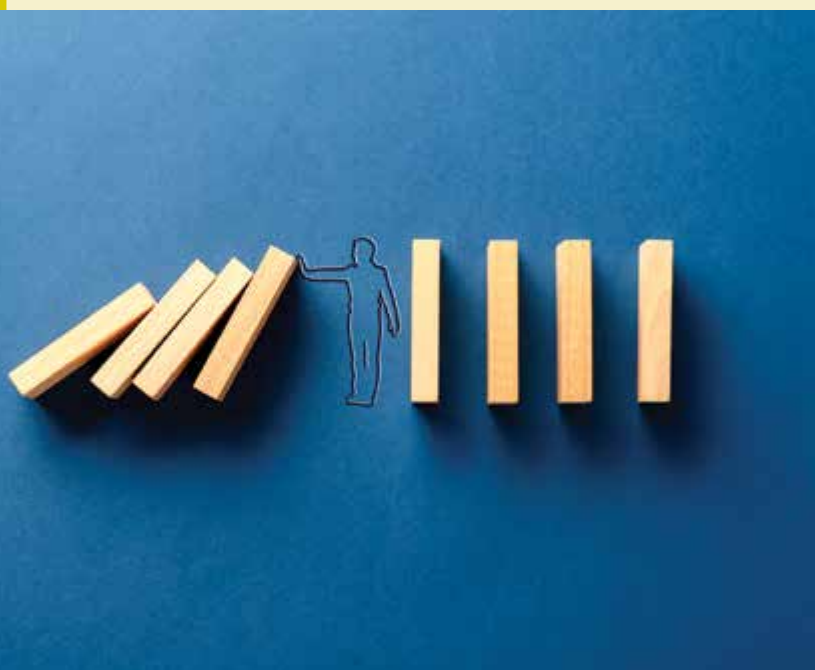
حلقه وصل را در بین تمام رسانه های موجود، صاحب چه ویژگی های متمایزی می دانید؟

در حلقه وصل کار زیاد است، به اندازه ای که فرصت چندانی برای استراحت پیش نمی آید! در حین کار هم دما دم با دنیاهای جدیدی روبرو می شوید که امکان ایده پردازی و نوآوری را فراهم می کند. مثلاً در نمایشگاه مطبوعات سال ۹۳، که نخستین حضور جدی حلقه وصل در بین مطبوعات سراسر کشور بود، تمام امور مربوط به انتخاب و فضا سازی غرفه به اعضای مجموعه سپرده شد. ما بعد از چند جلسه، تصمیماتی گرفتیم و تقسیم کار کردیم. ما هنوز در چنین نمایشگاهی شرکت نکرده بودیم و این رویداد، تجربه ای جدید و محلی برای آموختن بیشتر بود. همزمان یکی از کسانی که پیش از این نیز با حلقه وصل همکاری هایی داشت، از

...ولی به هر حال حلقه وصل به عنوان یک تشکیلات، هدف و کارکرد خاصی برای خود تعریف کرده است و باید آن را از لحاظ همان ویژگی هایی که هر تشکیلاتی دارد، سنجید! حلقه وصل که سال ها به مجموعه های مختلف درس رفتار

تشکیلاتی داده است، خودش از این لحاظ در چه شرایطی به سر می برد؟

طبیعتاً حلقه وصل در برخی ویژگی های تشکیلاتی خاص و ممتاز و در برخی دیگر حائز برخی معایب بوده است. مثلاً در زمینه نیرو سازی، کسانی که به آن وارد شده اند، اغلب آموخته اند و با کوله باری پُرتر آن را ترک کرده اند. در طول این سال ها حلقه وصل هرگز به نیرو بخل نوزید و سعی نکرد از پیشرفت او جلوگیری



تفاوتی نکرده باشد، حتی دچار نزول هم شده باشد ولی در مقابل، انتظارات از آن بالا رفته باشد؟ این نشان می‌دهد تکلیف جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با حلقه وصل مشخص نیست. اگر می‌بینید حلقه وصل در طول سال‌های فعالیت خود از نظر محتوا و ظاهر پیشرفت کرده، به خاطر افزایش بودجه و امکانات نبوده، بلکه به خاطر فداکاری و اضافه شدن تلاش نیروهای آن بوده است...

جریان‌سازی به اتحاد رسانه‌ها نیاز دارد. در داخل جبهه فرهنگی انقلاب، نهادهای زیادی به اسم رسانه تاسیس شده‌اند، ولی متأسفانه با یکدیگر و با حلقه وصل، تعامل درستی ندارند. این تعدد رسانه‌ها در واقع بودجه و امکانات را پراکنده کرده است.

علاوه بر این، یکی از موانع بزرگ در مسیر جریان‌سازی، فهم ناکافی نیروهای انقلابی از رسانه است. نتیجه این فهم ناکافی آن است که زحمت نیروهایی که در حلقه وصل فعالیت می‌کنند، چندبرابر می‌شود؛ بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی، خصوصاً در شهرستان‌های کوچک از ارزش کار خود باخبر نیستند. من مدتی پیش از مجموعه‌ای گزارشی تهیه می‌کردم که کار سه وزارتخانه را در یک منطقه انجام می‌داد، ولی آن قدر این کارها برایش عادی بود که لزومی به انعکاس خبری آن نمی‌دید.

اگر حلقه وصل جریان‌ساز نیست، چه تاثیری در فضای فرهنگی کشور دارد؟

تاثیر حلقه وصل گرچه در نگاه اول شاید اندک به نظر آید، ولی کافی است یک بار تأخیری در انتشار رخ دهد تا سیل تماس‌های فعالان فرهنگی به سوی آن روانه شود! چند بار که به دلیل مشکلات چاپ، در حد یک هفته انتشار نشریه عقب افتاده است، مخاطبان زیادی شکوه کرده‌اند. حتی مواردی بوده که موضوعی در نشریه منتشر شده ولی به کار برخی مخاطبان نیامده و بلافاصله به گلایه انجامیده است. همین بازخوردها گواهی است بر اثرگذاری حلقه وصل! این راه هم در نظر بگیرید که اثرگذاری و جریان‌سازی فرهنگی امری طولانی مدت است؛ باید هالیوود ۲۰ سال در رابطه با یک موضوع فیلم بسازد تا به مقصودش برسد، همین طور هم حلقه وصل باید خرد خرد به پیش برود تا به نتیجه برسد... هیاهو و جنجال شاید جریانی ایجاد کند، ولی عمر آن کوتاه است و بی نتیجه می‌ماند.

تا به حال موضوعاتی در حلقه وصل به وجود آمده است که بازخوردهایی خارج از توقع شما داشته باشد؟

در اوایل فعالیت حلقه وصل، در پرونده‌های مختلفی نظریه‌های تشکیلاتی بررسی شد و مثال‌هایی از سازمان‌های مجاهدین در آن آمد. همین موضوع واکنش‌های شدیدی در پی داشت، حتی حلقه وصل را متهم کردند به ترویج و تطهیر تفکر این سازمان؛ در حالی که هدف، تشریح آن شیوه بود.

در شماره بیستم رابطه دختر و پسر در مجموعه‌های فرهنگی بررسی شد، یکی از موضوعات مهمی که خیلی از مجموعه‌ها با آن درگیر هستند. بسیاری مجموعه‌ها تصور می‌کنند دختر و پسر در کارهای فرهنگی به هم نزدیک می‌شوند و در نهایت کارشان به ازدواج می‌انجامد، ولی سوال حلقه وصل این بود که اگر کار به ازدواج ختم نشد چه؟! این موضوع هم واکنش‌های شدیدی در پی داشت که باعث شد شماره بیست و چهارم هم مجدداً به همین موضوع اختصاص پیدا کند.

بعد از ۹ سال، حلقه وصل به چه دستاوردهایی رسیده است؟

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حلقه وصل، تبدیل شدن به رسانه فعالان فرهنگی مستضعف است. بسیاری از فعالان فرهنگی که در گوشه‌گوشه کشور فعالیت می‌کنند و هیچ کس به آنان توجه نمی‌کند، از سوی حلقه وصل برجسته شده‌اند. البته این جایگاه با مطلوب فاصله دارد، ولی اگر حلقه وصل به جایگاه مطلوب نرسیده، به خاطر بضاعت محدود است، نه کم‌کاری.

گردآوری خبرها و گزارش‌های فعالیت‌های فرهنگی هم دستاورد بزرگی است که شاید تا چند سال دیگر ارزش آن مشخص نشود. حلقه وصل به نوعی توانسته است یک دوره نظریه‌های تشکیلاتی برای فعالان فرهنگی ارائه دهد. از نظر تولید محتوا، حلقه وصل واقعاً بیش از یک نشریه دستاورد داشته است. موضوعات و محتوای حلقه وصل چیزی نیست که تاریخ مصرف داشته باشد. با این وجود حلقه وصل در زمینه رسانه‌های برخط نتوانست به جایگاه مناسبی دست یابد که باز هم دلیل آن، بضاعت محدود بوده است. □

کند، حتی اگر این پیشرفت در گرو خروج وی از مجموعه بود. همراهی در پیشرفت نیروها به حدی بوده که گاهی به آنان در مورد ادامه فعالیت در مجموعه‌های دیگر مشاوره هم داده شده است. به یاد ندارم کسی در حلقه وصل به آموختن رغب بوده و فضا برایش فراهم نشده باشد، هرچند عکس آن فراوان بوده؛ بارها تلاش شده است آموزش‌هایی به برخی افراد ارائه شود ولی آنان قبول نکرده‌اند.

یکی از بهترین نکاتی که درباره عملکرد حلقه وصل می‌توان برشمرد، ثبات قدم آن است: صدمین شماره نشریه منتشر شده است بدون اینکه در طول این همه سال، حتی یک ماه وقفه در انتشار رخ دهد. در نظر داشته باشید که همیشه در فروردین به خاطر تعطیلات نوروزی، عملاً امکان انتشار وجود ندارد و همیشه شماره اسفند و فروردین با هم منتشر شده است. یک بار هم که به صورت آزمایشی در فروردین یک شماره مستقل منتشر کردیم، به معنی واقعی کلمه دچار مشکل شدیم؛ چاپخانه تعطیل بود، کاغذ فروش‌ها فروش نداشتند، نرخ‌های بازار بیش از شرایط عادی بود... البته این فعالیت بی‌وقفه، به هیچ وجه به معنای نبودن فراز و فرود نیست و قطعاً افت و خیزهایی در این مسیر بوده است.

در حلقه وصل هرگز حقوق کارمندان، حتی تحریرنویسان که در فضای کارمندی و دریافت مقرری فعالیت نمی‌کردند، عقب نیافتاده، در صورتی که تامین بودجه آن همواره با مشکلات فراوان روبرو بوده است.

از جمله دیگر ویژگی‌های تشکیلاتی حلقه وصل، تلاش مداوم برای اصلاح خود بوده است: حلقه وصل بارها خود را در معرض نقد و سنجش قرار داده و تلاش کرده است کاستی‌های خود را جبران کند. هر انتقادی که به حلقه وصل رسیده، در داخل مجموعه مطرح و به آن عمل شده است، مگر آنکه در بضاعت حلقه وصل نباشد.

حلقه وصل چه میزان قائم به فرد است؟

به صورت طبیعی، نه تنها حلقه وصل، بلکه هر موسسه و تشکیلی که در هر موضوعی فعالیت می‌کند، به مدیر خود وابستگی دارد، زیرا مدیر است که زاویه و عمق نگاه و شیوه فعالیت را مشخص می‌کند؛ از طرف دیگر به نیروها هم وابسته است به این خاطر که بخش زیادی از امور اجرایی بر دوش آن‌هاست. ولی تجربه من نشان می‌دهد حلقه وصل به بلوغی رسیده است که بتواند راه خود را بدون اتکا به افراد ادامه دهد.

البته توجه داشته باشید که بدلیل رویکرد حاکم بر حلقه وصل، ساختار بروکراتی است که شکل افراطی آن را در دستگاه‌های فرهنگی دولتی می‌بینیم. در این ساختار دولتی جایگاه است که عملکرد فرد را مشخص می‌کند، حتی یک فرد توانمند هم اگر در آن مقام قرار گیرد، نمی‌تواند بیش از آنچه جایگاهش اراده کرده است، بازدهی داشته باشد. کارهایی که امروز در حلقه وصل انجام می‌شود، اگر قرار بود با ساختاری بروکراتیک اجرا شود، حداقل به ۵۰ نفر نیرو احتیاج داشت.

به نظر شما حلقه وصل توانسته در عرصه فرهنگی جریان‌ساز باشد؟

صادقانه بگویم: حلقه وصل هیچ وقت در بزنگاه جریان‌سازی فرهنگی حاضر نبوده است. هر مجموعه برای جریان‌سازی، باید سرسلسله جریان‌های کشور باشد. جریان‌سازی قهرآزماوند عقبه نظری است، عقبه‌ای که محتاج حضور و فعالیت یک گروه پژوهشگر است تا بنشینند و بزنگاه‌ها را پیش‌بینی کنند. اگر تمام افرادی را که در طول این سال‌ها در نشریه مطرح شده‌اند، بررسی کنید، متوجه خواهید شد بیشتر آنان نظریه‌پردازان و فعالان اصلی جبهه فرهنگی انقلاب هستند و حلقه وصل آینه‌ای برای نمایاندن آن‌ها نبوده است. در واقع حلقه وصل خود را مجری و تابع نظریات و فعالیت‌های آنان قرار داده است، پس اگر جریان‌ساز نیست، برمی‌گردد به اینکه نظریه‌پردازان و فعالان فرهنگی با هم متصل و جریان‌ساز نیستند.

این راه هم در نظر بگیرید که بسیاری از افراد خارج مجموعه، خصوصاً مخاطبان، از حلقه وصل توقع جریان‌سازی دارند، در حالی که ما به عنوان افراد داخل مجموعه می‌دانیم سرمایه‌گذاری صورت گرفته روی آن به اندازه‌ای نیست که بتوان از آن چنین خروجی وسیعی انتظار داشت. از ابتدا حلقه وصل تاسیس شد که به انعکاس فعالیت‌های جبهه فرهنگی بپردازد، در حالی که جریان‌سازی نیازمند چیزی بیش از این‌هاست.

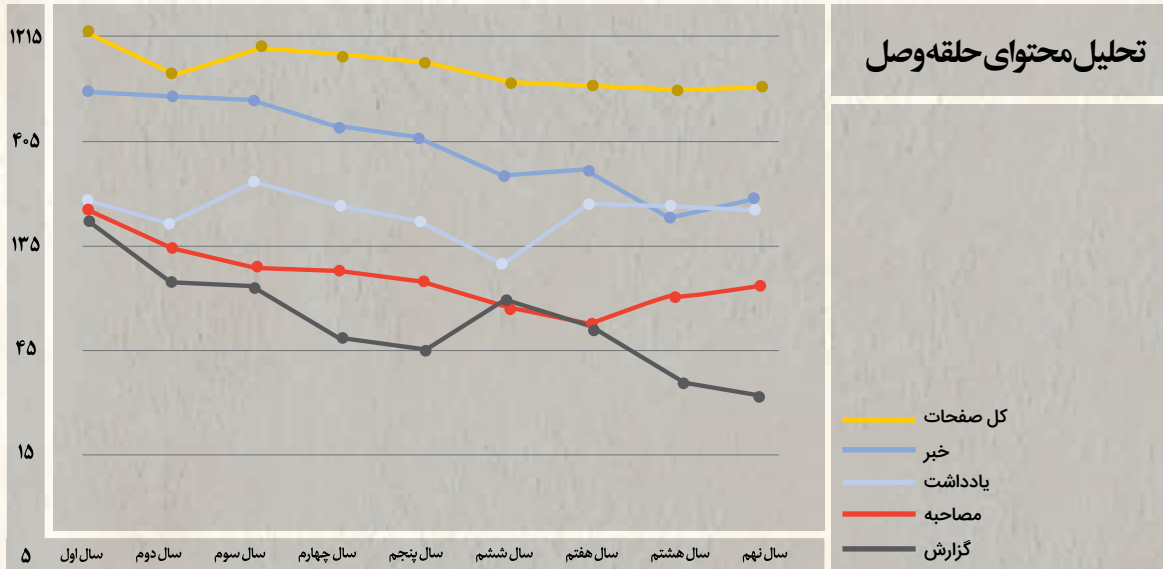
هر کس ابتدای کار حلقه وصل را به یاد داشته باشد و با امروز مقایسه‌اش کند، متوجه خواهد شد از نظر ابعاد تشکیلاتی، تغییری نکرده است. چطور ممکن است ابعاد ماهنامه‌ای بعد از پایان ۹ سالگی خود، بعد از انتشار ۱۰۰ شماره، هیچ

حلقه در حلقه

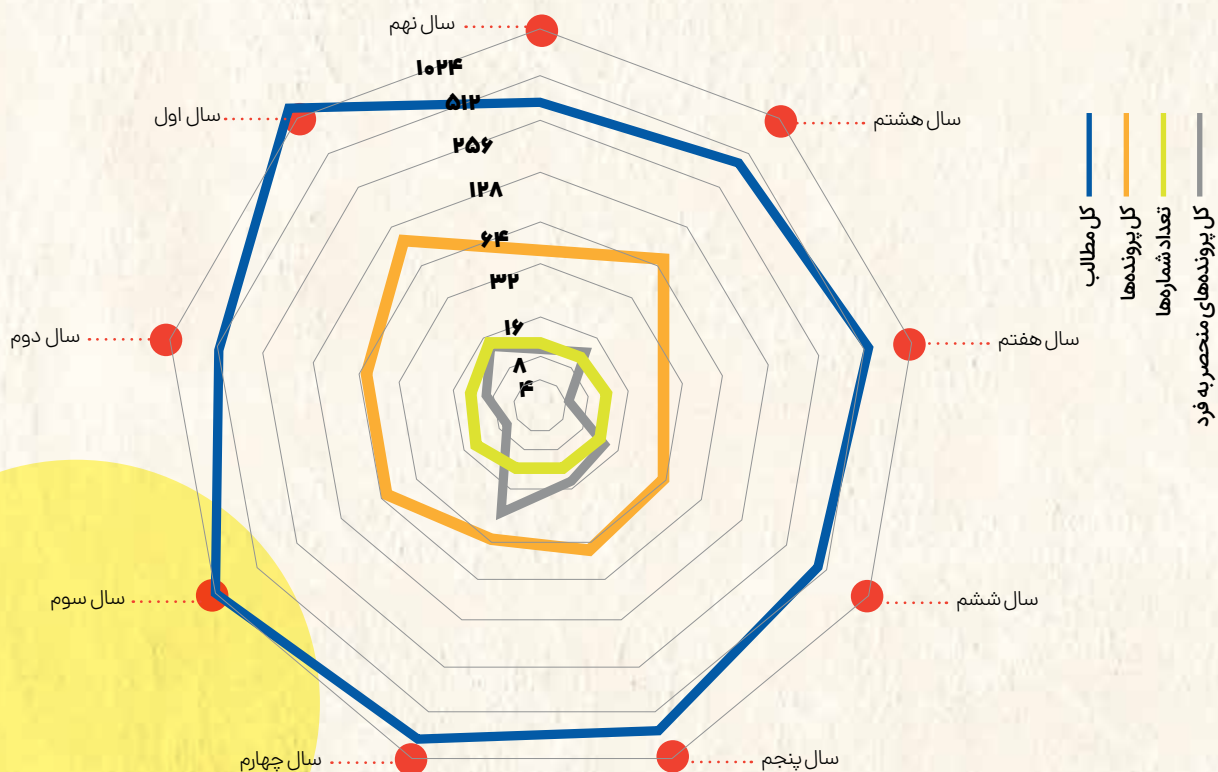
صدمین شماره حلقه وصل را در دست دارید، ماهنامه‌ای که دهمین سال فعالیت خود را آغاز کرده است. این پرونده نگاهی آماری و روایی دارد به تمام آن چه در این سال‌ها بر حلقه وصل گذشته است، هر چند به تصویر کشیدن تمام تلاش‌ها و تجربه‌ها و رویدادها و دستاوردها در یک پرونده، ناممکن می‌نماید!



هر آنچه در حلقه وصل خوانده‌ایم



یکی از راه‌ها برای تحلیل محتوای نشریه، بررسی نوع مطالبی که در هر شماره کار شده. چون هر نوع مطلب کاربرد خاصی دارد، مثلاً گزارش بیشتر جنبه خبری دارد و به رویداد روپوشش می‌دهد؛ یا یادداشت کارش انتقال به موضوع و بیان به مفهوم هست. همون طور که می‌بینید، برای اینکه بررسی رو راحت‌تر کنیم، مطالب رو در هفت دسته، تقسیم‌بندی کرده‌ایم. البته ممکنه گاهی به گفتگو به صورت یادداشت درج شده باشه (به اصطلاح بهش می‌گن یادداشت شفاهی) که قاعدتاً به عنوان به یادداشت شمارش شده؛ یا ممکنه از به رویداد یا سخنرانی به گزارش، یادداشت یا خبر منتشر شده باشه که اونا هم زیرمجموعه همین موارد شمارش شده. بررسی همه مطالبی که در طول ۱۰ سال و در جریان چاپ ۱۰۰ شماره منتشر شده، دشواره. بنابراین با وجود همه تلاشی که برای شمارش این اعداد به خرج داده شده، هنوزم ممکنه بی‌دقتی‌ها و اشتباهایی وجود داشته باشه که باید به بزرگواری خودتون ببخشید!



صد شماره در یک نگاه

نگاهی کوتاه به موضوعات حلقه وصل از ابتدا تا کنون

ورق زدن و بررسی همه اون چیزی که در طول این ۹ سال در حلقه وصل منتشر شده، واقعا خاطره‌انگیزه. هر کدام از این شماره‌ها، نتیجه زحمات زیاد و مسئولیت سنگینی که اعضای به مجموعه بزرگ، به صورت پیوسته و مداوم به دوش کشیده‌اند. در طول این سال‌ها افراد زیادی به حلقه وصل اومده‌اند و در اون نقش آفرینی کرده‌اند، ولی چیزی که هست، همین نسخه‌های چاپی نشریه‌ست که باقی مونده تا نشونه حضور اون‌ها باشه.

سعی ما این بود که این مطلب حداکثر اختصار رو داشته باشه، با این وجود باز هم طولانی شد... و مگه ممکن بود به راحتی از کنار این همه تلاش و این همه محتوای مفید و قابل عرضه عبور کرد؟ (بیخشید! به کم تعریف از خود هم قاطی موضوع شد!) به هر حال سال به سال به بررسی نشریات پرداختیم، بیشتر هم شکل و قالب رو مورد توجه قرار دادیم، هر چند به موضوعات بررسی شده هم اشاره داشتیم.

سال اول

از بهمن ۱۳۹۱ تا اسفند ۱۳۹۲: پیش شماره تا ۱۲

حلقه وصل دقیقا زمانی متولد شد که رقیبان زیادی داشت، دوره‌ای که ماهنامه‌ها و فصلنامه‌های زیادی منتشر می‌شدند و انصافا مشتری هم زیاد داشتند. بنابراین حلقه وصل از همون اول برای اینکه دیده بشه، باید قوی شروع می‌کرد!

اگر شماره‌های سال اول رو مرور کنید، متوجه وزن سنگین اخبار خواهید شد. حتی گاهی یک سوم صفحات نشریه رو اخبار پوشش می‌داد که به خاطر وظیفه ذاتی حلقه وصل در پوشش رویدادهای فرهنگی سراسر کشور، طبیعی هم به نظر می‌رسه. از همون پیش شماره، اولین پرونده هر شماره، به خبرها اختصاص داشت، مگه این که ویژه‌نامه‌ای منتشر شده باشه و جا برای خبر نداشته! تا شماره ۸۰ اخبار تو پرونده‌ای به اسم «آینه» منتشر می‌شد، بعدش اسمش تغییر کرد و شد «قدح».

غیر از پرونده آینه، «حلقه اول» هم از همون اول، یار همیشگی خواننده‌های حلقه وصل بود. سال اول، تو ۱۳ پرونده که با عنوان حلقه اول منتشر شد، مباحث نظری و کاربردی کار تشکیلاتی مورد بررسی قرار گرفت، مثل کادرسازی، اخلاق تشکیلاتی، نقش تشکل‌ها در پیروزی انقلاب و تشکل‌های دانشجویی. البته به تناسب مناسبت‌های تاریخی و اوضاع و رویدادهای مملکت، گاهی هم موضوعات ویژه‌ای مورد بررسی قرار می‌گرفت، مثل ویژگی‌های هیأت طراز، اولویت‌های فرهنگی (شماره ۱۲ به بهانه آغاز سال ۱۳۹۳) یا نقش تشکل‌ها در انتخابات (شماره سوم به بهانه انتخابات ریاست جمهوری).

از شماره دوم، «مبشر صبح» هم به یکی از پرونده‌های اصلی حلقه وصل تبدیل شد. البته کاملا هم وجود پرونده‌ای که بتونه دغدغه‌های فرمانده جنگ نرم رو بیان کنه، حس می‌شد. پرونده «خاکریز» هم همزمان با مبشر صبح به حلقه وصل اومد و تا شماره یازده، موضوع دشمن‌شناسی رو دنبال کرد. تعریف از خود نباشه ولی گویا حلقه وصل از اون دوره پیش‌بینی می‌کرد تلاش‌هایی رو که برای بزرگ کردن چهره دشمن صورت گرفت! «جنگ، جنگ است» هم مکمل پرونده خاکریز بود، این پرونده به معرفی چهره‌های شهید و جانباز جهاد فرهنگی

سال دوم

۱۳۹۳: شماره‌های ۱۳ تا ۲۳

حلقه وصل تو سال دوم، وارد مسائل چالشی‌تر شد، خصوصا مسائلی که به خانواده و سبک زندگی مربوط بود. بار اصلی مسئولیت در شماره‌های سال دوم نشریه رو، «حلقه اول» و «نمط» به دوش می‌کشیدند. روال بر این بود که اول از همه مسأله در پرونده حلقه اول بررسی بشه، بعد در پرونده نمط درباره آثارش بر زندگی مردم یا برخی نمونه‌هایی که در مقابله با این مسأله موفق بوده‌ن، بحث بشه. نتیجه این رویکرد ایجاد زوج پرونده‌هایی در شماره‌های مختلف حلقه وصل بود:

نمط	حلقه اول
اسباب‌بازی‌ها و نوشت افزار خارجی و تأثیری که بر کودکان دارد	شماره ۱۷ نوشت افزار ایرانی اسلامی
تأثیر مهدکودک‌ها بر کودکان / معرفی مهدکودک‌های قرآنی	شماره ۱۸ مهدکودک‌ها
کودکان هیأتی، نسبت کودکان و هیأت	شماره ۱۹ شعر در مداحی و هیأت
حضور زنان در تشکل‌های فرهنگی نمونه‌ای از تشکل‌های فرهنگی خانوادگی	شماره ۲۰ رابطه دختر و پسر در تشکل‌ها

غیر از اینها پای خودسازی تشکیلاتی، مسأله حجاب، بازی‌های رایانه‌ای، اردوهای راهیان نور و همایش اصحاب عشق هم به حلقه اول باز شد. یکی از موضوعات جالب حلقه وصل که در شماره چهاردهم بررسی شد، جایگاه دود و دم در تفریحات جوانان بود. سال دوم با انتشار نخستین ویژه‌نامه حلقه وصل به پایان رسید: ویژه‌نامه سینمایی که به بررسی آثار سی و دومین جشنواره فیلم فجر اختصاص داشت.





سال سوم

۱۳۹۴: شماره‌های ۲۴ تا ۳۵

حلقه وصل تو سومین سال کاری خودش، اجتماعی تر شد، یعنی مسائلی مثل قانون‌گریزی، برنامه‌ریزی و امکانات سطح جامعه برای تفریح مردم، اخلاق رانندگی، تاثیر معماری در سبک زندگی و عوامل عصبانیت مردم رو مورد بررسی قرار داد، اون هم در پرونده نمط که یکی از سه پرونده ثابت این سال حلقه وصل بود. (دو پرونده دیگه همون همیشگی‌ها بودند: حلقه اول و آینه). نمط در شماره‌های دیگه این سال، برنامه‌سازی کودک، مصرف کالای ایرانی و افطاری ساده (در شماره ۲۷، همزمان با ماه مبارک رمضان) رو هم مورد بررسی قرار داده بود.

ویژگی شماره‌های سال سوم، جمع و جور بودن شون هست: همه شماره، به جز شماره سی و سوم که ویژه‌نامه جشنواره عمار بود، معمولاً در چهار یا پنج پرونده موضوعات رو به صورت نسبتاً مفصل مورد بررسی قرار داده‌اند. ارتباط موضوعات هم زیاد بود؛ مثلاً شماره‌های ۳۰ و ۳۱ و دو قلوهای به هم چسبیده‌ای بودند که در پرونده نمط مد و پوشش و در پرونده لؤلؤ وضعیت رسانه‌های محور مقاومت و رسانه‌های معارض اون‌ها رو بررسی می‌کردند.

تو سال سوم رویکردهای قبلی نشریه که روی معرفی تشکلهای فرهنگی تاکید داشت، به کم تغییر کرده بود و بیشتر مسائل ریشه‌ای و بنیادی مورد بررسی قرار می‌گرفت: دومین

پرونده در مورد رابطه دختر و پسر (شماره ۲۴)، سه‌گانه ایده‌پردازی (شماره‌های ۲۸ و ۲۹) و طرح‌نویسی (شماره ۳۰)، خودسازی تشکیلاتی و اوقات فراغت، عمده موضوعات حلقه اولی حلقه وصل تو سال سوم بود. البته غافل نشیم از موضوع ارتباط ورزش و تشکلهای فرهنگی که بهمن نسبتاً متفاوتی رو رقم زد! دو رویداد افق نو و اصحاب عشق هم در این سال توجه حلقه وصل رو به خودشون جلب کردند، در حدی که حلقه اولش رو بهشون اختصاص داد!

اون سال موضوع مذاکره با آمریکا هم موضوع روز بود. به همین بهانه شماره آبان ماه حلقه وصل که از قضا با ایام شهادت اباعبدالله (ع) همزمان شده بود، استکبارستیزی رو موضوع اصلی خودش قرار داده بود.

سال سوم شش تا خط ویژه هم داشت و گسترش شبکه‌های اجتماعی و بهره‌برداری‌های سیاسی و اجتماعی از ورزش در سطح جهان از جمله موضوعاتی بود که مورد بررسی قرار گرفته بود.

سال ششم

۱۳۹۷:

شماره‌های ۵۸ تا ۶۸

حلقه وصل در شش سالگی، «حلقه‌وصلی‌تر» شد! نشون به اون نشون که سرحلقه، محل معرفی موسسات و رویدادهای فرهنگی که تا پیش از شماره ۶۱ جزئی از پرونده حلقه اول بود، جدا شد و هویت مستقلی پیدا کرد. حتی در اتفاقی جدید، با وجود این که همیشه در حلقه اول طرح موضوع می‌شد و در خط ویژه یا سرحلقه مجموعه‌هایی مرتبط با موضوع معرفی می‌شدند، در شماره ۶۵ سنت شکنی شد و سر حلقه بر حلقه اول مقدم شد!

شماره شصتم حلقه وصل به بهانه سالگرد شهادت شهید بهشتی، به بررسی فعالیت‌های اون شهید بزرگوار اختصاص پیدا کرد، کسی که بسیار به کار تشکیلاتی اصرار و اهتمام داشت. در شماره‌های بعدی هم به مناسبت‌هایی که وجود داشت، موضوعاتی مثل مهدویت و انقلاب اسلامی، آسیب‌شناسی هیأت‌های مذهبی و جشن‌های نیمه شعبان و چهل سالگی انقلاب هم مورد بررسی قرار گرفت.

مصرف کالای ایرانی و جنگ اقتصادی، موضوعاتی بود که دغدغه حلقه وصل شده بود و در سال ششم دو شماره جداگانه به اون‌ها اختصاص پیدا کرد. کتاب «اقتصادنا» شهید صدر و تلاش‌هایی که برای تاسیس یک نظام اقتصادی اسلامی صورت گرفته، در شماره ۶۴ به زیر ذره‌بین رفت. شماره ۶۶ هم ویژه‌نامه‌ای بود برای همایش مصاف. آخرین شماره هم شبیه سال چهارم، ویژه‌نامه‌ای بود برای جشنواره فیلم فجر.

سال پنجم

۱۳۹۶:

شماره‌های ۴۷ تا ۵۷

شاید مهم‌ترین ویژگی حلقه وصل در پنج سالگی، حضور پا به قرص بخش گفت‌وگو بود که هر شماره برای بررسی یکی از مسائل بنیادین جامعه، آخر نشریه می‌اومد. تورم، بانکداری، سردرگمی فرهنگی، ناهنجاری‌های ناشی از تحولات انقلابی، تئوریزه شدن انقلاب و پرورش فقیه در حوزه به جای پرورش رهبر، چند تا از موضوعات این پرونده بود. خودتون می‌بینید که جهت‌گیری حلقه وصل در ادامه سال قبل، گرایش بیشتر به مسائل کلی و بنیادین هست. خط ویژه‌ها و حلقه‌اول‌های سال پنجم هم بیشتر رویدادمحور و چهره‌محور بود. در ۱۱ شماره این سال جشنواره سلمان، شخصیت امام خمینی (ره)، نمایشگاه مشهد دوست‌داشتنی، رویداد سه‌شنبه‌های مهدوی، تقارن محرم و هفته دفاع مقدس، زندگی استاد نادر طالب‌زاده، شخصیت اقبال لاهوری، زمین‌لرزه کرمانشاه و کمک‌های مردمی به این حادثه و پنج‌مین نمایشگاه ایران‌نوشت، از جمله موضوعاتی بودند که تو این دو پرونده بررسی شدند و جای خودشون رو روی جلد هم باز کردند!

قاعدتاً تو اون روزها که موضوع وادادگی دولت در برابر آمریکا، موضوع روز ایران بود، حلقه وصل هم باید به وظیفه‌ش برای آگاه‌سازی مخاطبان‌ش عمل می‌کرد. برای همین شماره ۴۹ به شرح جنایت‌های آمریکا اختصاص پیدا کرد.

راهبان نور، (و رابطه‌ش با صدور انقلاب) و افزایش جمعیت هم موضوعاتی بودند که اون سال هم مورد توجه حلقه وصل قرار گرفتند، ولی از زاویه‌ای متفاوت.

سال چهارم

۱۳۹۵:

شماره‌های ۳۶ تا ۴۶

سال چهارم، سال ویژه‌نامه‌هاست، اون هم در مسائلی که شاید جزء جنجالی‌ترین و پربحث‌ترین مسائل چند دهه اخیر به شمار می‌آد. شما این موضوعات رو یک بار بخونید: هنر انقلاب، موسیقی، ازدواج، سرود انقلابی، فرقه‌های انحرافی، برنامه ششم توسعه، وحدت شیعه و سنی و انحرافات و اشتباهات نهادهای فرهنگی تربیتی؛ می‌بینید؟! بررسی این موضوعات در یک سال باید کار مهمی باشه!

در سال ویژه‌نامه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیاده‌روی اربعین هم یک شماره (شماره چهارم) رو به نام خودش زد. جشنواره عمار (شماره ۴۴) و جشنواره فیلم فجر (شماره ۴۶) هم برای دومین بار موضوع اختصاصی حلقه وصل شدند.





سال هشتم

۱۳۹۹:

شماره‌های ۸۰ تا ۹۰

در سالی که کرونا همه جهان را تسخیر کرده بود، حلقه وصل هم کرونایی شد! اولین شماره سال هشتم به بررسی تاثیر کرونا در زندگی مردم و فعالیت موسسات فرهنگی پرداخت. ... اما از شماره ۸۱، شکل پرونده‌ها تغییر کرد و قرار شد هفت پرونده درست بشه که تمام موضوعات در اون هفت پرونده بیاد:

اول، قلدح: اخبار جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
دوم، لعل: ایده‌ها و نوآوری‌هایی که در پاسخ به نیازهای فرهنگی شکل گرفته
سوم، رواق: بررسی مهم‌ترین رویداد ماه
چهارم، گره: چالش و مشکلی که در مسیر پیشرفت جبهه فرهنگی یا موسسات وجود داره
پنجم، سرو: موسسه یا فردی که تونسته رشد کنه و فعالیت درخوری از خودش به جا بذاره
ششم، خلوص: یادی از دوران پر خاطره و پراز خلوص دفاع مقدس
هفتم، هلاهل: بیانی از رویدادهای فرهنگی به زبان طنز.
(یک راز رو بهترتون بگم: حرف آخر این اسم‌ها رو اگر به هم بچسبونید، «حلقه وصل» درست می‌شه!)

از شماره ۸۱ تا ۹۰، راه‌های جدید و جذاب دعوت به حجاب و برگزاری متفاوت عزاداری‌های محرم و پیاده‌روی اربعین تو روزهای کرونایی، چهار «لعل» رو به خودشون اختصاص دادند. سه تا چهره هم به عنوان «لعل» بررسی شدند: آیت‌الله مصباح یزدی، حاج قاسم سلیمانی و آیت‌الله مهدوی کنی. سه تا موضوع دیگه هم تو پرونده لعل بررسی شد: مسأله اعتراض در ایران (چه روشنفکرانه)، موضوع تربیت در مجموعه‌های فرهنگی و کافه‌های بازی، چهره‌های عزیزی هم در سال ۹۹ تو حلقه وصل معرفی شدند: از جمله سعید خورشیدی، مهدی حبیب‌پور و احمد بلالی! خدا شر کورونا رو از سر ما کم کنه که این همه عزیز رو از ما گرفت!

وقتی به سال هشتم نگاه کنیم، متوجه می‌شیم به خرده موضوعات رسانه‌ای هم توش پر رنگ بوده: مجموعه تلویزیونی دی‌بی‌سی، سریال آفازاده، مستند ضیافتح و جشنواره عمارتو شماره‌های مختلف این سال مورد بررسی قرار گرفته‌ند. روحیه مبارزه‌طلبی در برابر مشکلات فرهنگی و ضعف نظری فعالان فرهنگی در برخورد با مسائل جدید، هم‌افزایی ظرفیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی خودکفا، ورود بانوان به جبهه فرهنگی، ریزش‌های جبهه فرهنگی و مشکل فضای فیزیکی برای فعالان فرهنگی موضوعات جالبی بود که در سال هشتم مورد بررسی قرار گرفت.

سال هفتم

۱۳۹۸:

شماره‌های ۶۹ تا ۷۹

سال هفتم، سال شماره‌های دوپرونده‌ای بود. از ۱۱ شماره این سال، هشت تاش فقط دو تا پرونده داشت، یعنی غیر از اخبار، فقط یک موضوع تو هر کدوم از شماره‌ها بررسی شده بود. شاید بعضی‌ها خرده بگیرند که این کار شاید به رسالت حلقه وصل ضربه زده باشه، ولی باید تمرکز بر موضوعات و بررسی بهتر اون‌ها رو یکی از مزایای این کار بدونیم.

حلقه وصل، سال ۹۸ رو با پرونده عدالت‌خواهی شروع کرد، به موضوع گام دوم انقلاب رسید، بعد درباره مهجوریت حادثه هفتم تیر نوشت، نفوذ آمریکا در ایران بعد از کودتای سال ۳۲ رو بررسی کرد، پرونده هیأت و خانواده رو باز کرد و سپس به سراغ وحدت رفت. در این سال پرونده ویژه مهاجران افغانستانی یکی از شاهکارهای حلقه وصل بود، موضوعی که با این تفصیل در نشریه دیگه‌ای کار نشده بود. این شماره، چهره تازه‌ای از افغانستانی‌های ایران رو تصویر کرد. در شماره بعد هم سرزمین پر از فرصت کردستان به عنوان یک نشریه جداگانه منتشر شد و حرف‌های جدید و گفته نشده‌ای از کردستان گفته شد. دی ماه ۹۸، ماه بهت و اندوه ایرانی‌ها بود. سردار قهرمان ایرانی را از مردم گرفتند و داغ عجیبی به دل همه نشست. حلقه وصل در همان ماه، ویژه‌نامه‌ای مفصل برای شهادت حاج قاسم منتشر کرد. این وسط هم شماره ۷۵ به گزارشی مفصل از نشست اصحاب اندیشه اختصاص پیدا کرد و ادامه‌ش در خط ویژه شماره بعد اومد.

شماره‌های ۷۵ و ۷۶ هم دو تا پرونده «سرمشق» داشتند که محتواشون شبیه پرونده‌های گفتمان بود: یکی به الگوی امت‌سازی پرداخت و دیگری حاوی شرحی بود بر بیانیه گام دوم انقلاب.

سال نهم

۱۴۰۰:

شماره‌های ۹۱ تا ۹۹

بالاخره رسیدیم به حلقه وصل در حال حاضر، نشریه‌ای که به سنین نوجوانی رسیده! الان هم خیلی از همتایانش که زمان شروع به کارش ددببه و کبکبه داشتند، سال‌هاست از دنیای مطبوعات رخت بر بستند، ولی حلقه وصل به لطف خدا هنوز پا بر جاست و برای دهه دوم حیات خودش برنامه می‌ریزه!

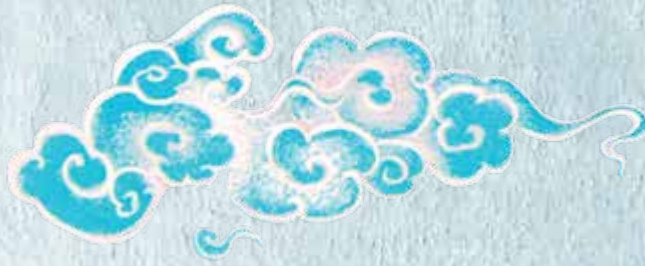
سال نهم با موضوع حلقه‌های میانی آغاز شد، یعنی موسسات و گروه‌هایی که می‌تونند ظرفیت‌ها رو جمع و متمرکز کنند. مثل خیلی از سال‌ها، امسال هم موضوعاتی مثل جمعیت، عفاف و حجاب (در شماره ۹۳ به بهانه سالگرد کشتار مردم در مسجد گوهرشاد و با نگاهی به مسأله مد و لباس) و نوشتن ابزار داخلی (و کلان‌نشان‌های تجاری و شخصیت‌های حوزه کودک و نوجوان) مورد توجه حلقه وصل بود.

از بین چهره‌ها هم شهید سلیمانی، محمدسرور رجایی، هانی چیت‌چیان، حسین فرج‌نژاد و شهید حججی تو شماره‌های مختلف روی جلد راه پیدا کردند، البته حضور حاج قاسم ویژه‌تر بود، چون با برگزاری جشنواره «قهرمان من» همزمان شده بود.

جهاد سازندگی و شورای انقلاب فرهنگی هم در دو شماره «گره» شده بودند. البته شورای انقلاب فرهنگی به عنوان یکی از رویش‌های انقلاب برای پاسخگویی به نیازهای زمانه، در شماره ۹۹ به بخش رواق هم راه پیدا کرد. بد قولی فعالان فرهنگی و فراروشون از مسئولیت و راست و دروغ‌ها درباره کوروش کبیر (مطالب این پرونده حسابی هم واکنش به دنبال داشت) «گره»‌های دیگر این سال بودند.

مدارس مسجدمحور هم یکی از موضوعات مورد بررسی حلقه وصل در سال نهم فعالیتش بود، همین‌طور مسأله گردشگری که متأسفانه هنوز نگاهی فرهنگی به این مسأله صورت نگرفته! حلقه وصل در شماره ۹۹ گردشگری رو به عنوان راهی برای صدور انقلاب به بخش «لعل» آورد! حالا حلقه وصل در صدمین شماره خودش یک بار خودش را مرور کرده و سعی می‌کنه حرکتی رو به جلو داشته باشه.





یک دنیا خاطره

پربازخوردترین شماره‌های حلقه وصل

در طول سال‌های فعالیت حلقه وصل، سعی شد هر شماره با محتوایی ارائه شود که بیشترین کاربرد را برای فعالان فرهنگی داشته باشد. با این وجود مثل هر کاری، حلقه وصل هم افت و خیزهایی داشت. این جا بعضی شماره‌ها را بررسی می‌کنیم که نسبت به بقیه، بازتاب‌ها و بازخوردهای بیشتری داشته‌اند، البته نه این که بقیه شماره‌ها مورد توجه نبوده است!

شماره ۱۶

مرداد ۹۳

آن سال‌ها تازه موضوع بازی‌های رایانه‌ای بر سر زبان‌ها افتاده بود و گروه‌هایی برای تولید بازی‌های ایرانی تشکیل شده بودند. از آنجا که مخاطبان این بازی‌ها روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کرد، حلقه وصل یکی از نخستین رسانه‌های جبهه فرهنگی بود که موضوع بازی‌های رایانه‌ای را مورد بررسی قرار داد و گزارشی از تولید این بازی‌ها در جبهه فرهنگی انقلاب ارائه کرد.

شماره ۱۲

اسفند ۹۲ و فروردین ۹۳

شماره دوازدهم را که در پایان نخستین سال فعالیت حلقه وصل منتشر شد، می‌توان یک نقطه عطف در نظر گرفت؛ نقطه عطفی که توانست حلقه وصل را به خوبی در بین فعالان فرهنگی مطرح کند. در این شماره بیش از ۴۰ تن از فعالان فرهنگی سراسر کشور حضور داشتند و گفتارها و یادداشت‌هایی از آنان در آسیب‌شناسی فعالیت‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به چاپ رسید.

شماره ۲۰ و ۲۴

آذر ۹۳ و فروردین ۹۴

بررسی رابطه دختر و پسر در تشکل‌های فرهنگی، موضوع دو مورد از پربازخوردترین شماره‌های حلقه وصل بود. خیلی‌ها که فضای فرهنگی مجموعه‌ها را بهانه می‌کردند و نسبت به این ارتباط‌ها بی‌تفاوت بودند، در برابر این موضوع واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند؛ از تشکر و تحسین گرفته تا اتهام و ملامت! بازخوردهای شماره بیستم تا چند ماه ادامه داشت، تا جایی که حلقه وصل متقاعد شد در آغازین شماره سومین سال فعالیت خود، دومین پرونده را در این باره منتشر کند. موضوعی که همچنان به عنوان یکی از سوال‌های اصلی فعالیت تشکیلاتی، روی میز صاحب‌نظران و فعالان است. علاوه بر این در شماره ۲۴ حلقه وصل، بیش از ۶۰ تن از فعالان فرهنگی درباره افق‌ها و برنامه سال جدید سخن گفتند.

شماره ۳۷

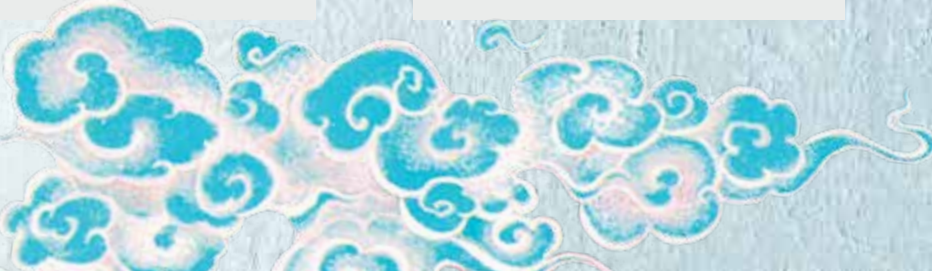
خرداد ۹۵

موضوع موسیقی به قدری در چند دهه اخیر مناقشه‌برانگیز بوده که پرداختن به آن در یک نشریه فرهنگی انقلابی، جسارت ویژه‌ای می‌طلبد! بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که شماره ۳۷ با این حجم از بازخوردها مواجه شود و نظرات مثبت و منفی زیادی دریافت کند؛ شماره‌ای که به بهانه سالگرد رحلت حمید سبزواری، موسیقی و سرود انقلابی را موضوع اصلی خود قرار داده بود.

شماره ۲۶

خرداد ۹۴

این شماره اوقات فراغت تابستان را به عنوان موضوع محوری خود انتخاب کرده بود و سرآغاز چهارگانه‌ای بود که برای بررسی ابعاد مختلف فعالیت‌های تشکیلاتی منتشر شد. اتفاقاً هر چهار شماره هم به خوبی از سوی فعالان مورد استقبال قرار گرفت و توانست به عنوان مرجعی برای آسیب‌شناسی و آموزش فعالیت‌های نظام‌مند تربیتی مطرح شود.



شماره ۴۴

دی ۹۵

جشنواره مردمی فیلم عمار چند سالی بود کار خود را آغاز کرده بود. در این سال‌ها هم انصافاً موفق شده بود در بین مردم پذیرفته شود و اسم و رسمی دست و پا کند. حلقه وصل از شروع فعالیت خود به این رویداد توجه ویژه‌ای داشت، اما در شماره ۴۴ خود، همزمان با برگزاری هفتمین دوره این جشنواره، آن را موضوع اصلی خود قرار داد تا با دیدی موشکافانه ابعاد برگزاری و اثرات آن را بررسی کند.

شماره ۵۰

مرداد ۹۶

سال ۹۶ شهرداری مشهد قطعه زمین وسیعی را در یکی از مناطق «بالاشهر» به تأسیس «شهرک تاریخی مشهد دوست‌داشتنی» اختصاص داده بود، نمایشگاهی که سعی شده بود در آن، با فضاسازی تاریخی و بومی و اجرای نمایش‌های گوناگون تئاتری، حال و هوای روزگار گذشته برای مردم زنده شود. این نمایشگاه، یک اتفاق بدیع و نو در کشور بود که نمونه مشابهی نداشت. شماره پنجاهم حلقه وصل در گزارشی مفصل این رویداد فرهنگی را مورد بررسی قرار داد و به همین خاطر توجهات بسیاری را به خود جلب کرد.

شماره ۵۶

بهمن ۹۶

اگر با همین دست فرمان جلو برویم، ۳۰ سال دیگر یک سوم جمعیت ایران بالای ۶۰ سال سن خواهند داشت و بحران پیری جمعیت، امکان هرگونه تحرک و اصلاحی را از جامعه خواهد گرفت، ولی گویا خیلی‌ها هنوز در خواب به سر می‌برند و آگاه کردن آنان به تشر و تلنگر نیاز دارد! احتمالاً به همین خاطر بود که شماره ۵۶ حلقه وصل تا این اندازه مورد توجه قرار گرفت! تقریباً بیش از نیمی از این شماره به موضوع فرزندآوری، بحران جمعیت و مبادی و آثار فرهنگی آن اختصاص داشت.

شماره ۶۰

تیر ۹۷

حلقه وصل هرگز به دنبال وارد شدن به مناقشات سیاسی نبوده است، ولی مگر می‌شد در روزهایی که موضوع «نفوذ» در بیانات مقام معظم رهبری به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل روز کشور مطرح شده بود، از آن غافل شد؟ در شماره شصتم، حلقه وصل به بهانه سالگرد انفجار هفتم تیر، هم به تحلیل شخصیت تشکل‌ساز شهید بهشتی پرداخت و هم نفوذ را به عنوان عامل اصلی وقوع این حادثه غم‌بار بررسی کرد.

شماره ۶۳

مهر ۹۷

دقیقاً وقتی خیال می‌کنیم کار ما خیلی درست است، گرفتاری آغاز می‌شود! حکایت خیلی از هیأت‌های مذهبی ما هم همین است: باید از خودمان حساب بکشیم و به خود آسیم تا رشد کنیم، ولی غافلیم! البته پذیرفتن این حرف سخت است، همان‌طور که حرف‌های شماره ۶۳ حلقه وصل هم به کام افراد زیادی تلخ آمد، همان شماره‌ای که همزمان با روزهای عزاداری ابا عبدالله الحسین (علیه السلام)، هیأت‌های مذهبی و دست‌اندرکاران آن را به نقد کشید.

شماره ۶۹

اردیبهشت ۹۸

سخن گفتن از عدالت همیشه به جان آنان که با بی‌عدالتی به آلف و الوف رسیده‌اند، گران می‌آید. حلقه وصل در آغاز هفتمین سال فعالیت خود، با همه‌ها و کنایه‌های بسیاری مواجه شد، به این دلیل که پرونده اصلی خود را در شماره ۶۹ به آرمان‌خواهی و عدالت‌طلبی اختصاص داده بود!

شماره ۷۴

مهر ۹۸

مهاجران افغانستانی در چند دهه اخیر به دلیل ناامنی در کشورشان، مجبور به ترک وطن شده و به دلیل قرابت فرهنگی، مهمان ایران شده‌اند. علاوه بر این همیشه یک تصویر منفی و تحقیرشده از این هم‌میهنان در ذهن مخاطب وجود داشت و متأسفانه در طول این سال‌ها، این موضوع چندان به عنوان یک ظرفیت فرهنگی مورد توجه نبوده است، ولی حلقه وصل در شماره ۷۴، روی این موضوع مهم دست گذاشت و چهره واقعی و درستی از آنها به نمایش گذاشت و از قضا، بازخورد قابل توجهی دریافت کرد.



شماره ۷۷

دی ۹۸

تلخ‌ترین و غمبارترین نشریه در طول ده سال فعالیت حلقه وصل، ویژه‌نامه‌ای بود که به مناسبت پرواز خونین حاج قاسم منتشر شد. موضوع شماره دی ماه مشخص شده و آماده انتشار بود که سحرگاه سیزدهم دی ماه، خبر تلخ ترور سردار دل‌ها، بر سرمان آوار شد. هر چند آماده کردن این نشریه کار دشواری بود اما حلقه وصل تلاش کرد تا روزهای پایانی دی، گفت‌وگوها و یادداشت‌هایی درباره قهرمان مردم آماده کند. این نشریه از اولین آثار مکتوبی بود که پس از شهادت حاج قاسم منتشر شد و مورد استقبال ویژه مخاطبان در سراسر کشور قرار گرفت.



شماره ۷۷



شماره ۷۸



شماره ۸۲



شماره ۸۹



شماره ۹۷

شماره ۷۸

بهمن ۹۸

در سال‌های اخیر، نهادهای انقلابی توجه بیشتری به فعالیت‌های رسانه‌ای معطوف کرده‌اند. ایجاد موسسات رسانه‌ای متعدد و برگزاری همایش‌ها، جشنواره‌ها و رویدادهای مختلف، نمود عینی این توجه است. حلقه وصل به عنوان یکی از اعضای این جریان رسانه‌ای، در شماره ۷۸ خود به سراغ همین موسسات رسانه‌ای رفت و فعالیت‌های آنان را نقد کرد، اقدامی که در ادامه بحث‌های بسیاری را به دنبال داشت.

شماره ۸۲

تیر ۹۹

موضوع حجاب، چند سالی هست که حساسی جنجالی شده است، آن هم به خاطر مغالطات فراوانی که از سوی معاندان و مخالفان مطرح می‌شود و در جامعه طرفدار پیدا می‌کند. تعارف را هم باید کنار بگذاریم؛ عملکرد مسئولان فرهنگی هم در این زمینه به هیچ وجه قابل قبول نیست! حلقه وصل در شماره ۸۲ با نگاه متفاوتی موضوع حجاب را مورد بررسی قرار داد؛ نگاهی که سعی کرد تلاش‌هایی را که برای بی‌اهمیت نشان دادن حجاب صورت می‌گیرد، تحلیل کند و حتی گرانی چادر را هم نقد کند. حلقه وصل در این شماره سراغ دو قانون مهم و مصوب درباره حجاب رفت که تکلیف همه دستگاه‌های حاکمیتی را در این موضوع روشن کرده است اما کسی به این دو قانون توجهی نمی‌کند.

شماره ۸۹

بهمن ۹۹

موضوع ویژه این شماره حلقه وصل، زندگی و خدمات آیت‌الله مصباح یزدی بود، از جمله چهره‌های تاثیرگذار و مهجور انقلاب اسلامی که در دی ماه ۹۹ به لقاء الله پیوست. استقبال از این شماره به اندازه‌ای بود که خیلی زود چاپ آن به پایان رسید. بررسی جشنواره عمار و معرفی فعالیت‌های گروه فرهنگی رگا، یکی از گروه‌های نمونه و متفاوت فرهنگی که در زمینه عفاف و حجاب فعالیت می‌کند، از جمله پرونده‌های دیگر این شماره بود.

شماره ۹۷

آبان ۱۴۰۰

برای خودمان هم غیرمنتظره بود که موضوع مدارس مسجدمحور، تا این اندازه مورد توجه قرار گیرد، به طوری که نسخه‌های چاپی نشریه خیلی زود تمام شد! در این شماره، موضوع جهاد سازندگی هم به بهانه صدور فرمان آغاز تدوین سازوکار و ساختار احیای این نهاد از سوی ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت.

ده سال

در یک نگاه



برخی عددها و تاریخ‌ها ماندگارند و تبدیل به خاطره‌ای شیرین در تاریخ فعالیت نشریات می‌شوند. نگاه کردن به آمار، درنگی است بر فعالیت مستمر و جدی در عرصه انتشار و تولید محتوا و گفت‌وگو.

ترین های حلقه وصل

قاسم سلیمانی

بیشترین حضور روی جلد

علیرضا پناهیان

بیشترین نقل قول

جشنواره مردمی فیلم عمار

بیشترین موضوع پرونده

پیاده روی اربعین

پرتکرارترین رویداد

گنج جنگ (ارده‌های راهیان نور)

طولانی ترین پرونده

جشنواره فیلم فجر

بیشترین موضوع در ویژه نامه‌ها

صفحه، کل صفحات نشریه

۸۲۴۲

عنوان، کل مطالب منتشرشده

۵۹۹۰

روز، مجموع روزهای فعالیت حلقه وصل

۳۲۴۸

خبر، کل اخبار منتشرشده

۳۱۶۳

پرونده، کل پرونده‌های حلقه وصل

۴۴۱

مجموعه، کل رویدادها، چهره‌ها و تشکل‌های فرهنگی معرفی شده

۱۹۱

صفحه، طولانی ترین شماره نشریه

۱۶۰

شهرستان، ارسال نشریه به مشتریان

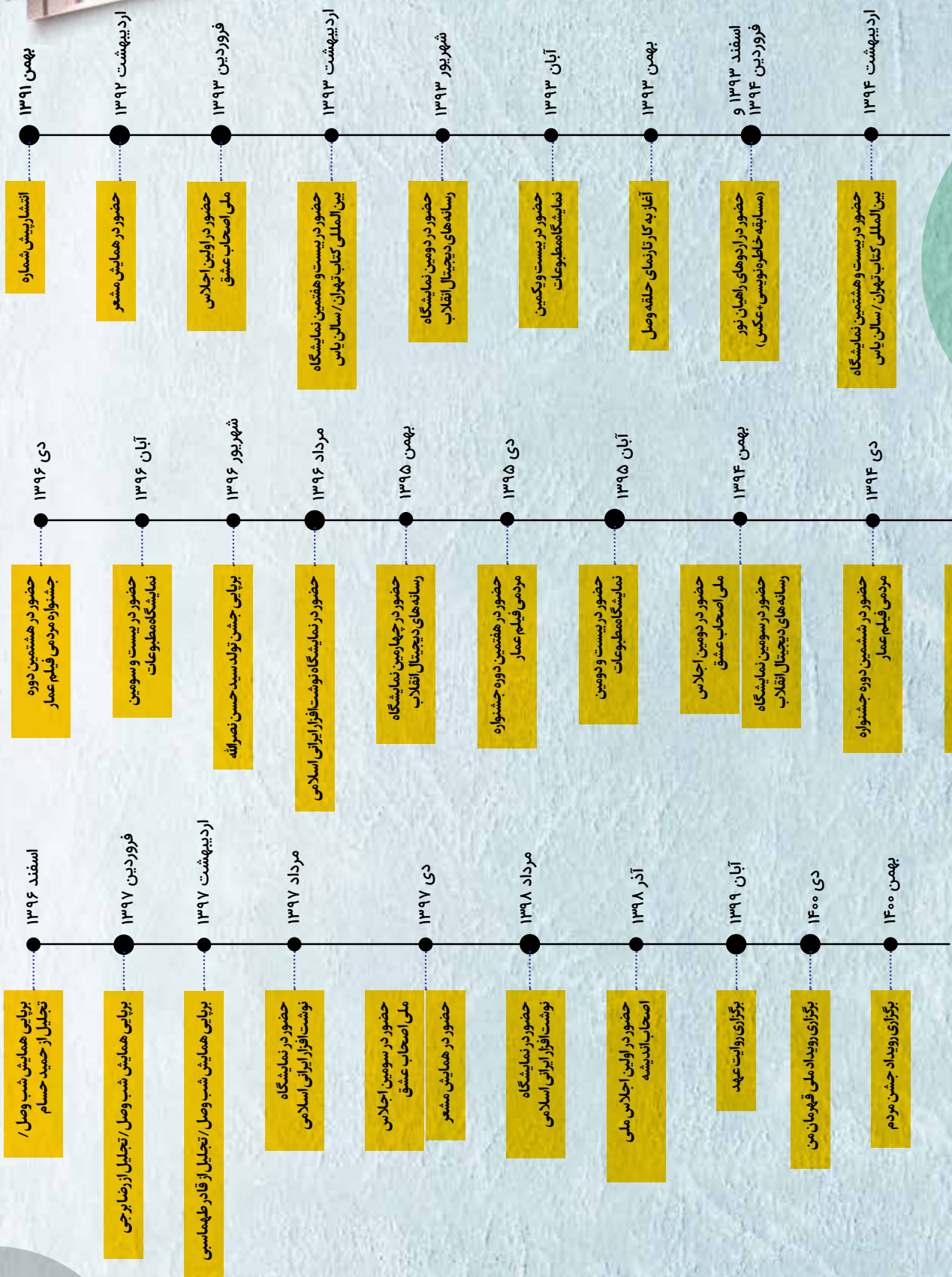
۱۱۷

نسخه، بیشترین تعداد دریافت ماهانه نشریه در یک اشتراک

۵۰

طولانی ترین دوره اشتراک به صورت پیوسته

۵



جنگ کاراکترها جنگی که نمی بینیم



برای اولین بار در ایران، بازارپردازی فرهنگی محصولات کودک و نوجوان با شخصیت ها و قهرمان های ایرانی

- سیسمونی
- پوشاک
- دکوراسیون
- نشر
- بازی های دیجیتالی
- اسباب بازی و سرگرمی
- نوشت افزار







انتشارات روایت فتح

تلفن مرکز پخش: ۸۸۸۹۷۸۱۴

قابل خرید از طریق:

@revayatfathonline

www.revayatfath.ir

نشانی فروشگاه: تهران، میدان فردوسی، ابتدای خیابان شهید سپهبد قرنی، نبش خیابان فلاح پور

«دل دادن‌ها به» و «دل بردن‌ها از»
فرزندی که بعد از تیک‌آف هواپیمای ۷۵۲
باز نگشت

- پدران‌های دوست داشتنی
- روایت دانشجوی شهید حادثه پرواز اوکراین
- در ۱۴۱ صفحه
- امیر حسین قربانی به قلم محمد علی جعفری